H A F T - E - S O B H D A I L Y

# هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
چهارشنبه | ۲۰ فروردین ۱۴۰۴
۱۲ صفحه
شماره ۴۰۲۱
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
@haftsobh @haftsobh_news www.7sobh.com

ایران و آمریکا هفت سال پس از خروج دونالد ترامپ از برجام، گفت‌وگو را آغاز می‌کنند

# شنبه سرنوشت‌ساز

● ترامپ از گفت‌وگوی مستقیم سخن می‌گوید، اما ایران همچنان بر غیرمستقیم بودن مذاکرات تأکید دارد

● تحلیلگران امیدوارند که مذاکرات غیرمستقیم به مذاکرات مستقیم تبدیل شود صفحه ۲

بررسی آخرین ابهامات تاثیر قطعی معدل پایه یازدهم و دوازدهم در آزمون سراسری ۱۴۰۴

## دنیای پرچالش پشت کنکوری‌ها

معدل داوطلبان کنکور ۱۴۰۴ در دوره یازدهم به صورت مثبت محاسبه می‌شود

صفحه ۹

منبع: ایرنا

## موبایل‌قاپ‌ها مشتری‌های دائمی پلیس

● گوشی‌قاپ‌ها روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان درآمد دارند

● گوشی‌های سرقتی یا به کشورهای همسایه می‌رود یا قطعات آن به فروش می‌رسد صفحه۶

دستگیری مردی که به ۳۰ زن تهرانی تجاوز کرده است

## چهره این متجاوز را می‌شناسید؟

صفحه۷

## دوربین خانم کارگردان علیه میراث فرهنگی

سریال جدید «نرگس آبیار» به یک مسجد تاریخی آسیب زد صفحه۶

## نقی معمولی بازار سنگ را به آتش کشید

شهاب‌سنگ پایتخت در دیوار و شیپور
چگونه یک شوخی تلویزیونی به واقعیت بازار تبدیل شد؟ صفحه۹

درباره نسل Z که کار را با وجدان اجتماعی تعریف می‌کند

## نه به میزهای خشک نه به ساعت‌های بسته آری به انعطاف

صفحه۳

تضاد شادی و اندوه در قطعه تازه عمو نوروز شهرام ناظری

## سوگ در جشن

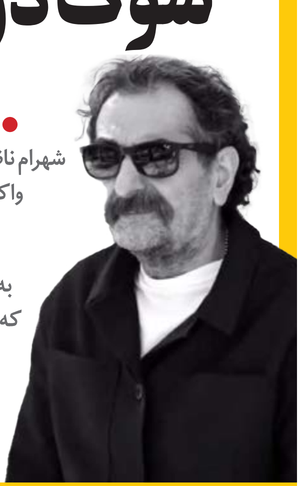

● انتشار قطعه همکاری تازه شهرام ناظری و تهمورس پورناظری واکنش‌های مختلفی به پا کرد

● آهنگ جدید عمو نوروز به مخاطب یادآوری می‌کند که جشن‌ها همیشه نمی‌توانند از درد و رنج‌های اجتماعی غافل شوند

صفحه‌های ۴ و ۵

## حلقه بسته، در نیمه‌باز

روایت نسلی که پشت درهای سیاست مانده، سیاستی که سال‌هاست چهره‌اش تغییر نمی‌کند صفحه ۲

## دفاع از کیان ملی با کراوات

وقتی یک دراز آویز زینتی تبدیل به بیانیه‌ای سیاسی می‌شود
صفحه ۱۲

برای رسیدن به رویا، باید بی‌رحم بود

## بلولاک انیمه‌ای که اخلاق ورزشی را بازتعریف می‌کند

روایتی از یک انیمه متفاوت که نگاه‌مان به فوتبال را زیر و رو می‌کند صفحه ۱۱

گزارشی از خط مقدم گرانی، فساد و دعوای یارانه‌ای زیر پوست نانوایی‌ها

## سنگک از بند یارانه پرید؟

صفحه۳

# دیپلماسی تلفن شکسته

مردم ایران در حال حاضر به‌طور فعال درباره مذاکرات و پیام‌های پشت پرده سخن می‌گویند

افشین امیرشاهی
سردبیر

در حالی که زمزمه‌های تازه‌ای از مذاکرات میان ایران و آمریکا در فضای رسانه‌ای و سیاسی جهان پیچیده است، روایت‌ها از چگونگی این گفت‌وگوها همچنان دوگانه و مبهم باقی مانده. دونالد ترامپ در سخنانی که بیشتر به یک مانور رسانه‌ای شبیه بود تا اطلاع‌رسانی دیپلماتیک، از «مذاکرات مستقیم و در سطح عالی» با ایران سخن گفت؛ حال آن که در همان ساعت‌ها، مقامات ایرانی خبر از دیداری غیرمستقیم در عمان دادند. این تضاد آشکار، نه تنها گویای سردرگمی در سطح دیپلماسی دو کشور است، بلکه یک پرسش کلیدی را پیش می‌کشد: آیا مذاکره غیرمستقیم در دنیای امروز، راهکار مؤثری برای حل مناقشه‌ای به این پیچیدگی است؟

از ابتدای دهه نود میلادی تاکنون، مذاکره به‌عنوان ابزاری ضروری برای مدیریت تنش‌ها و پیشگیری از جنگ، جایگاهی بی‌بدیل یافته است. اما وقتی گفت‌وگو از مسیر طبیعی‌اش منحرف می‌شود و در هزارتوی واسطه‌ها و «پیغام و پسغام»ها گیر می‌افتد، چیزی از شفافیت و اعتماد باقی نمی‌ماند. همین حالا مردم ایران – از نانوای محل تا استاد دانشگاه – درباره مذاکرات بحث می‌کنند. این نشان می‌دهد که موضوع، صرفاً یک گفت‌وگوی پشت‌پرده بین نخبگان نیست، بلکه به‌شکل ملموسی وارد زندگی روزمره شده. بنابراین، چرا نباید این گفت‌وگو به‌شکل مستقیم، مسئولانه و شفاف صورت گیرد؟

وقتی یک راننده تاکسی در مسیر انقلاب تا آزادی درباره ترامپ و توافق حرف می‌زند، یا پیرمرد بازنشسته‌ای در صف دارو درباره نامه‌های پشت‌پرده بین دولت‌ها نظر می‌دهد، دیگر نمی‌توان مذاکرات را در اتاق‌های بسته خلاصه کرد. معلمان مدرسه و استادان دانشگاه هم گاهی در میان درس به دانش‌آموزان و دانشجویان توضیح می‌دهند که «مذاکره یعنی گفت‌وگو، نه قایم‌باشک». این همان وجهه مردمی و زنده موضوع است که اگر نادیده گرفته شود، بازخورد اجتماعی آن ممکن است به ضد خود بدل شود.

روش مذاکره غیرمستقیم، با وجود سابقه طولانی‌اش، اغلب نشانه‌ای از نبود اعتماد متقابل یا هراس سیاسی از واکنش داخلی به‌همراه دارد. هرچند در مقاطع خاصی می‌تواند کارکرد داشته باشد (مثلاً در بحران‌های جنگی یا مذاکرات میان دشمنان دیرینه)، اما در شرایطی که یک توافق هسته‌ای جدید در دستور کار است و طرفین نیاز به راستی‌آزمایی، ضمانت‌های اجرایی و تعیین گام‌های مشخص دارند، واسطه‌گری بیش از آنکه کمک‌کننده باشد، تبدیل به مانعی در برابر اعتمادسازی می‌شود.

در این میان، سخنان ویتکاف – فرستاده ترامپ – درباره نامه ترامپ به ایران و پیشنهاد ایجاد «برنامه راستی‌آزمایی» نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. نامه‌ای که به زعم او حامل پیام صلح است، اما به‌دلیل انتقال غیررسمی و پراکنده، بیشتر شبیه بازی تلفن شکسته شده است. یعنی مثل زمانی که افراد به‌صف می‌نشینند و یک نفر جمله‌ای را آهسته به نفر بعدی می‌گوید. این روند ادامه می‌یابد تا نفر آخر جمله را با صدای بلند بگوید. معمولاً آنچه گفته می‌شود، هیچ شباهتی به جمله اول ندارد. اکنون مذاکره با ردوبدل کردن پیغام و پسغام می‌تواند چنین وضعیتی پیدا کند. چون روند گفت‌وگوها ممکن است از طریق چندین کشور با روایت‌های متفاوت و بدون تضمین انجام شود، بدون آن که حتی طرف مقابل مطمئن باشد نویسنده آن واقعاً خواهان صلح است یا صرفاً به‌دنبال امتیازگیری.

این مدل مذاکره – اگر بتوان آن را مذاکره نامید – نه‌تنها امید به نتیجه را کاهش می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز سوءتفاهم‌های خطرناک می‌شود. نمونه‌اش همین تناقض فاحش بین گفته‌های ترامپ و واکنش عباس عراقچی بود که حتی رسانه‌های آمریکایی هم آن را «غافلگیرکننده» توصیف کردند.

در نهایت، اگرچه مذاکره غیرمستقیم می‌تواند یک راهکار موقت برای باز کردن گره‌های اولیه باشد، اما در مقاطع کلیدی و حساس، جایی برای تعارف و دورزدن واقعیت وجود ندارد. اگر دو طرف واقعاً به دنبال توافقی پایدار و راه‌حلی برای عبور از سال‌ها خصومت هستند، تنها مسیر مؤثر، مذاکره مستقیم، صریح و با اراده سیاسی واقعی است. در غیر این صورت، هر پیغامی که از زبان واسطه‌ها رد و بدل می‌شود، می‌تواند به جای نزدیکی، بر عمق سوءتفاهم‌ها بیفزاید.

اپرای «رستم و سهراب» اثر لوریس چکناواریان در ارمنستان اجرا شد

# قصه انسان همیشه شنیدنی است

سما بابایی
هفت‌صبح

اپرای رستم و سهراب، اثر لوریس چکناواریان، آهنگساز نامدار ایرانی–ارمنی، این‌بار در سَرزمینی که خود بخشی از خاستگاه فرهنگی آهنگسازش است (ارمنستان) روی صحنه رفت تا بار دیگر نشان دهد که قصه انسان، همیشه شنیدنی است.

هنرمندان ارمنی در اجرای این اپرای تک‌پرده‌ای، با وفاداری به موسیقیِ فضای اسطوره‌ای اثر، تجربه‌ای مدرن و قابل‌درک برای مخاطب بین‌المللی خلق کردند. اجرای این اثر را در یکی از سالن‌های اصلی کنسرت در ایروان، یادآور پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان دو ملت و گامی دیگر در مسیر جهانی‌شدن میراثِ اسطوره‌ای ایران به شمار می‌رود.

اجرای اپرا، با مدت‌زمانی در حدود ۲ ساعت و ۲۰ دقیقه، داستان تلخ و پرغرور رستم و سهراب را روایت می‌کند. اگرچه در اجرای ارمنستان، بازیگران و خوانندگان جدیدی حضور دارند، اما تم اصلی اثر (یعنی کشمکش تراژیک پدر و پسر و فاجعه ناآگاهی) با همان قدرت و تأثیرگذاری منتقل شده است.

### ● دو دهه صبر برای خلق یک اثر

لوریس چکناواریان، آهنگساز و رهبر ارکستر سرشناس، کار ساخت این اپرا را از دهه ۵۰ میلادی آغاز کرد. روند ساخت این اثر یکی از پروژه‌های بلندمدت و پرشور تاریخ موسیقی ایران محسوب می‌شود؛ پروژه‌ای که خود به‌اندازه محتوای اثر، روایت شنیدنی و الهام‌بخشی دارد.

وقتی لوریس چکناواریان در دهه ۱۹۶۰ میلادی در زالتسبورگ اتریش بود، هنوز بسیاری از موسیقی‌دانان بزرگ دنیا ایران را فقطَ با موسیقی فولکلور یا سنتی‌اش می‌شناختند. اما او، با آن اصالت ایرانی–ارمنی‌اش، تصمیم گرفت شاهنامه را به زبان موسیقی کلاسیک جهانی ترجمه کند و چه داستانی بهتر از «رستم و سهراب» برای شروع این ماجراجویی؟

آهنگساز در آن زمان جوان، برای تحقق این ایده، به حمایت مالی نیاز داشت و «کارل ارف»، آهنگساز نام‌آشنای آلمانی و خالق کارمینا بورانا، به او پیشنهاد داد برای نوشتن‌اش از کمک‌هزینه بنیاد هنری‌شان استفاده کند. لوریس هم داستانی تراژیک از ندانستن و دیر دانستن، از قدرت، پشیمانی و از عشق بی‌فرصت را آهنگ‌سازی کرد.

چکناواریان ساخت این اپرا را با وسواس و دقتی عجیب آغاز کرد؛ بیش از دو دهه نوشتن، بازنویسی، الهام گرفتن، آزمودن ملودی‌ها و چیدمان دقیق سازها. خودش در این‌باره گفته است: «برایم مهم بود موسیقی‌ام بوی ایران بدهد اما زبان جهانی داشته باشد.»

او هم‌چنین توضیح داده است که موسیقی زورخانه‌ای و موسیقی که در دسته‌های عزاداری ماه محرم در ایران نواخته می‌شود، دو منبع الهام او در تصنیف موسیقی اپرای رستم و سهراب بوده‌اند. چکناواریان در مجموع هشت نسخه متفاوت از اپرا را تصنیف کرد.

نسخه هفتم تنها با سازهای ایرانی و نسخه هشتم (نسخه نهایی) برای ارکستر بزرگ نوشته شده‌است.

او در طول این ۲۵ سال، بارها به شاهنامه رجوع و تلاش کرد هر شخصیت را با یک امضای موسیقایی منحصر به فرد بنویسد؛ طوری که حتی اگر کلماتِ اپرا را نفهمی، بفهمی کدام صحنه درباره نبرد است و کدام درباره مهر مادری. این اپرا، حاصل رؤیای یک انسان است که می‌خواست روایت اسطوره‌ای فرهنگ خود را به زبانی جهانی بیان کند.

### ● اجرای رستم و سهراب در ایران

این اثر برای اولین‌بار در سال ۱۳۸۱ با اجرای ارکستر سمفونیک تهران در سالن همایش‌های برج میلاد اجرا شد. دریا دادور در نقش تهمینه خوش درخشید و چکناواریان خود رهبری ارکستر را به عهده گرفت.

اما نکته جالب‌تر اینکه نخستین اجرای اپرای رستم و سهراب به شکل اپرای عروسکی، دو سال بعد در سال ۱۳۸۳ و با کارگردانی بهروز غریب‌پور، در تالار فردوسی تهران به صحنه رفت؛ اجرایی که باعث شد این اثر بیشتر در میان عموم مردم شنیده و دیده شود.

غریب‌پور (کارگردان باسابقه تئاتر ایران) درباره این اثر می‌گوید: «اپرای عروسکی رستَم و سهراب، دومین ادای احترام من به حکیم ابوالقاسم فردوسی است: در سال ۱۳۷۵ و به مناسبت نخستین المپیک غرب آسیا و در استادیوم دوازده هزار نفری آزادی، هفت خوان رستم را دراماتورژی، طراحی و کارگردانی کردم که دو هزار قطعه عروسکی از جمله یک اژدهای پنجاه متری (تقریبا به همان اندازه‌ای که فردوسی در شاهنامه وصف کرده است با قریب بیست بازی دهنده و سیصد سوارکار در آن حضور داشتند و نبرد رستم و دیو سپید با نعره زنده‌یاد مهدی فتحی درنقش فردوسی آغاز می‌شد.»

روایت دردناک از انقراض یک گنجینه سبز

# کنگر در چنگال انقراض

کنگر کوهی، گیاهی که روزگاری در دمنوش‌ها و خورش‌های ایلامی جایگاهی ویژه داشت، در آستانه از بین رفتن است

بهار که از راه می‌رسد، ایلام با طبیعت بی‌بدیلش، دشت‌ها و کوه‌هایش را با رنگ و عطر گیاهان دارویی رنگ‌آمیزی می‌کند. یکی از این گیاهان که سال‌هاست در سفره‌های مردم ایلام و حتی در سفرهای گردشگری رنگ و بوی خاصی دارد، گیاه «کنگر» است. اما حالا این گیاه بی‌نظیر که یک زمان در دل کوه‌های زاگرس می‌روید، با تهدید جدی از سوی دست‌اندازی‌های انسان و برداشت بی‌رویه روبه‌روست. نگرانی‌ها از انقراض کنگر به شدت افزایش یافته و این گیاه به گنجینه‌ای در چنگال انقراض تبدیل شده است.

### ● کنگر کوهی؛ از داروخانه طبیعت تا خطر انقراض

کنگر، گیاهی که از دیرباز در غذاهای ایلامی همچون خورش کنگر، بورانی و دمنوش‌ها مصرف می‌شده، نه تنها طعم دلپذیرش، بلکه خواص درمانی شگفت‌انگیزی دارد. این گیاه، با وجود ساقه‌های ضخیم و برگ‌های خاردار، در دل کوه‌های ایلام می‌روید و به‌عنوان یک داروی طبیعی برای تقویت سیستم گوارش، قلب و کبد شناخته می‌شود. این گیاه، که تا حدودی در طب سنتی کشورهای مختلف شناخته شده است، از گذشته تا به امروز نقشی اساسی در سلامت مردم داشته است.

اما در کنار تمامی مزایای این گیاه، برداشت‌های بی‌رویه و تجاری که بدون در نظر گرفتن اصول محیط‌زیستی انجام می‌شود، باعث شده است که کنگر دیگر نتواند به رشد طبیعی خود ادامه دهد. در حالی که این گیاه در گذشته به‌راحتی در دشت‌ها و کوه‌های ایلام می‌رویید، حالا باید نگران این باشیم که نسل آن در آینده‌ای نه‌چندان دور از بین برود.

با شروع فصل بهار، ایلام تبدیل به بهشتی طبیعی می‌شود که هر گوشه‌اش مملو از گیاهان دارویی است. اما افزایش تقاضا برای گیاهان دارویی و نیاز بازار به این محصولات، باعث شده تا برداشت‌های غیراصولی و تجاری از گیاهان مختلف، از جمله کنگر، روند طبیعی رشد آن‌ها را مختل کند. بسیاری از افراد، بدون اینکه آگاهی کافی از روش‌های برداشت و نگهداری گیاهان داشته باشند، تنها به فکر سود سریع هستند و این مسئله باعث تهدید جدی برای این گونه‌های طبیعی می‌شود.

### ● یک بحران طبیعی که باید جدی گرفته شود

کارشناسان محیط‌زیست بارها هشدار داده‌اند که اگر این روند بی‌رویه ادامه یابد، در آینده نزدیک ممکن است بسیاری از گیاهان دارویی ایلام، از جمله کنگر، به‌طور کامل از بین بروند. به گفته علی فرضی‌نژاد، مدیر مرکز خدمات تخصصی گیاهان دارویی جهاد دانشگاهی استان ایلام، برداشت غیراصولی به‌ویژه زمانی که قسمت‌های ساقه و ریشه گیاه قطع می‌شود، باعث می‌شود که گیاه فرصت بذرآوری نداشته باشد و چرخه رشد آن مختل شود. در نتیجه، رشد کنگر در مناطقی چون ایلام، چرداول و دیگر نقاط این استان به‌شدت کاهش یافته است.

### ● حفظ این گنجینه مسئولیت همه ماست

برای نجات کنگر از خطر انقراض، آموزش مردم و فرهنگ‌سازی در خصوص شیوه‌های برداشت اصولی، به شدت ضروری است. باید همگان بدانند که اگر بخش‌هایی از گیاهان برای بذرآوری باقی بماند، می‌توان از تداوم رشد آن‌ها در فصول آینده اطمینان حاصل کرد. علاوه بر این، پیشنهاداتی همچون تولید کنگر به‌صورت گلخانه‌ای و جمع‌آوری بذر به‌جای برداشت بی‌رویه، می‌تواند راه‌حل‌هایی برای جلوگیری از نابودی این گیاه باارزش باشد.

ایلام، سرزمین طبیعتی بی‌کران و پر از گنجینه‌های طبیعی است. این سرزمین نه تنها میزبان کنگر است، بلکه بسیاری از گیاهان دارویی دیگر نیز در آن می‌رویند که همگی به‌نوعی نماد سلامت و شفا هستند. از آنجایی که کنگر یکی از مهم‌ترین این گیاهان است، وظیفه داریم تا با مراقبت از آن و رعایت اصول برداشت، این گنجینه را برای نسل‌های آینده حفظ کنیم. این تنها یک مسئولیت محیط‌زیستی نیست، بلکه یک وظیفه فرهنگی و اجتماعی است که باید در دل هر ایلامی و ایرانی جای بگیرد.

در حالی که ایلام به‌عنوان یک مقصد طبیعی برای گردشگران داخلی و خارجی شناخته می‌شود، باید به این نکته توجه کنیم که اگر کنگر و دیگر گیاهان دارویی را از دست بدهیم، نه تنها طبیعت ایلام آسیب می‌بیند بلکه از میراثی بزرگ و مفید برای سلامت بشری نیز محروم خواهیم شد.

## ایران و آمریکا، هفت سال پس از خروج دونالد ترامپ از برجام، گفت‌وگو را آغاز می کنند

# شنبه سرنوشت ساز

● ترامپ از گفت‌وگوی مستقیم سخن می گوید، اما ایران همچنان بر غیرمستقیم بودن مذاکرات تأکید دارد

● تحلیلگران امیدوارند که مذاکرات غیرمستقیم به مذاکرات مستقیم تبدیل شود

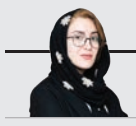

محبوبه ولی
خبرنگار

**بالاخره پس از هفت سال قفل مذاکرات ایران و آمریکا باز شد. عباس عراقچی از ایران و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه از آمریکا، شنبه در عمان ملاقات بزرگ را رقم خواهند زد و آن مکالمه کوتاه چندی پیش خود در ایکس را ادامه خواهند داد. مدت‌ها بود که دیگر هیچ خبری زورش به دلار نمی‌رسید و نمی‌توانست آن را وادار به عقب‌نشینی کند. دوشنبه شب اما بلافاصله پس از خبر دونالد ترامپ، بازار واکنش داد و دلاری که به سوی فتح قله‌های تازه می تاخت، با کاهش هشت هزار تومانی به کانال ۹۰هزار تومان بازگشت. ترامپ در جریان دیدار بنیامین نتانیاهو در اتاق بیضی کاخ سفید، خبر دست اولی داشت. او که به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی درباره مذاکرات ایران و آمریکا را خودش شخصا به عهده گرفته! گفت که «روز شنبه ملاقات مستقیم و مهمی در سطح خیلی بالا با ایرانی‌ها خواهیم داشت.» همزمان که او این خبر را می‌داد، شنوندگانش، به ویژه از نوع ایرانی آن، به این فکر می‌کردند که آنچه می‌شنوند واقعیت است یا از جمله بلوف‌های معمول دونالد ترامپ و شنبه‌ای که می‌گوید واقعی است یا از جنس آن شنبه‌هایی است که خیلی‌ها می‌خواهند باشگاه بروند، رژیم بگیرند، سیگار را ترک کنند و خلاصه رویاهای دیرینه‌شان را آغاز کنند اما هیچ وقت از راه نمی‌رسد. به فاصله کمی اما وزیر خارجه ایران خبر دونالد ترامپ را تایید کرد. عباس عراقچی در واکنش به اظهارات ترامپ در ایکس نوشت: «ایران و آمریکا روز شنبه (۲۳ فروردین ۱۴۰۴) در عمان برای گفت‌وگوهای غیرمستقیم در سطح مقامات عالی ملاقات خواهند کرد.» او اضافه کرد که «این یک فرصت و نیز یک آزمون است، توپ در زمین آمریکاست.» خبرهای تکمیلی حاکی از این است که عراقچی و ویتکاف مذاکره‌کنندگان ارشد تهران و واشنگتن هستند و مذاکرات به صورت غیرمستقیم با واسطه بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان آغاز خواهد شد.**

### سناریویی برای تبدیل «غیرمستقیم» به «مستقیم»

تا اینجای کار اصل مذاکره مسجل شده است اما مسئله بر سر مستقیم یا غیرمستقیم بودن مذاکرات به قوت خود باقی است. در گفته‌های ترامپ نکته قابل توجه اصرار او بر مستقیم بودن مذاکرات بود؛ به نحوی که چندین نوبت بر آن تاکید و تصریح کرد: «بعضی می گویند این مذاکره از طریق واسطه خواهد بود اما من می گویم خیر. ما با آنها مستقیم در تماس هستیم و شاید بتوانیم به یک توافق برسیم.» ایران اما کماکان تاکید بر غیرمستقیم بودن مذاکرات دارد و عباس عراقچی نیز در توئیت خود گفت‌وگوهای روز شنبه را «غیرمستقیم» عنوان کرد. تحلیلگران سیاسی اما اشاره می کنند که مذاکرات مستقیم نه تنها دور از دسترس نیست، بلکه کاملا قابل انتظار است. لارنس نورمن، خبرنگار وال استریت ژورنال سناریوی به گفته خود «بسیار محتملی» را طرح کرده که در آن «ایران و ایالات متحده جلسه‌ای را در عمان ترتیب می‌دهند که توسط عمانی‌ها واسطه‌گری خواهد شد. جلسه برای دو روز به صورت غیرمستقیم برگزار می‌شود. در روز دوم ایران به رسانه‌ها گزارش می‌دهد که مذاکرات سازنده بوده و طرف آمریکایی هم علاقه واقعی به گفت‌وگو نشان داده است. در شب دوم عمانی‌ها به طور تصادفی ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها را به مدت نیم ساعت در یک اتاق می‌آورند و گفت‌وگوی کوتاهی به صورت مستقیم انجام می‌شود و این صحنه را برای ترامپ فراهم می کند تا بگوید آمریکا گفت‌وگوهای مستقیم داشته و ایران بگوید که مذاکرات واقعی در عمان غیرمستقیم بوده است. اما برخی خوش‌وبش‌های مقدماتی وجود داشته، یخ شکسته شده و این امر راه را برای گفت‌وگوهای مستقیم در دور دوم باز می کند.» نورمن اضافه می کند بر اساس تجربه ۱۵ ساله‌اش این نوع بازی‌ها یا به قول او فریب‌کاری‌های دیپلماتیک گاه اتفاق می‌افتند و به هر دو طرف امکان می‌دهد که آبرویشان را حفظ کنند و راه را برای مذاکرات واقعی درباره مسائل خلیج فارس باز می کند. یکی از این تجربیات احتمالا مربوط به مذاکرات ایران و آمریکا در دوران باراک اوباماست که حسین موسویان، دیپلمات پیشین و کارشناس سیاست خارجی نیز به آن اشاره کرده و با بیان اینکه عراقچی و ترامپ، هر دو درباره مستقیم و غیرمستقیم بودن مذاکرات درست می گویند، نوشت: «در دوران اوباما هم ابتدا مذاکرات در استانبول با حضور کاترین اشتون آغاز شد و بعد خانم اشتون اتاق را ترک کرد و مذاکره‌کنندگان ایرانی و آمریکایی مستقیم گفت‌وگو کردند و نتیجه حاصل شد.»

### فاصله تعیین کننده صندلی‌ها

احمد زیدآبادی، دیگر تحلیلگر سیاسی اما به فاصله صندلی اشاره کرده و رمز غیرمستقیم بودن مذاکرات را در این فاصله دانسته است. او نوشته: «مذاکرات زیر یک سقف خواهد بود تا نظر دونالد ترامپ مبنی بر مستقیم بودن مذاکرات نادرست از کار درنیاید و در عین حال صندلی مذاکره‌کنندگان به مقدار غیرمتعارفی از هم فاصله خواهد داشت تا نظر طرف ایرانی در مورد غیرمستقیم بودن مذاکرات هم تامین شود.»

### مذاکرات مستقیم خواهد بود چون ...

تریتا پارسی، معاون اندیشکده آمریکایی کوئینسی با تاکید بر اینکه مذاکرات در عمان مستقیم خواهد بود، نوشته است: دلیل چندانی وجود ندارد که باور کنیم تهران وزیر خارجه‌اش را به عمان فرستاده تا به‌طور غیرمستقیم با فرستاده ترامپ، ویتکاف، گفت‌وگو کند. برای چنین هدفی، آنها دیپلمات ارشد خود را اعزام نمی کردند؛ بنابراین منطقی است که انتظار داشته باشیم نشست روز شنبه به گفت‌وگوهای مستقیم بینجامد.

او درباره چرایی این موضوع توضیح داده که «تهران معتقد است که ترامپ واقعاً به دنبال توافق است و اینکه او توان و اراده ارائه تخفیف‌های جدی در تحریم‌ها برای رسیدن به توافق را دارد. چنین امیدی هرگز در دوره بایدن وجود نداشت. اما ترامپ بسیار متفاوت است. او دیپلماسی با مخالفان آمریکا را اقدامی پرهزینه تلقی نمی کند و طرفدار تحریم‌هایی که به شرکت‌های آمریکایی آسیب می‌زنند هم نیست.»

گذشته از تحلیلگران سیاسی، منابع خبری نیز مذاکرات مستقیم را محتمل عنوان می کنند. خبرنگار نیویورک تایمز به نقل از چند مقام ایرانی در ایکس نوشته که ایران به واشنگتن اعلام کرده که در صورت پیشرفت مناسب مذاکرات دور اول، آماده و مایل به مذاکرات مستقیم است. اما فارغ از مستقیم یا غیرمستقیم بودن گفت‌وگوها، اولویت این است که این مذاکرات چه با واسطه و چه بی‌واسطه به سلامت به سرمنزل مقصود برسد و بده بستان‌های دو طرف منافع کشور را تامین کند.

نکته

## بی بی خوشحال است یا ناراحت؟

آنچه بیش از همه می تواند روند گفت‌وگوهای پیش رو را تهدید کند، بمبی است که نتانیاهو زیر میز مذاکرات بگذارد. این یک هشدار دائمی است که کارشکنی اسرائیل همواره در کمین هر نوع توافقی میان ایران و آمریکا است. ترامپ از خبر مذاکرات شنبه در جلسه دیدار با بنیامین نتانیاهو رونمایی کرد و به زعم برخی این نشانه خطرناکی است از اینکه ترامپ در معامله با ایران تحت تاثیر نخست وزیر اسرائیل است؛ به ویژه آنکه نتانیاهو در آن جلسه برای چندمین بار تاکید کرد خواستار توافقی با ایران از جنس توافق ۲۰۰۳ معمر قذافی است که منجر به خلع سلاح کامل لیبی شد. رسانه‌های عبری اما خبر می‌دهند که او اکنون بیش از آنکه یک بی بی خوشحال باشد، یک بی بی ناراحت است. پس از دیدار ترامپ و نتانیاهو قرار بود که نشست مشترک آنها ساعت ۲۲ دوشنبه شب به وقت تهران برگزار شود اما این نشست به دلایلی نامعلوم لغو شد. روزنامه عبری «تایمز اسرائیل» نوشته که «سفر بنیامین نتانیاهو به کاخ سفید ناامیدکننده بود زیرا ترامپ از مذاکره با ایران خبر داد.» روزنامه عبری «اسرائیل هیوم» به نقل از منابع سیاسی گزارش داده که اسرائیل از قبل از توافق ترامپ و ایرانی‌ها در خصوص مذاکرات دو طرف مطلع نبوده و شوک در چهره هیأت اسرائیلی در واشنگتن مشهود بوده است. در کنار اینها ویدئویی از پریشانی چهره نتانیاهو هنگامی که ترامپ خبر مذاکرات با ایران را اعلام می کند، در رسانه‌ها در حال دست به دست شدن است. تمام اینها آیا به معنای تایید گزارش‌هایی است که پیش از این خبر می‌دادند ترامپ، اسرائیل را از روند مذاکرات با ایران کنار گذاشته است؟ ممکن است این بخشی از روند اعتمادسازی آمریکا برای جلب اطمینان ایران و پیشبُرد مذاکرات باشد. هرچه که هست باید در انتظار شنبه ماند و دید که خاک عمان برای دیپلماسی چقدر حاصلخیز است و دیپلمات‌ها در مسقط میوه‌ای خواهند چید یا نه!

یادداشت

## نعل وارونه سیاست

دو نکته درباره مذاکره ایران و آمریکا

مهران کرمی
روزنامه‌نگار

ترامپ وقتی می گوید مذاکره با ایران شروع شده و از شنبه در سطح عالی و به شکل مستقیم برگزار می‌شود، میهمان خود نتانیاهو را در برابر عمل انجام شده قرار می‌دهد. او رفته‌بود تا ترامپ را به حمله نظامی و چیزی در حد آن ترغیب کند. ترامپ اما هدفش معامله است.

مقام‌های ایران وقتی تا همین دیروز شروع مذاکره غیر مستقیم را تکذیب می کردند و می گفتند مذاکرات آینده هم مستقیم نیست می‌دانستند که دارند مذاکره می کنند.

فاش گویی ترامپ و پنهان کاری ایران در دو بستر فرهنگی متفاوت هر دو یک هدف داشت و آن غافلگیر کردن مخالفان قدرتمند مذاکره است. این هماهنگی میان واشنگتن و تهران، چهره ژانوسی سیاست را نشان می‌دهد. در سیاست لزوما آن‌چه گفته می‌شود با آن‌چه عمل می‌شود یکی نیست. این نعل وارونه سیاست است. در قدیم سربازان یا دزدان برای غافلگیر کردن دشمن یا هدف نعل را بر سم اسبان وارونه می کوبیدند تا راه رفت و برگشت را برعکس نشان دهند.

نگاه

## در دفاع از صلح

چشم ایرانیان به مذاکرات روز شنبه دوخته شده است

مهدی خاکی فیروز
روزنامه‌نگار

در روزگاری که اخبار جهان همچون سیلابی از نگرانی‌ها، آرزوها و تحلیل‌ها از پرده رسانه‌ها فرو می‌ریزد، ایرانیان چشم به روز شنبه دوخته‌اند؛ روزی که می‌تواند نقطه‌ای حساس و تعیین کننده در روند مذاکرات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. این روز در نگاه بسیاری، یا مسیر صلح و تنش‌زدایی را هموار می کند، یا چراغ سبزی است برای حرکت به سوی بحران.

در این میان، جامعه ایرانیان به دو طیف تقسیم شده است؛ یکی از جنس تجربه، دیگری از جنس خیال. گروه نخست آنانند که زخم‌های جنگ را بر تن تاریخ، اقتصاد و روان جامعه‌شان لمس کرده‌اند. صدای آژیرها، خاطره پناهگاه‌ها، اضطراب شب‌های بمباران و فهرست بلند شهدا را از یاد نبرده‌اند. اینان با آگاهی عمیق از تبعات دهشتناک درگیری، چشم به مذاکرات دوخته‌اند تا شاید نفس تازه‌ای در فضای کشور و منطقه دمیده شود. امید دارند که گفت وگو، برنده این صحنه باشد، نه گلوله. صلح برای این گروه فقط یک آرمان نیست؛ ضرورتی حیاتی است برای تداوم زندگی، برای باز شدن راه تجارت، برای کاهش فشارهای معیشتی و برای آینده فرزندانشان.

در برابر، گروهی نیز هستند که نگاهی فانتزی‌تر به سیاست دارند. برای اینان، سیاست عرصه‌ای است پرهیجان، همانند یک بازی ویدئویی یا صحنه‌ای از فیلم‌های هالیوودی. آنها از جنگ، چونان ابزاری برای نمایش قدرت یا تحولات سیاسی سخن می گویند، بی‌آنکه بخواهند یا بتوانند هزینه‌های واقعی آن را درک کنند. در نگاه این گروه، واژه‌هایی چون کنده شدن کلک اینها یا کم کردن روی آنها، واژه‌هایی جذاب‌اند؛ اما گاه تهی از آن عمق انسانی و تاریخی‌اند که در پس هر درگیری نهفته است.

واقعیت بی‌اعتنا به هیجان‌ها و شعارها، همچنان پابرجاست: جنگ حتی اگر کوتاه باشد، پیامدی درازمدت دارد. هر گلوله‌ای که شلیک می‌شود، نه فقط دیواری را فرو می‌ریزد که نسلی را در اضطراب فرو می‌برد. زیرساخت‌ها نابود می‌شوند، سرمایه‌ها می گریزند، امیدها رنگ می‌بازند. نمونه‌های تاریخی از جمله جنگ‌های خاورمیانه، نشان داده‌اند که آغاز یک جنگ شاید در یک روز رقم بخورد، اما پایان آن ممکن است دهه‌ها به طول انجامد و ایران، با تجربه هشت سال دفاع مقدس، بیش از بسیاری از کشورها، طعم تلخ جنگ و دشواری بازسازی را چشیده است.

امروز، بیش از همیشه، جامعه ایران به آرامشی هوشمندانه نیاز دارد؛ به سیاستی که منافع ملی را بر هیجانات لحظه‌ای ترجیح دهد. مسیر مذاکرات، اگر چه پیچیده، اما همچنان بهترین ابزار برای کاهش خطرها، باز شدن مسیر تجارت، کاهش تورم و بهبود معیشت مردم است. این مسیر البته ساده نیست، اما جنگ هرگز ساده‌تر نیست.

چشم‌ها به شنبه دوخته شده‌اند؛ روزی که می‌تواند گام نخست در سوی صلحی پایدار و عادلانه، یا خدای نکرده حرکت به سوی تنش بیشتر باشد. امیدواریم که عقلانیت، تجربه و درک عمیق از زخم‌های گذشته و همچنین محاسبات و مناسبات طرف مقابل مذاکرات، بر فانتزی‌های پرهیجان و بی‌ریشه غلبه کند.

گزارش

آینده سیاست با نسل‌های غایب

# حلقه بسته درِ نیمه‌باز

## روایت نسلی که پشت درهای سیاست مانده و سیاستی که سال‌هاست چهره‌اش تغییر نمی کند

**شب است. تلویزیون تصویر جلسه‌ای رسمی را نشان می‌دهد. در ردیف نخست، نام‌هایی آشنا؛ چهره‌هایی که سال‌هاست در پست‌های مختلف سیاسی دیده‌ایم. گاهی وزیر بوده‌اند، گاهی مشاور، گاهی عضو شورا یا نهاد. صحنه تکراری است، اما سوال تازه: چرا در ساختار سیاسی ایران، اسامی تکرار می‌شوند؟ چه شد که چرخه نخبگان، حلقه‌ای بسته شد و جای نسل‌های تازه، همچنان محفوظ مانده است؟ در این متن، تلاش می‌شود بدون هیجان‌زدگی و پیش‌داوری، دلایل استمرار این چرخه، ساختارهای مؤثر بر آن و پیامدهایش بر آینده سیاست‌ورزی در ایران بررسی شود.**

### چهره‌هایی از حافظه سیاسی، نه تاریخ

جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه فعالیت، شاهد حضور چهره‌هایی بوده که نامشان برای چند نسل از شهروندان آشناست. مدیرانی که دهه‌هاست در سطوح مختلف اجرایی، تقنینی و مشورتی حضور دارند. برخی در دوره‌ای وزیر بوده‌اند، بعد نماینده مجلس شده‌اند، سپس عضو مجمع یا مشاور عالی. برای بسیاری از آن‌ها، واژه «بازنشستگی» هیچ‌گاه معنای واقعی پیدا نکرده است. برای نمونه، علی‌اکبر ولایتی پس از ۱۶ سال سکانداری وزارت خارجه، دهها سال است که به‌عنوان مشاور عالی رهبر در سیاست خارجی نقش‌آفرینی می کند؛ محسن رضایی از فرماندهی سپاه پاسداران به دبیری مجمع تشخیص مصلحت و سپس معاونت اقتصادی رئیس‌جمهور رسیده است یا نعمت‌زاده با نزدیک به ۸۰ سال سن دوباره به سمت مشاور وزیر نفت منصوب می‌شود. فهرست این چهره‌ها بلندبالاست و وجه مشترکشان حضور مستمر در قدرت به‌رغم تغییر عناوین شغلی است.

در دولت‌های مختلف، فهرست مدیران عالی‌رتبه گاه آن‌قدر مشابه بوده که تغییرات، بیشتر چرخش صندلی‌ها به نظر آمده تا انتقال نسلی. برخی تحلیل گران معتقدند این مسئله ریشه در نگاه امنیتی-حفاظتی به اداره کشور دارد؛ جایی که حفظ ثبات و تداوم تجربه، بر هر نوع آزمون گری یا نوآوری ارجح شمرده شده است. همچنین پیوندهای شخصی و روابط خانوادگی نیز عاملی تعیین کننده در چرخه بسته نخبگان بوده است. شبکه‌ای از نسبت‌های سببی و نسبی طی سال‌ها در میان خاندان‌های حاکم شکل گرفته که راه ارتقای مناصب را برای وابستگان آنها هموار کرده است

### وفاداری مهم‌تر از مهارت؟

در بسیاری از ساختارهای حکمرانی جهان، اعتماد و وفاداری، نقش مهمی در انتصاب ایفا می کند. اما در ایران، این مؤلفه گاهی چنان پررنگ شده که بر تخصص و دانش مدیریت سایه انداخته است. در بدنه قدرت، وفاداری به اصول ایدئولوژیک نظام و نزدیکی فکری با جریان حاکم، گاه بیش از توان اجرایی، زمینه‌ساز رشد فردی شده است. در چنین فضایی، ورود چهره‌های مستقل، با گرایش‌های فکری متنوع یا دیدگاه‌های اصلاحی، با دشواری همراه بوده. بسیاری از این افراد یا در مرحله تأیید صلاحیت متوقف شده‌اند، یا ترجیح داده‌اند به عرصه‌های غیررسمی‌تر بروند: دانشگاه، رسانه، یا فعالیت اجتماعی.

### پله‌های آهنی قدرت

بخش مهمی از چرخه نخبگان، در نهادهای خاصی شکل گرفته است؛ نهادهایی که هم قدرت تصمیم‌سازی دارند، هم کانال ورود به سطوح بالاتر محسوب می‌شوند. مراکزی مانند مجلس خبرگان، شورای نگهبان، مجمع تشخیص و حتی صداوسیما یا نهادهای فرهنگی خاص، سهم بالایی در بازتولید چهره‌های سیاسی داشته‌اند.

تربیت سیاسی در این ساختارها معمولاً در چارچوب مشخصی صورت می گیرد. افراد از همان ابتدا می‌آموزند که برای ماندن، باید در امتداد گفتمان غالب حرکت کنند. نتیجه آن شده که نخبگان جوان نیز اغلب به بازتولید همان مدل فکری و مدیریتی گذشته مشغول شده‌اند. تفاوت سنی وجود دارد، اما تفاوت رویکرد نه به آن شدت.

### جوانان؛ پرشمار، پرانرژی، بی‌نقش؟

طبق آمار رسمی، بیش از ۶۰ درصد جمعیت ایران زیر ۳۵ سال سن دارند. اما این واقعیت جمعیتی در ساختار سیاسی کشور چندان بازتابی ندارد. اعضای نهادهای اصلی قدرت معمولاً بالای ۵۰ سال دارند و میانگین سنی برخی شوراها، از ۶۵ هم فراتر می‌رود. فاصله‌ای که نه فقط سنی، بلکه نسلی، فرهنگی و سیاسی است. سازوکارهای رسمی قدرت نیز درهای خود را به روی تازه‌واردان بسته نگه داشته‌اند. شورای نگهبان که وظیفه تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات را بر عهده دارد، در عمل مانند دروازه‌بانی عمل می کند که ورود چهره‌های مستقل یا منتقد-که غالباً از نسل‌های جدیدترند-را سد می کند. نتیجه این روند را می توان در ترکیب نامزدهای انتخابات مشاهده کرد؛ برای نمونه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳ تقریباً تمامی رقیبان جدی و متفاوت رد صلاحیت شدند و عرصه رقابت به چهره‌های همسو و عمدتاً متعلق به نسل قدیم انقلاب محدود گشت. در انتخابات مجلس یازدهم (۱۳۹۸) نیز رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان و نیروهای جوان‌تر موجب شد مجلسی یکدست از لحاظ گرایش سیاسی و میانگین سنی شکل بگیرد. این یکدست‌سازی سیاسی اگرچه به زعم حاکمیت ثبات‌آفرین است، اما به قیمت کنار زدن نیروهای تازه‌نفس و خلاق تمام شده است. نسلی که در دهه ۶۰ یا ۷۰ به دنیا آمده، دغدغه‌هایی دارد که در میزهای تصمیم گیری کمتر شنیده می‌شود. در بسیاری موارد، همین نسل با سیاست رسمی بیگانه شده و ترجیح می‌دهد انرژی خود را در حوزه‌های غیربوروکراتیک صرف کند. اما آیا این وضعیت می‌تواند در بلندمدت تداوم یابد؟

### وقتی اعتماد عمومی تحلیل می‌رود

نبود گردش نخبگان، پیامدهایی فراتر از بدنه سیاسی دارد. در جامعه‌ای که شهروندان احساس کنند فرصت مشارکت واقعی ندارند، امید به بهبود امور جای خود را به بی‌اعتمادی و انفعال می‌دهد. پدیده‌هایی مانند کاهش مشارکت در انتخابات، بی‌تفاوتی عمومی، یا مهاجرت نخبگان، همگی نشانه‌هایی از همین روند هستند. برخی جامعه‌شناسان معتقدند اگر چرخه اعتماد عمومی دچار خلل شود، بازسازی آن دشوار و زمان‌بر خواهد بود. مشارکت سیاسی یکی از ابزارهای کلیدی برای ترمیم این اعتماد است و مشارکت، تنها با حضور مؤثر، برابر و واقعی شهروندان معنا پیدا می کند.

### پایان بسته، آغاز باز؟

نقد چرخه بسته نخبگان، نه از سر تخریب، بلکه از دغدغه پویایی و ماندگاری یک نظام سیاسی است. هیچ ساختار سیاسی‌ای نمی‌تواند برای همیشه بر چهره‌های قدیمی تکیه کند، بدون آنکه میدان را برای نسل تازه باز کند. باز کردن در، تنها یک ضرورت مدیریتی نیست و یک ضرورت ملی محسوب می‌شود. در روزگار پیچیده امروز، ترکیب تجربه و نواندیشی، می‌تواند ایران را از مسیر تکرارهای خسته‌کننده، به سمت افق‌های تازه‌تری ببرد.

### » قانون منع به کارگیری بازنشستگان: در عمل چه شد؟

**در سال ۱۳۹۷، مجلس شورای اسلامی قانونی تصویب کرد که به موجب آن، استفاده مجدد از مدیران بازنشسته ممنوع می‌شد. امید آن بود که راه برای نیروهای تازه‌تر باز شود. با این حال، اجرای این قانون با تبصره‌ها و استثناهایی همراه شد. برخی مدیران با مجوزهای خاص ابقا شدند، برخی نهادها مشمول قانون نشدند و در نهایت، تغییر مورد انتظار در سطح کلان اتفاق نیفتاد. این تجربه نشان داد که اصلاح ساختار نخبگان صرفاً با مصوبه قانونی میسر نمی‌شود. تا زمانی که نگاه مدیریتی کشور به نسل تازه با تردید نگریسته شود، قانون به تنهایی گره‌گشا نخواهد بود.**

### » سیاست خارجی در آینه ساختار داخلی؟

**در ظاهر، چرخه بسته نخبگان، پدیده‌ای داخلی است. اما پیامدهای آن، به عرصه سیاست خارجی نیز راه پیدا می کند. وقتی تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی در دایره‌ای محدود انجام می‌شود و نگاه‌ها بر اساس تجربیات چند دهه قبل تنظیم می‌گردد، فضای گفت‌وگو با جهان نیز متأثر خواهد بود. برخی دیپلمات‌های باسابقه بر این باورند که تعامل مؤثر با جهان امروز، نیازمند دیدگاه‌های تازه، زبان جدید و ترکیب متفاوتی از مذاکره‌کنندگان است. البته تجربه، یک سرمایه است، اما تجربه‌ای که با واقعیت‌های جدید به‌روز شده باشد، نه تجربه‌ای که فقط تکرار گذشته باشد.**

## گزارشی از خط مقدم گرانی، فساد و دعوای یارانه‌ای زیر پوست نانوایی‌ها

# سنگک از بند یارانه پرید؟

حامد رمضانی
روزنامه‌نگار

**هنوز هم صبح‌ها صـــدای تنور و پهن کردن خمیر و پاشـــیدن کنجد روی سنگ‌های داغ، بخشی از ریتم زندگی شهری‌ست. نانوایی سنگکی، همیشه پاتوق کوتاه اما صمیمی آدم‌هایی بوده که می‌خواستند روزشـــان را با نانی تازه شـــروع کنند. نان سنگک، یکی از قدیمی‌ترین، مغذی‌ترین و شـــاید محبوب‌ترین نان‌های ســـفره ایرانی است؛ نانی که هم طعم دارد، هم وزن و هم حافظه جمعی.**

اما حالا ســـنگک هم وارد لیســـت بحران‌ها شـــده؛ بحرانی با طعم گندم، عطر کنجد و قیمت‌های متغیر.

در حالی که دولت هر ســـال هزاران میلیارد تومان یارانه بـــرای تأمین نـــان اختصاص می‌دهد تا این کالای اســـتراتژیک همچنان ارزان به دســـت مردم برسد، رئیس اتحادیه نانوایان سنگک تهران، خواستار آزادسازی قیمت نان سنگک شده است. درخواستی که در نگاه اول عجیب به‌نظر می‌رسد، اما از دل یک مناقشه قدیمی بین «قیمت دستوری» و «بازار آزاد» بیرون آمده.

«هرجا فشار نرخ دستوری باشد، فساد ایجاد می‌شود»؛ این را ســـلیمانی، رئیس اتحادیه نانوایان سنگکی تهران گفته و معتقد است اگر اصلاحات اساسی صورت نگیرد، تنها راه باقیمانده، آزادسازی قیمت نان است. او ادعا کرده که با آزادسازی قیمت، جلوی تخلفات گرفته می‌شود و تا ۳۵درصد صرفه‌جویی در مصرف آرد هم خواهیم داشت. از نگاه او، نان ســـنگک ارزان نه به نفع مردم، بلکه به نفع واسطه‌ها و ســـودجویانی است که از شکاف بین نرخ مصوب و قیمت واقعی سوءاستفاده می‌کنند. در همین راســـتا خبرنگار روزنامه هفت صبح با او تماس گرفت و سلیمانی تنها به این جمله بسنده کرد که: حرف‌هایم را قبلا زده‌ام و فعلا صحبت دیگری نمی‌کنم اما در همین تهران، واقعیت چیز دیگری می‌گوید. در نیمه دوم سال گذشته، قیمت رسمی نان تا ۶۰ درصد افزایش یافت، اما با بی‌توجهی وزارت جهـــاد کشـــاورزی و نبـــود نظارت تعزیرات، بســـیاری از نانوایی‌ها—مخصوصاً ســـنگکی‌ها—قیمت‌ها را به بهانه‌هایی مثل چند گرم کنجد اضافه تا بیش از ۲۰۰ درصد بالا بردند؛ بدون اینکه نگـــران برخوردی از سوی قانون باشند.

این قیمت‌ها برای کسانی است که حاضرند زمان قابـــل ملاحظه‌ای را در صـــف نانوایی بایســـتند. اما با خرید از طریق سامانه‌هایی همچون اسنپ فود و دیجی کالا، هزینه‌های حدود ۱۵ تا ۴۵ هزار تومان برای بسته‌بندی و خدمات ارســـال دریافت می‌شـــود و خود نان ســـاده نیز از ۸ تا ۲۰ هزارتومان فروخته می‌شـــود. مردم این را خـــوب می‌دانند که وقتـــی یارانه هســـت ولی نظارت نیســـت، قیمت‌هـــا بی‌صدا بـــالا می‌رونـــد و کیفیت بی‌صدا پایین می‌آید.

نان سنگک همیشه یکی از مهم‌ترین اقلام ســـبد غذایی مردم بـــوده، به‌خصوص برای خانواده‌هایی که گوشـــت و برنج را از سفره کنار گذاشته‌اند و نان برایشان آخرین خط بقا است. حالا اگر قیمت همین نان هم رها شود، چه چیزی برای‌شان باقی می‌ماند؟

از آن طـــرف، نانوایان هم گلایـــه دارند؛ از قیمت پایین مصوب، از سهمیه آرد ناکافی، از فشار هزینه‌ها و از مقرراتی که بیشتر شبیه زورآزمایی اداری‌ســـت تا حمایـــت واقعی. می‌گویند اگر قرار اســـت با آرد یارانه‌ای نان خوب بدهند، بایـــد آرد و تجهیزات و حقوق کارگر هم یارانه‌ای باشد.

حالا ماجرا به یک وگانه خطرناک رســـیده. یارانه یا فســـاد؟ آزادی قیمت یا رهاسازی بازار؟ سفره مردم یا صرفه‌جویی دولت؟

نـــان، فقـــط یـــک خـــوراک نیســـت. نان، شاخصی‌ست برای سنجش حال جامعه. وقتی نان به بحران می‌افتد، یعنی فشار اقتصادی به ابتدایی‌ترین نیاز مردم رسیده. نان سنگک، این نان سنتی، امروز در صف آزادسازی قیمت ایســـتاده؛ اما کســـی نمی‌داند آیا بعد از این آزادســـازی یا به تعبیری آزادسازی از زندان تورم، مردم هنـــوز توان ایســـتادن در صف نانوایی را خواهند داشت یا نه.

آینده

### درباره نسلی که کار را با وجدان اجتماعی تعریف می‌کند

## نه به میزهای خشک، نه به ساعت‌های بسته؛ آری به انعطاف

### نسل Z از کار فقط حقوق نمی‌خواهد، بلکه معنا می‌خواهد

رضا رهسپار
پژوهشگر

نسل Z اکنون به بخش عمده‌ای از نیروی کار در کشـــورهای مختلف از جمله ایران تبدیل شده‌اند. این نسل که از همان ابتدا در دنیای دیجیتال و فناوری‌های نوین رشد کرده اســـت، انتظارات متفاوتی از محیط کار دارند. این تفاوت‌ها عـــلاوه بر این که از تفاوت‌های فرهنگـــی و اجتماعی میان نسل‌ها نشأت می‌گیرد، محصول تحولات جهانـــی در عرصه‌های فنـــاوری، محیط زیســـت و ارزش‌های اجتماعی اســـت که در روند شکل‌گیری شـــخصیت این نسل تأثیرگذار بوده است.

در ایـــران، جایی که سیســـتم‌های کاری هنوز تحت تأثیر الگوهای سنتی و قدیمی قرار دارند، ورود نسل Z به محیط کار یک تحول چشمگیر به‌شـــمار می‌رود. یکی از تفاوت‌های اصلی این نســـل با نســـل‌های پیش از خـــود، دیـــدگاه آنها نســـبت به تکنولوژی است. نسل Z از دوران کودکی در دنیای دیجیتال پـــرورش یافته‌اند. آنها در دنیـــای آنلاین رشـــد کرده‌اند و حتی کوچک‌تریـــن ارتباطات اجتماعی‌شـــان در شـــبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی صورت می‌گیـــرد. این آشـــنایی عمیق با فناوری باعث شـــده که انتظارات‌شـــان از محیط کار، شامل بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، ابزارهای دیجیتال و سیســـتم‌های کارآمد باشد. در نتیجه، کمتر به روش‌های قدیمی و سنتی مدیریت و ارزیابی شغلی تمایل دارند و خواهان استفاده از ابزارهای دیجیتـــال برای تســـهیل و تســـریع کار هستند. این تمایل به اســـتفاده از فناوری به وضوح در تمایل به کارهـــای از راه دور و انعطاف‌پذیری ســـاعات کاری نمود پیدا می‌کند. در این راستا، تأثیر تحولات جهانی به ویژه پس از شـــیوع پاندمـــی کرونا، که فرهنگ دورکاری را در بسیاری از کشورها به ویژه در اروپا و آمریکای شمالی تقویت کرد، برای نســـل Z ملموس‌تر از همیشه است.

اما چیزی که شاید کمتر به آن توجه شده باشد، نگاه خاص این نســـل به مفهوم کار معنادار است. در حالی که نسل‌های پیشین بیشتر به دنبال ثبات شغلی و درآمد ثابت بودند، نسل Z در جست‌وجوی شغلی است که هم درآمدزا باشـــد و هم با ارزش‌های شخصی و اجتماعی آنها هم‌راستا باشد. این نسل در دنیای جهانی‌شده، از دیدگاه‌های اجتماعـــی، فرهنگی و زیســـت‌محیطی بیشتر آگاه اســـت و برایشان مهم است که در کدام سازمان کار می‌کنند. آنها تمایل دارند برای شـــرکتی کار کنند که علاوه بر ســـوددهی و پرداخت حقوق مناسب و به موقع، در راســـتای بهبود محیط زیست، عدالت اجتماعی و برابری جنســـیتی نیز گام بردارد. این انتظارات از بستر تغییرات جهانی و فشـــارهای اجتماعی ناشـــی از افزایش توجه به مســـائل زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی در بسیاری از نقاط جهان، به‌ویژه در کشـــورهای پیشـــرفته‌تر تأثیر پذیرفته است.

در ایـــران، جایی که این مســـائل هنوز در سطح نســـبتا محدودی در حال گسترش است، ورود نسل Z به محیط کار فرصتی بـــرای تغییرات ســـاختاری در بخش‌های مختلف است. نسل Z به دنبال شغل‌هایی هســـتند که در آنها بتواننـــد تأثیر مثبت اجتماعی داشته باشـــند و به حفظ محیط زیست کمک کنند. این نگرش‌ها حتی در انتخاب برندها و شـــرکت‌ها هم تأثیرگذار اســـت. برای مثال، تحقیقات جهانی نشان می‌دهد که نسل Z تمایل دارند از برندهایی خرید کنند که از نظـــر اجتماعی و محیط زیستی مسئولیت‌پذیر باشند. این تحولات در ایران نیز در حال شـــکل‌گیری است و می‌تواند به تدریج به یک تغییر بنیادین در سبک زندگی و کار در کشور منجر شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته نسل Z، درخواست آنها برای شـــفافیت و بازخورد فوری است. این نســـل که در دنیای سریع و آنی ارتباطات دیجیتال رشـــد کرده‌اند، به‌طور طبیعی خواهـــان دریافت بازخورد سریع از کارفرمایان و مدیران خود هستند. آنها دیگر به سیســـتم‌های ارزیابی سنتی که بر اساس بررســـی‌های سالانه و زمان‌بر صورت می‌گیرد، راضی نمی‌شوند. در عوض انتظار دارند که به‌طور مداوم ارزیابی شوند و راهنمایی‌های عملی و فوری برای بهبود کارشان دریافت کنند. این ویژگی به‌ویژه در زمینه مدیریت عملکرد و توسعه فردی کارکنان برای بسیاری از سازمان‌ها، به یک چالش جدی تبدیل شده است.

در نهایـــت، نســـل Z در ایـــران نیـــز از تمایـــل کمتری بـــه نظام‌هـــای قدیمی و سلســـله‌مراتبی برخوردار اســـت. آنها به دنبـــال کار در محیط‌هایی هســـتند که فرهنگ سازمانی آنها مبتنی بر همکاری، انعطاف‌پذیـــری و گفت‌وگوی باز باشـــد. این نســـل به‌ویژه خواهان فضایی است که در آن ارزش‌های فـــردی و خلاقیت‌های شخصی‌اش به رسمیت شـــناخته شود و بتواند در تصمیم‌گیری‌هـــا و فعالیت‌های کاری نقش داشته باشد. از این رو، بسیاری از سازمان‌ها که به‌دنبال جذب و نگه‌داشت این نســـل هســـتند، باید بـــه اصلاحات ســـاختاری در ســـازمان خود پرداخته و فرهنگ کاری خود را مطابق با خواسته‌ها و انتظارات این نسل تطبیق دهند.

در نهایت، نســـل Z در حال ایجاد تحولی عمیـــق در دنیـــای کار اســـت. انتظارات این نســـل به‌ویژه در ایـــران، اگرچه هنوز در مراحل ابتدایی قـــرار دارد، می‌تواند به فرصتی برای سازمان‌ها تبدیل شود که از این تغییرات به نفع بهـــره‌وری، نوآوری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی استفاده کنند. در این میان، چالش‌هـــا و فرصت‌هایی که برای مدیـــران و کارفرمایان پیش می‌آید، نیازمنـــد تفکـــر اســـتراتژیک و تطبیق با انتظارات این نسل است که به تسریع روند تحولات در سازمان‌ها کمک می‌کند.

نکته

### درباره مدیرانی که کم‌خوابی‌هایشان، شرکت‌ها را به تصمیم‌های پرریسک و لبه پرتگاه می‌کشاند

## خواب پرسود مدیران

### مدیر موفق اول خوب می‌خوابد، بعد تصمیم می‌گیرد

کیفیـــت تصمیم‌گیری‌هـــای اقتصادی در ســـطوح مدیریتی، عامل تعیین‌کننده‌ای در رشـــد، توســـعه و ثبات مالی شرکت‌هاست. در دنیای امروز، پیچیدگی‌هـــای روزافزون بازارهای مالی و فشارهای اقتصادی، مدیران را مجبـــور به اتخاذ تصمیماتـــی می‌کند که می‌تواند سرنوشت سازمان‌های‌شان را تغییر دهد. در این شـــرایط، توجه بـــه عواملی که عملکرد شـــناختی و توانایی حل مســـائل پیچیده را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اهمیت بیشـــتری یافته اســـت. یکی از این عوامل، خواب کافی و باکیفیت است.

خواب، نقشی اساســـی در بازسازی و احیای عملکردهـــای حیاتی بـــدن ایفـــا می‌کند. تحقیقات نشـــان داده‌اند کـــه کمبود خواب می‌تواند به کاهش تمرکز، افت حافظه و ضعف در ارزیابی گزینه‌ها منجر شـــود. مطالعه‌ای کـــه در Journal of Experimental Psychology منتشـــر شـــده، نشان داده است که افراد با کمبود خواب، در مواجهه با چالش‌های ذهنی پیچیـــده، انعطاف‌پذیری شناختی کمتری دارند و بیشتر به تصمیمات تکانشـــی متوسل می‌شـــوند. این رفتارهای تکانشـــی می‌توانند در دنیـــای اقتصاد، به ســـرمایه‌گذاری‌های پرخطـــر و تصمیمات غیرمنطقی منجر شوند.

از ســـوی دیگر، خواب ناکافـــی می‌تواند بر توانایی‌های ارتباطـــی و مهارت‌های رهبری نیز اثر منفی بگذارد. مدیرانی که استراحت کافی ندارند، ممکن است در جلسات مذاکره و تصمیم‌گیری، نتوانند به‌خوبی نظرات خود را منتقل کنند یا به واکنش‌های تیم‌شان پاسخ مناسبی بدهند. این ضعف در برقراری ارتباط و همکاری، به افت روحیه کارکنان و کاهش بهره‌وری سازمانی منجر می‌شود.

مطالعـــات انجام‌شـــده توســـط RAND Corporation بـــر تأثیرات گســـترده‌تر کمبود خواب بر اقتصاد نیـــز تأکید دارد. بر اســـاس این تحقیقات، کمبود خواب علاوه بر اینکه بـــه عملکرد ضعیف‌تـــر افراد منجر می‌شود، هزینه‌های اقتصادی کلانی را نیز بر جامعه تحمیل می‌کند. تخمین زده می‌شود که اقتصاد ایالات متحده سالانه حدود ۴۱۱ میلیارد دلار به‌دلیل کمبود خواب کارکنان از دســـت می‌دهد. این رقم شـــامل کاهش بهره‌وری، افزایش نرخ حوادث و هزینه‌های درمانی مربوط به مشکلات ناشی از بی‌خوابی است.

با این حال، داشتن خواب باکیفیت بسیاری از این مشـــکلات را رفع می‌کنـــد. مدیرانی که به میزان کافی اســـتراحت می‌کنند، در اتخاذ تصمیمات اســـتراتژیک عملکرد بهتـــری نشـــان می‌دهنـــد. خواب مناســـب بـــه بهبـــود تنظیم احساســـات، افزایـــش خلاقیـــت و تقویت توانایی حل مســـئله کمک می‌کند. به‌عنـــوان مثال، پژوهشـــی در Harvard Business Review نشان داد که مدیرانی که به‌طور منظم هفت تا هشـــت ساعت در شـــب می‌خوابند، توانایی بیشتری در حل تعارض‌ها، شناســـایی فرصت‌های جدید و مدیریت ریســـک دارند. علاوه بر این، خواب کافی به بهبود توانایـــی یادگیری و پردازش اطلاعـــات جدید نیـــز کمـــک می‌کند. در محیط‌های اقتصادی پرنوسان، مدیران دائماً با داده‌های جدید و اطلاعـــات متغیر روبرو هستند. داشتن ذهنی آماده و هشیار به آن‌ها اجازه می‌دهد تا سریع‌تر و دقیق‌تر به تغییرات بازار واکنش نشـــان دهند و از فرصت‌ها به بهترین نحو استفاده کنند.

راهکارهایی برای بهبـــود عادت‌های خواب مدیران وجـــود دارد که می‌توانـــد به بهبود عملکرد آن‌هـــا منجر شـــود. یکـــی از این راهکارها، تعیین یک برنامـــه خواب منظم است. خوابیدن و بیدار شدن در ساعت‌های ثابت، به بدن کمک می‌کند تا چرخه خواب منظم‌تری داشته باشد و کیفیت استراحت شـــبانه افزایش یابد. علاوه بـــر این، کاهش استفاده از وسایل الکترونیکی قبل از خواب و ایجاد محیطی آرام و تاریک در اتاق خواب، می‌تواند کیفیت خواب را به‌طور چشمگیری بهبود بخشد. مدیرانی که خواب کافی دارند، اغلب تصمیمات اقتصادی بهتری می‌گیرند، زیرا از نظر ذهنی آماده‌تر، از نظر احساســـی متعادل‌تر و از نظر شناختی کارآمدتر هستند. خواب مناســـب به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با دقت بیشـــتری داده‌ها را تجزیه و تحلیل، از رفتارهای هیجانی پرهیز و اســـتراتژی‌های پایدارتر و مؤثرتری برای رشـــد و پیشرفت شرکت اتخاذ کنند.

در نهایـــت، همان‌طور کـــه تحقیقاتی از جملـــه مطالعـــه RAND نشـــان داده‌اند، اهمیت خـــواب در اقتصاد فقط به عملکرد فردی مدیران محدود نمی‌شود. یک نیروی کار خواب‌آلـــود، از بهره‌وری کمتری برخوردار اســـت و هزینه‌های بیشتری برای شـــرکت و اقتصاد ملی ایجاد می‌کند. از این رو، ســـازمان‌ها باید به اهمیت خواب کافی به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری بلندمدت برای بهبود عملکرد اقتصادی نگاه کنند.

در دنیایی که تصمیمات اقتصادی می‌توانند تفاوت میان موفقیت و شکست را رقم بزنند، توجه بـــه عواملی کـــه عملکـــرد مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اهمیتی دوچندان دارد. خواب کافی یکی از این عوامل اســـت. ســـازمان‌هایی که مدیران و کارکنان‌شان را به داشتن استراحت کافی تشویق می‌کنند، در بلندمدت شـــاهد بهبـــود عملکرد مالی، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های ناشی از اشتباهات و خطاها خواهند بود. در نتیجه، خواب کافی یک نیاز شـــخصی نیست، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای سازمان‌هاست.

جنجالی روز

## بازتولید نابرابری در عصر هوش مصنوعی

شاهرخ فتوره‌چی
برنامه‌نویس و کارشناس دیجیتال مارکتینگ

با گسترش روزافزون هوش مصنوعی در زندگی روزمره، از تصمیم‌گیری در امور بهداشتی گرفته تا استخدام، آموزش و امنیت، یک نگرانی بنیادین بیش از پیش برجسته شده است.

**تعصب الگوریتمی**

این پدیده، به‌طور پنهان اما تأثیرگذار، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را بازتولید کرده و روند تحقق عدالت را مختل می‌سازد. تعصب الگوریتمی زمانی رخ می‌دهد که ســـامانه‌های خودکار یا تصمیم‌گیر مبتنـــی بر داده، نتایجی ناعادلانه به نفع یـــا به زیان گروه‌هایی از مردم تولید کنند. این ســـوگیری‌ها معمولاً بر پایه عواملی چون نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی، سن یا محل زندگی شکل می‌گیرند. برخلاف تصور رایج، این خطاها نتیجه نقص فنی نیستند، بلکه بازتاب داده‌های ناعادلانه‌ای هستند که الگوریتم‌ها با آن‌ها آموزش دیده‌اند.

**چرا این تعصب شکل می‌گیرد؟**

الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای یادگیری به داده‌هایی متکی هستند که از جهان واقعی استخراج شده‌اند. اگر این داده‌ها حاوی نابرابری‌های تاریخی یا تبعیض‌های ساختاری باشند، الگوریتم‌ها نیز همان الگوها را تکرار می‌کنند. همچنین، نبود تنوع در تیم‌های توسعه‌دهنده سامانه‌ها باعث می‌شود برخی از سوگیری‌ها اصلاً شناسایی نشوند.

**پیامدهای اجتماعی و اقتصادی**

تعصب در الگوریتم‌ها تنها یک مســـئله فنی نیســـت، بلکه تبعاتی عمیق در سطح اجتماع دارد. تصمیمات نادرســـت در حوزه‌هایی چون سلامت، استخدام یا عدالت قضایی، تبعیض را تقویت کرده، فرصت‌های برابر را کاهش می‌دهد و بی‌اعتمادی عمومی را گسترش می‌دهد.

**نمونه‌هایی از دنیای واقعی**

در مطالعه‌ای در ســـال ۲۰۱۹، پژوهشـــگران دانشگاه شـــیکاگو و هاروارد الگوریتمی را بررســـی کردند که در سیســـتم ســـلامت ایالات متحده برای تشـــخیص نیاز بیماران به مراقبت طراحی شـــده بود. این الگوریتم به‌طور ناعادلانه، بیماران سیاه‌پوست را در مقایسه با سفیدپوستان با نیاز کمتری به درمان شناســـایی می‌کرد. دلیل اصلی، تکیه بر داده‌های هزینه‌های درمانی گذشـــته بود؛ داده‌هایی که خود بازتابی از موانع ســـاختاری در دسترسی به خدمات سلامت برای جوامع محروم هستند. در سال ۲۰۱۵، شرکت آمازون از سامانه‌ای خودکار برای غربالگری رزومه‌ها استفاده کرد. این سامانه که از داده‌های استخدامی پیشین یاد گرفته بود، به‌طور غیرمستقیم به نفع مردان و علیه زنان سوگیری داشت. علت آن، سهم تاریخی بیشتر مردان در استخدام و الگوبرداری سامانه از آن الگوها بود. در حوزه تشخیص چهره نیز، پژوهش‌ها نشان داده‌اند سامانه‌هایی که توسط شرکت‌هایی مانند IBM و Microsoft توسعه یافته‌اند، در شناسایی چهره افراد با پوست تیره، به‌ویژه زنان، عملکرد ضعیف‌تری دارند. تحقیقی از MIT Media Lab در سال ۲۰۱۸ نشان داد که نرخ خطای شناسایی برای زنان با پوست تیره بیش از ۳۵ درصد بوده است، در حالی که این نرخ برای مردان سفیدپوست کمتر از یک درصد بود. چنین خطاهایی، به‌ویژه در حوزه امنیت، تبعاتی جدی و ناعادلانه به همراه دارند.

**راهکارهایی برای کاهش تعصب**

مقابله با تعصب الگوریتمی نیازمند تلاش هماهنگ در سطوح گوناگون است:

۱- اصلاح داده‌ها: پاک‌ســـازی و بازنگری داده‌های تاریخی به‌منظور حذف سوگیری‌های موجود.

۲- تنوع در تیم‌ها: بهره‌گیری از افراد با پیشـــینه‌ها و دیدگاه‌های متنوع در فرآیند طراحی و ارزیابی سیستم‌ها.

۳- شفاف‌سازی الگوریتم‌ها: ساده‌سازی ســـامانه‌ها و ارائه اطلاعات روشن درباره نحوه تصمیم‌گیری.

۴- قوانین و نظـــارت عمومی: تدوین چارچوب‌هـــای حقوقی برای ارزیابی عدالت و الزام نهادها به پاسخگویی.

**اهمیت عدالت در فناوری**

فناوری ابزاری برای برابری و پیشرفت است، نه تکرارکننده تبعیض‌های گذشته. اگرچه هوش مصنوعی سرعت و کارایی تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، اما بدون نظارت و ملاحظات اخلاقی، ممکن اســـت به ابزاری برای تقویت نابرابری بدل شود. تحقق عدالت الگوریتمی نیازمند مشارکت متخصصان، فعالان اجتماعی، قانون‌گذاران و خود مردم اســـت. در جهانی کـــه الگوریتم‌ها نقش پررنگی در مسیر زندگی انسان‌ها ایفا می‌کنند، مسئولیت ماست که از شفافیت، انصاف و پاسخگویی در طراحی و استفاده از این سامانه‌ها اطمینان حاصل کنیم.

تحلیل بازار

### قیمت طلا و سکه به دلایل داخلی و خارجی کاهش یافت

## سرگشتگی در بازار طلا

بازار طلا و ســـکه در ایران طی هفته‌های اخیر شـــاهد تغییرات چشـــمگیری بوده است. قیمت طلا و سکه با کاهش روبه‌رو شـــده که این روند موجب ایجاد سرگشتگی در بین فعالان بازار و ســـرمایه‌گذاران شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این نوسانات، ترکیب عوامل داخلی و جهانی است که به‌طور همزمان بر بازار تأثیر گذاشته‌اند. در سطح جهانی، قیمت هر اونس طلا با کاهش ۰.۳۹ درصدی مواجه شد و به ۳ هزار و ۲۶ دلار و ۴۲ سنت رسید. این افت قیمت جهانی تأثیر مستقیم بر بازار داخلی ایران داشته است، جایی که هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۷ میلیون و ۳۸۰ هزار تومان کاهش یافت. همچنین، قیمت هر گرم طلای ۲۴ عیار نیز با کاهش مشابهی به ۹ میلیون و ۸۳۹ هزار تومان رسید. این تغییرات در بازار جهانی و داخلی نشان‌دهنده وابستگی شدید قیمت‌های طلا به تحولات جهانی است. اما این تنها عامل کاهش قیمت‌ها نبوده است. یکی دیگر از عواملی که در این زمینه نقش بسزایی ایفا کرده، آغاز مذاکرات مستقیم میان ایران و آمریکا است. این مذاکرات که پس از اعلام دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آغاز شد، موجب امیدواری در بازارها نسبت به کاهش تنش‌های سیاسی و اقتصادی شد. این تحولات منجر به کاهش شدید قیمت دلار و طلا در بازار ایران گردید. با کاهش قیمت دلار، تقاضا برای خرید طلا و سکه در داخل کشور کاهش یافته و این امر به‌طور طبیعی به افت قیمت‌ها منجر شد. سرمایه‌گذاران ایرانی که پیش‌تر با هدف حفظ ارزش دارایی‌های خود به طلا روی آورده بودند، اکنون در موقعیت پیچیده‌ای قرار دارند. از یک سو، نوســـانات شدید قیمت جهانی طلا و تحولات سیاسی می‌تواند بازار را دچار بی‌ثباتی کند و از سوی دیگر، کاهش قیمت‌ها در بازار داخلی موجب سرگشتگی در میان خریداران و فروشندگان شده است. در این شرایط، تصمیم‌گیری برای خرید یا فروش طلا به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران خرد دشوار شده است. در مجموع، به نظر می‌رسد که روند کاهشی قیمت طلا و سکه در ایران در کوتاه‌مدت ادامه یابد، اما این روند همچنان وابسته به تحولات جهانی و سیاسی است. سرمایه‌گذاران باید با دقت وضعیت جهانی را دنبال کرده و بر اساس اطلاعات به‌روز تصمیم‌گیری کنند تا از تحولات آینده بهره‌برداری کنند.

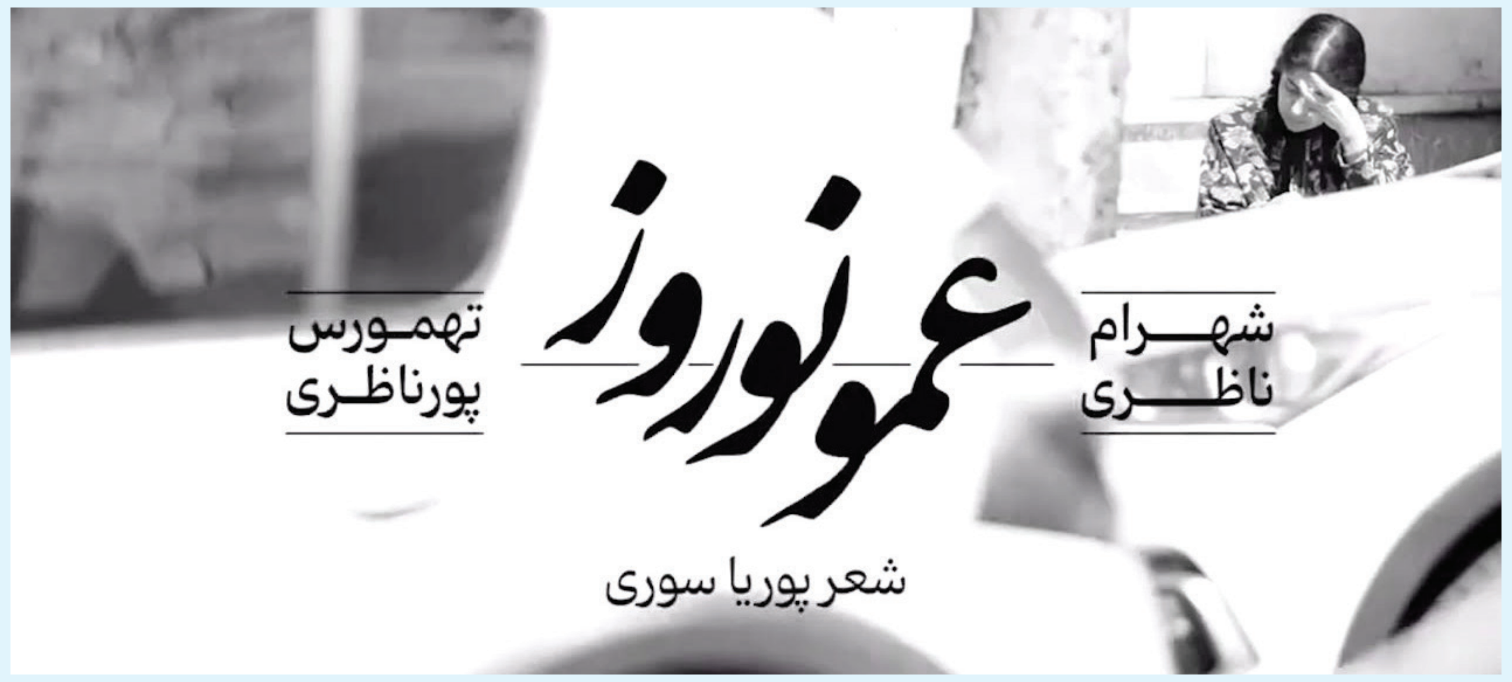


## تضاد شادی و اندوه در قطعه تازه عمو نوروز شهرام ناظری

# سوگ در جشن

● انتشار قطعه همکاری تازه شهرام ناظری و تهمورس پورناظری واکنش‌های مختلفی به پا کرد

● آهنگ جدید عمو نوروز، به مخاطب یادآوری می‌کند که جشن‌ها همیشه نمی‌توانند از درد و رنج‌های اجتماعی غافل شوند

سما بابایی
هفت صبح

**هم‌زمان با نوروزی که گذشت، شهرام ناظری (استادِ بزرگِ آوازخوان) پس از سال‌ها بارِ دیگر با گروه شمس همراه شد و قطعه «عمو نوروز» را با آهنگ‌سازی «تهمورس پورناظری» و هم‌خوانی سحر محمدی و دنیا کمالی بر اساس شعری از «پوریا سوری» منتشر کرد.**

عکس: عطا نویدی

### ترانه اندوه

**این قطعه یک «بهاریه» نیست، حتی یک ترانه بهاری هم، بلکه روایتی تلخ و شاعرانه از اندوه مردمانی است که نوروزشان نیز رنگی از غم گرفته است. این قطعه به زیبایی تضاد میان جشن و اندوه، سنت و سوگ را بازتاب می‌دهد. ترانه‌ای که با ضرب آهنگی کردی، در جان می‌نشیند و بی‌جهت نیست که اقبال عمومی گسترده‌ای را نیز به همراه داشته است.**

### آینه اشک پنهان

در ابتدای نماهنگ شهرام ناظری، خواننده پرآوازه، در حال گذر از خیابان دیده می‌شود: «آی عمو نوروز...حال خوشت کو؟... داریه‌دمبکِ عاشق کشت کو؟... آی عمو نوروز ... دردا رو ببین ... دست خالی مردا رو ببین... » بدین ترتیب، قطعه «عمو نوروز» نه نمادی برای شادمانی، بلکه بدل به آینه‌ای برای اشک‌های پنهانِ مردمانی شد که چند سالِ گذشته را بیش از هر زمانِ دیگری زیرِ فشارِ زندگی، زیسته‌اند.

### مرثیه‌سرایی مأیوس‌کننده، آب به آسیاب آنان است

پس از این انتشار این قطعه، ترانه آن بحث‌های بسیاری را برانگیخت؛ پوریا سوری شاعر است و در عینِ حال ترانه‌سُرا. تعدادی از ترانه‌های او در سال‌های اخیر، بخشی از تاریخِ این سرزمین را روایت کرده‌اند؛ از جمله «ایران من» با صدای «همایون شجریان» و آهنگ‌سازی سهراب پورناظری و «سووشون» با صدای همایون و آهنگ‌سازی «تهمورس پورناظری» در پی غمِ کشته‌شدگانِ دانشجویانِ افغان و بسیار کارهای دیگر.

حالا اما برخی صاحب‌نظران، شعری که او سروده است را سیاه‌نمایی می‌دانند و پراکندن ناامیدی، برای مثال کامبیز نوروزی (حقوقدان) درباره این قطعه نوشت: «ترانه عمو نوروز، فارغ از ارزش موسیقایی آن که دیدنی است، یک مرثیه‌سرایی مأیوس و غیرمسئولانه است. اگرچه مایل نیستم در مورد آقای ناظری چنین تعبیری به کار برم اما این ترانه نه تنها از واقعیت‌های پنهان و آشکار جامعه ایران دور است، بلکه زهرناامیدی در رگ جامعه می‌ریزد. این ترانه ادامه همان ادبیات و اصول منطبق قدیمی است که آدم اهل هنر و قلم باید به فاقه بنشیند و اشک بگیرد و مستند بسازد، کنش نکند تا آوانس بماند.»

این حقوق‌دان در ادامه نوشته خود آورده است: «مثل روز روشن است که این ایام اوضاع و احوال مملکت هیچ خوب نیست. تورم افسارگسیخته، کمبودهای مهلک آب و برق، فساد، احساس خطر حمله نظامی، قتل و غارت، خودکشی، دولتِ مفقود و بیکار و بی‌اثر، ناکارآمدی بی‌سابقه و گسترده و خیلی چیزهای دیگر که به شکل جانکاهی با زندگی روزمره ایرانی آمیخته‌اند. اما روی دیگر سکه این است که انسان ایرانی در میان آتش این هم سختی طاقت‌فرسا می‌خواند. به هر طریقی که هست برای خود سرود می‌سازد و زندگی می‌آفریند.»

او در پایان به این نکته صحه گذاشته است که: «این شیوه مرثیه‌سرایی‌ها، که مدتی است به شکل‌های مختلف رواج یافته‌اند، آب ریختن به آسیاب همان کسانی است که این اوضاع پر بحران را آفریده‌اند. یأس و نومیدی آدم‌ها را زمین‌گیر و علیل می‌کند. همین تاجران بحران خیلی دوست دارند جامعه زمین‌گیر و علیل و منزوی و مفلوج باشد تا بهتر به اهداف قدرت‌طلبانه نامشروع خود برسند.»

> «ترانه عمو نوروز، فارغ از ارزش موسیقایی آن که دیدنی است، یک مرثیه‌سرایی مأیوس و غیرمسئولانه است. این ترانه نه تنها از واقعیت‌های پنهان و آشکار جامعه ایران دور است، بلکه زهرناامیدی در رگ جامعه می‌ریزد. این ترانه ادامه همان ادبیات و اصول منطبق قدیمی است که آدم اهل هنر و قلم باید به فاقه بنشیند و اشک بگیرد و مستند بسازد، کنش نکند تا آوانس بماند.»

### سال‌های تلخ، ترانه از ۵ سال پیش هنوز زنده است

اما شاعرِ «دیکته اقلیت» خود در این‌باره می‌گوید: «روزها نه، سال‌های سختی بر ایران و ایرانیان می‌گذرد، تلخی‌ها آن‌قدر پرشمارند که فرصت لذت بردن از اندک شیرینی‌های زندگی را از ما گرفته‌اند. عمو نوروز حاصل همین سال‌هاست، این شعر را در سال ۱۳۹۸ و بعد از ماجرای هواپیمای اوکراین همراه با چند اثر دیگر نوشتم و مثل سایر اشعاری که هر از گاه در اختیار دوست هنرمندم تهمورس پورناظری قرار می‌دهم، قرار گرفت و سال ۱۴۰۱ و بعد از تلخی‌های خون‌بار آن سال، تهمورس برایش آهنگی ساخت اما انتخاب خواننده و انتشار آن به تشخیص ایشان تا امسال به تأخیر افتاد که بخت‌یاری من، استاد شهرام ناظری با صدایشان آن را مانایی بخشیدند و خوشبختانه مورد استقبال گسترده‌ای قرار گرفت.»

### سوگواری در پازل اجتماعی دیده نشده

یادداشت آقای نوروزی البته با واکنش دکتر مرتضی کریمی (انسان‌شناس و جامعه‌شناس) نیز روبه‌رو شد و به آن چنین پاسخ داد: «سوگواری مساوی یأس و خندیدن و رقصیدن به معنای سوگوار نبودن نیست.

این دو کلیشه آفت سوگواری است و محققان حوزه سوگ سال‌هاست که در اندیشه تغییر این دیدگاه مدرن و پزشکی‌زده هستند.

این دیدگاه باعث می‌شود جایی برای سوگواری در پازل اجتماعی دیده نشود.

سوگواری و مواجهه با فقدان از کودکی آموزش داده نمی‌شود و فرد سوگوار جرأت نمی‌کند بعد از فوت عزیز بخندد، چون هم خودش و هم دیگران قضاوتش می‌کنند.

در بسیاری از بوم‌های ایرانی عمیق‌ترین سوگواری‌ها ریتمیک و مناسکی بوده است.

در برخی از بوم‌ها رقصیدن جزو جداشدنی از سوگواری است. همچنین امیدواری به معنای نادیده گرفتن سوگ و فقدان نیست. این هم یک کلیشه غلط و مدیکالایزد شده دیگر است که باعث می‌شود افراد بخواهند زود سوگشان را درمان (انگار که سوگ بیماری است!) کنند یا از آن رد شوند.»

### ملتی که غم‌اش را ابراز نکند از آن نمی‌گذرد

او ادامه می‌دهد: «به نظر من کسانی که هنر و ادبیات را به صورت دستوری تشویق به سفیدنمایی و امیدپردازی دور از واقع می‌کنند و در کل نقشه راه می‌دهند که چه بگوید و چه نگوید، اساسا درک دقیقی از مقوله خلق اثر هنری ندارند. چه آنکه اگر بر مسیر پیشنهادی ایشان گام بگذاریم دیگر اثری از خلق تراژدی و درام در عرصه هنر باقی نخواهد ماند و همه به فرموده خوش‌رقصی می‌کنند برای ارباب هنر، از آن گذشته مگر می‌شود سیاهی و ناامیدی، فساد و نابرابری و فقر را به وسیله اثر هنری جارو کرد و زیر فرش داد که خدای نکرده این‌همه به چشم نیاید. این کار سیاست‌بازان و عادی‌سازان وضع موجود است، چه آنکه اثر هنری همین که تألمات و احساسات جمعی را در خود می‌بیند و تجسد می‌بخشد و مجموع می‌کند، قدمی در راه امیدآفرینی برداشته، چرا که معتقدم ملتی که غم و اندوهش را ابراز نکند و با آن روبه‌رو نشود توان گذر از آن و چیرگی بر مصیبت‌هایش را هم نخواهد داشت. برای برداشتن پرچم مبارزه و تغییر، مهم است زخم‌هایمان را توی مشت‌مان داشته باشیم که یادمان نرود چرا ایستاده‌ایم.»

### همکاری شهرام ناظری و گروه شمس؛ تأثیری شگرف بر نسل جدید

همکاری شهرام ناظری با گروه موسیقی شمس و آهنگساز برجسته‌اش، کیخسرو پورناظری، یکی از نقاط عطف موسیقی معاصر ایران محسوب می‌شود و می‌توان آن را به‌عنوان یک مسیر تحول‌زا در پیوند شعر عرفانی، آواز ایرانی و نوگرایی در موسیقی دستگاهی بررسی کرد. گروه موسیقی شمس به رهبری کیخسرو پورناظری از دهه ۱۳۶۰ فعالیت خود را آغاز کرد و یکی از نخستین گروه‌هایی بود که به صورت جدی به بازآفرینی موسیقی تنبور بر بستر اشعار عرفانی پرداخت. شهرام ناظری در این گروه با کیخسرو پورناظری همکاری خود را آغاز کرد؛ همکاری‌ای که نقطه عطف آن، در آثاری چون حیرانی، مطربِ مهتاب‌رو و صدای سخن عشق شنیده شد.

این آثار نه تنها از نظر موسیقی، بلکه از نظر مفهومی و تأثیرگذاری بر نسل جدید شنوندگان، اهمیت بسیار داشت و با آوردن سازهایی مانند تنبور به صحنه رسمی موسیقی کلاسیک ایرانی، تجربه‌ای متفاوت برای مخاطبان شکل گرفت. البته که آهنگساز و خواننده از آن‌جا که هر دو از خطه کردستان بودند، تعدادی از قطعاتِ آلبومِ مشترکشان را به اشعار کردی اختصاص دادند. بازگشت به ریشه‌های موسیقی مقامی و کردی و تمرکز بر اشعار عرفانی (به‌خصوص) دیوان شمس، نوعی موسیقی با پیام درونی، معنوی و عمیق خلق کردند که در آن دوران کمیاب بود.

البته در سال‌های اخیر، مسیر هنری شهرام ناظری با گروه شمس به تدریج از هم جدا شد. کیخسرو پورناظری بیشتر با فرزندانش (تهمورس و سهراب پورناظری) فعالیت را ادامه داد و گروه شمس وارد مرحله جدیدی از تجربه‌گرایی شد. شهرام ناظری نیز مسیر مستقل خود را در پروژه‌هایی دیگر ادامه داد.

> «سوگواری فقط به معنای گریه کردن با گوشه‌ای در عزلت نشستن نیست. اگر چه تا هر وقت که بخواهیم می‌توانیم برای دردها و فقدان‌هایمان اشک بریزیم، اما سوگواری یا آنچه آن را سوگ‌کاری می‌نامیم، به معنای انجام کاری برای سوگ خود است. سوگ‌کاری یعنی دیدن و به رسمیت شناختن سوگ و انجام کاری برای آن. همین کاری که در این کلیپ شهرام ناظری و تهمورس پورناظری و پوریا سوری (شاعر) انجام داده‌اند.

### امید انتزاعی که پشیزی ارزش ندارد

**آقای کریمی که خود تحلیل‌گر مهارت‌های سوگ و سوگواری است، ادامه داده است: «امید جایی است که افراد فقدان‌شان را ببینند، به رسمیت بشناسند، به شکل جمعی برای آن سوگواری کنند و آن را به عنوان بخشی از زندگی به رسمیت بشناسند تا بتوانند برای آن چاره‌اندیشی کنند. در غیر این صورت امید می‌شود همان چیزی که از رسانه‌های دولتی می‌بارد و پشیزی ارزش ندارد. با این کار آقای ناظری بسیاری از روایت‌هایی که در حال خرد شدن و نادیده گرفته شدن بودند دیده شدند. این دقیقا روایتی در مقابل روایت دولتی بود که هر روز از رسیدن به قله دم می‌زند.»**

### عمو نوروز سوگ‌کار است نه سوگوار

**او در پستی جداگانه نیز درباره قطعه «عمو نوروز» نوشته است: «حتما! متن کامل این تصویر به شرح زیر است: «سوگواری فقط به معنای گریه کردن با گوشه‌ای در عزلت نشستن نیست. اگر چه تا هر وقت که بخواهیم می‌توانیم برای دردها و فقدان‌هایمان اشک بریزیم، اما سوگواری یا آنچه آن را سوگ‌کاری می‌نامیم، به معنای انجام کاری برای سوگ خود است. سوگ‌کاری یعنی دیدن و به رسمیت شناختن سوگ و انجام کاری برای آن. همین کاری که در این کلیپ شهرام ناظری و تهمورس پورناظری و پوریا سوری (شاعر) انجام داده‌اند.» این جامعه‌شناس توضیح می‌دهد به زبان آوردن و بیان سوگ قسمت مهمی از سوگواری و یافتن معنای جدید برای سوگ است.**

## داستان سارا بوردمن و پرتره‌هایش

# تقابل قدرت و قلم‌مو

نوشین آذرنگ
روزنامه‌نگار

**تصور کنید روزتان را صرف کشیدن چهره‌های قدرتمندترین افراد جهان می‌کنید؛ روسای‌جمهوری که تاریخ را شکل می‌دهند و هر کلمه‌شان در جهان طنین‌انداز می‌شود. حالا فکر کنید یکی از همین روسای‌جمهوری در اظهارنظری بگوید: «این بدترین تصویری است که از من کشیده شده است!» آن روز چه حالی به شما دست می‌دهد؟ این زندگی واقعی و البته پر فراز و نشیب سارا بوردمن است. هنرمندی بریتانیایی‌الاصل که در کلرادو اسپرینگز زندگی می‌کند و آثار نقاشی‌های وی بر دیوارهای ساختمان دولت ایالتی کلرادو در شهر دنور آویخته است. اما آخرین فصل زندگی حرفه‌ای او با دونالد ترامپ رقم خورد که جنجالی شد. داستان سارا بوردمن که از بوم‌های رنگارنگ آغاز شده بود در چهل‌ویکمین سال از زندگی حرفه‌ای‌اش به جدالی علنی با رئیس‌جمهوری آمریکا کشیده شد.**

### رئالیسم کلاسیک راه رسیدن به ساختمان ایالتی

سارا بوردمن با قلم‌موی نقره‌ای به دنیا نیامد و در پر قو بزرگ نشد. او در بریتانیا به دنیا آمد و از همان کودکی عاشق هنر بود و نقاشی را با خط خطی کردن رویاهایش آغاز کرد. شاید بتوان تصور کرد که او در کودکی مدام بر حاشیه کتاب‌های درسی‌اش نقاشی می‌کشید و ذهنش پر از رنگ بود، هرچند سندی از مصاحبه‌ای درباره این موضوع در دست نیست. خانواده او هنرمند نبودند و محیط اطرافش رنگ و لعاب زیادی نداشت اما او احساس می‌کرد خلاق است و می‌تواند خلق کند.

دهه ۱۹۸۰ برای سارا دهه مهمی بود. او تصمیم گرفت برای تحصیل در رشته رئالیسم کلاسیک به آلمان برود. رئالیسم کلاسیک خیلی باکلاس به نظر می‌رسید و او می‌توانست چیزهای اطراف را همان‌طور که هستند، با تمام سایه‌روشن‌ها، زوایا، روی بوم نقاشی خلق کند و به آن روح بدهد. پس در آلمان کوشید زیر نظر اساتید صاحب‌نام فنون این هنر را بیاموزد. تکنیک‌های قدیمی و سنتی را آموخت و حالا می‌توانست رنگ‌های روغنی را مثل حرفه‌ای‌ها روی پالت رنگ لایه‌لایه با هم ترکیب کند و بی‌محابا بر بوم نقاشی بمالد. کار آسانی نبود؛ ساعت‌ها صرف کرد تا ضربه‌زدن با انواع قلم‌موها را یاد بگیرد. علاقه و پشتکار از سارا یک حرفه‌ای ساخت. چند سال بعد در فراخوان سراسری هنرمندان ساختمان دولت ایالتی کلرادو برنده شد و نقش زندگی‌اش رنگ تازه‌ای گرفت.

### از بوم نقاشی به بام سیاست

چگونه زنی که زمانی ساعت‌ها در گوشه‌ای آرام می‌نشست و نقاشی می‌کشید، کارش به جایی رسید که قرار شد چهره روسای‌جمهوری آمریکا را بکشد؟ این‌طور نبود که یک‌روز صبح از خواب بلند شود، اسباب و وسایل نقاشی را زیر بغل بزند و به کاخ سفید برود. سارا پس از چندی اقامت در کلرادو اسپرینگز، شهری که به چشم‌انداز کوه‌های خیره‌کننده و آرامش مشهور است، در قامت نقاش زبردست پرتره‌ها نام‌وآوازه‌ای به هم زد. کار او این بود چهره قضات عالیرتبه، قهرمانان نظامی، حتی چهره آدم‌های معمولی را نقاشی کند. صداقت چنان در آثارش موج می‌زد که توجه بسیاری را به خود جلب کرد. اما اوایل سال ۲۰۰۰ تغییر چشمگیر دیگری زندگی او را زیرورو کرد. کمیته مشورتی ساختمان دولت ایالتی کلرادو او را برگزید تا چهره روسای‌جمهوری آمریکا را برای همیشه روی بوم نقاشی جاودانه کند.

اولین نفر جورج دبلیو بوش بود. بعد باراک اوباما. او هر پرتره را با عشق و علاقه فراوان می‌کشد و کمیته مشورتی قدم‌به‌قدم آثار وی را تأیید می‌کردند. طبیعی است آثار هنری در آرامش و وقار خلق می‌شوند و با جنجال‌آفرینی میانه‌ای ندارند. سارا برای کشیدن این آثار فقط رنگ روی بوم نمی‌زد؛ بلکه عکس‌ها را مطالعه می‌کرد، حالات چهره را ثبت می‌کرد و سعی داشت هر رهبر را به‌گونه‌ای منحصر به‌فرد جاودانه نشان دهد؛ و از سبکی استفاده کرد که متفکرانه، بی‌طرف، کمی جدی و مناسب برای سالن پارلمانی باشد که تاریخ در آن سنگینی می‌کند.

### روسای جمهوری چه فکری کردند؟

داستان این‌جا جذاب می‌شود. بوش و اوباما درباره پرتره‌هایشان چه گفتند؟ برخلاف برخی هنرمندان که هرگز سوژه‌هایشان را نمی‌بینند، آثار سارا، وی را در کانون توجهات قرار داد. سندی از دیدار او با این دو رئیس‌جمهوری وجود ندارد، اما نقاشی‌هایش تأیید مردم، متخصصان و مقامات رسمی را با خود همراه داشت. پرتره بوش، در زمان ریاست‌جمهوری خود وی رونمایی شد و هنرمندان و مردم جامعه آن را به خاطر گرمایی که در این اثر خلق کرده بود ستودند. چهره اوباما را به گونه‌ای کشید که قدرتی آرامش‌بخش را القا کند. پرتره‌های نقاشی‌شده سارا بوردمن برای مدت طولانی در ساختمان دولت ایالتی کلرادو در شهر دنور به نمایش گذاشته شد. آیا سارا روسای‌جمهوری را ملاقات کرد؟ تا جایی که می‌دانیم نه! سارا آدم پشت بوم است نه روی صحنه. برادرزاده‌اش به ان‌بی‌سی نیوز گفت که خانواده پس از جنجال ترامپ در فضای آنلاین از او حمایت کردند، که نشان می‌دهد او در جامعه و میان خانواده هواداران صمیمی دارد که طی این سال‌ها شاهد موفقیتش بوده‌اند. شاید بوش یا اوباما یادداشت تشکری هم فرستاده باشند.

**نقل‌قول دونالد ترامپ در تروث سوشال (مارس ۲۰۲۵)**

> «هیچ‌کس یک تصویر یا نقاشی بد از خودش را دوست ندارد، اما آن‌که در کلرادو، در کنگره ایالتی، توسط فرماندار نصب شده، همراه با تمام رؤسای‌جمهور دیگر، به‌طور عمدی به شکلی تحریف شده که حتی من، شاید، هرگز قبلا ندیده‌ام»

### فصل ترامپ: پرتره‌ای که سر زبان‌ها افتاد

به سال ۲۰۱۹ برویم. سارا مأمور می‌شود چهره دونالد ترامپ را طبق روال گذشته برای همان گالری نقاشی کند. او عکسی انتخاب می‌کند، تأیید کمیته را می‌گیرد و ماه‌ها روی ترامپ با کت‌وشلوار تیره و کراوات قرمز با نگاهی متفکرانه کار می‌کند. نقاشی رونمایی می‌شود، آویزان می‌شود و شش سال است که مردم آن را دوست دارند، یا حداقل شکایتی نمی‌کنند. به گفته خودش «نظرات مردم مثبت بود». بازدیدکنندگان سلفی می‌گرفتند، قانون‌گذاران و مقامات ایالتی هرروز از آنجا رد می‌شدند و زندگی ادامه داشت.

بعد، ماه مارس ۲۰۲۵، خود ترامپ آن را دید؛ یا کسی عکسی از آن پرتره را به او نشان داد. اینجا بود که ترامپ در شبکه‌اجتماعی مورد علاقه‌اش، «تروث‌سوشال» غوغا به پا کرد و آن نقاشی را «واقعا بدترین» خواند و گفت چهره او را به‌عمد دستکاری کرده‌اند. چند روز بعد، رهبران جمهوری‌خواه آن نقاشی را از دیوار کندند و در انبار گذاشتند. ناگهان، زندگیِ سرشار از آرامش سارا توفانی شد.

**بخشی از گزارش ان‌بی‌سی نیوز**

> خانواده سارا بوردمن گفتند که جورج بوش نامه‌ای برای او نوشته و از پرتره خود تشکر کرده است. خانواده و دوستان سارا او را فردی توصیف کردند که به‌رغم جنجال‌های اخیر همچنان «باهوش و باوقار» است. ساندی بارتلز از بستگان سارا به ان‌بی‌سی نیوز گفت: «ما همه ترامپ را می‌شناسیم. همه می‌دانیم که چطور حرف می‌زند. شاید او روزی از گفتن این حرف‌ها پشیمان شود.» برادرزاده سارا بوردمن، الیزابت پارس، گفت که نزدیکان او در شبکه‌های اجتماعی از سارا حمایت می‌کنند و برخی از آنها عکس پروفایل خود را به پرتره ترامپ تغییر دادند.

### سارا، دوراهی سرنوشت و ویرانی

برای سارا، این فقط یک نقد بد نبود، گویی با پتک به سرش کوبیده‌اند. اوایل آوریل ۲۰۲۵، او در بیانیه‌ای پاسخ داد: «من آن را دقیق و بدون تعصب یا تحریف کشیدم.» او به شش سال ستایش و تأیید و بازخورد مثبت جامعه به آن پرتره اشاره کرد و چیزهایی گفت که مثل بمب ترکید. او گفت که حرف‌های ترامپ به‌طور مستقیم زندگی حرفه‌ای او را تحت‌تأثیر منفی قرار داده و کسب‌وکارش در حال نابودی است. فکرش را بکنید، یک روز با عشق نقاشی می‌کنید و یک روز دیگر همه پشت سر شما حرف می‌زنند. تصور کنید تمام زندگی‌تان را برای کسب حرفه‌ای بکوشید بعد کسی از بالا آن را خراب کند.

البته سارا به جزئیات اشاره‌ای نکرد اما می‌توان حدس زد احتمالا خیلی‌ها سفارش‌های خود را پس گرفته‌اند، خیلی از مشتری‌ها مردد شده‌اند، حتی ممکن است نقاشی‌های او در فضای مجازی به سوژه خنده و طنز تبدیل شود. سارا اهل فرش قرمز نیست. او حالا در کلرادو اسپرینگز زندگی می‌کند، احتمالا هرروز مثل روزهای قبل قهوه می‌نوشد و به قله پایکس نگاه می‌کند، روزش را بین نقاشی و مطالعه تقسیم می‌کند. بعضی‌ها فکر می‌کنند او پاسخ محکم‌تری به ترامپ بدهد.

شاید مصاحبه افشاگرانه‌ای ترتیب دهد، حتی پرتره دیگری از ترامپ بکشد. اما همه امیدوارند او نقاشی را ادامه دهد.

### تصویر بزرگ‌تر

داستان سارا بوردمن فقط درباره هنر نیست، درباره استقامت است. از دختری با دفترچه نقاشی تا هنرمندی که کارش کنار تاریخ آویزان است و حالا با بزرگ‌ترین بحران زندگی حرفه‌ای خود روبه‌روست.

**بخشی از گفت‌وگوی سارا بوردمن (۲۰۱۹)**

> «هدفم این بود که پرتره ترامپ رو طوری بکشم که فقط یه رئیس‌جمهور دیگه روی دیوار باشه – بی‌طرف و متفکر. نمی‌خواستم چیزی بیشتر از یه تصویر ساده و رسمی باشه.»

**بیانیه سارا بوردمن (آوریل ۲۰۲۵)**

> در طول شش سالی که این پرتره در تالار روتوندای ساختمان دولت ایالتی کلرادو آویزان بود، بازخوردها و نقدهای بسیار مثبتی از سوی مردم دریافت کردم. اما از زمان انتشار اظهارنظرهای پرزیدنت ترامپ، اوضاع به‌شدت تغییر کرده و مسیر نزولی پیدا کرده است. پرزیدنت ترامپ (مثل همه ما) حق دارد آزادانه نظرش را بیان کند. اما ادعاهای اضافی مبنی بر اینکه من «عمدا پرتره را تحریف کرده‌ام» و اینکه «احتمالا با بالا رفتن سنم استعدادم را از دست داده‌ام» حالا به‌طور مستقیم و منفی بر کسب‌وکار حرفه‌ای من که بیش از ۴۱ سال سابقه دارد تأثیر گذاشته و آن را با خطر نابودی روبه‌رو کرده است. فعلا قصد ندارم در این‌باره اظهارنظر بیشتری داشته باشم.

منابع:
مصاحبه‌های سارا بوردمن– سال ۲۰۱۹ درباره پرتره دونالد ترامپ
پست دونالد ترامپ در تروث سوشال در مارس ۲۰۲۵
بیانیه عمومی سارا بوردمن در آوریل ۲۰۲۵
گزارش ان‌بی‌سی نیوز

## سکو

یک روایت تکراری اما تازه

# یک برش کیک، دو سال حبس

## احکام تولیدکنندگان «کیک محبوب من» ابلاغ شد

**با پایان تعطیلات نوروز، سازندگان فیلم «کیک محبوب من» برای اجرای احکام‌شان به دادگاه انقلاب فراخوانده شدند. احکام بابت فعالیت تبلیغی علیه نظام، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، تهیه محتوای مبتذل و نداشتن مجوز ساخت و نمایش بود. تولیدکنندگان هر کدام به حبس تعزیری، با شرط تعلیق به مدت پنج سال، پرداخت جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوطه محکوم شدند.**

### برش اول کیک در آلمان خورده شد

داستان «کیک محبوب من» از یک سال پیش آغاز شد. همان زمان که فیلم برای شرکت در هفتاد و چهارمین جشنواره برلین رفت و برای نخستین‌بار نمایش داده شد. جایزه فیپرشی را دریافت کرد و به خانه آمد. جنجال حل نشدنی مسئله فیلم بابت تصمیمی که سازندگان برای نوع متفاوتی از نمایش حضور زن در سینما گرفته بودند، با گرفتن جایزه در جشنواره معتبر برلین بیشتر از قبل شد.

### موازین شرعی را کمک گرفتیم

این فیلم که بدون مجوز ساخت و نمایش، ساخته و به جشنواره رفته بود، امید داشت بتواند در ایران دیده شود، اما واکنش منفی و اظهارنظرات مسئولان به زور امید را ناامید کرد. غلامرضا موسوی سال گذشته پیش از آنکه نسخه ابتدایی فیلم در ایران منتشر شود با انتشار متنی تلاش کرد توضیحاتی برای حواشی ایجاد شده ارائه دهد. او در متن خود رعایت همه موازین شرعی و عرفی جمهوری اسلامی را اصل ابتدایی دانست. موسوی نوشته بود: داستان فیلم، روایت زندگی زن ۷۰ ساله تنها و مسنی است که تصمیم می‌گیرد زندگی جدیدی را تجربه کند. بخش‌هایی از فیلم به زندگی طبیعی این زن در خانه‌اش می‌پردازد. در صحنه‌های داخلی با توجه به حضور کاراکتر در داخل خانه، از ظرفیت‌هایی که برای خانم‌های مسن در احکام وجود دارد استفاده کردیم. با این‌وجود برای احتیاط بیشتر برای خانم بازیگر کلاه‌گیس استفاده شده است. تمام صحنه‌های خارج از منزل شخصیت زن داستان با حجاب حضور دارد؛ قانون حجاب کاملا رعایت شده است. موضوع حجاب در فیلم بسیار جدی تلقی شده و با در نظر گرفتن تمام قوانین و ظرفیت‌های فقهی تولید شده است.

### کلاه‌گیس‌های بر باد رفته

استفاده از کلاه‌گیس را کیانوش عیاری کشف کرد. قصدش عبور از محدودیت‌های نمایش و ارائه تصویری واقعی از زنان در محیط خانه بود. اما کلاه‌گیس راه‌گشا نبود. «کاناپه» عیاری ۸ سال است که توقیف مانده و راهی برای موافقت هم پیدا نکرده است. یک گام پیش‌تر را همه پذیرفته بودند، برای زنان به جای حجاب عرفی از کلاه می‌شود استفاده کرد اما نمایش موی زنان با کلاه‌گیس نزدیک یک دهه داستان حل نشدنی باقی مانده است. به همین خاطر است که توضیحات غلامرضا موسوی برای فیلم توقیف شده و حکم‌آورش هم اثر نکرده است. پیش‌تر امتحان کلاه‌گیس پس گرفته شده و در این سال‌ها هم کسی از مسئولان از مواضعش عقب‌نشینی نکرده؛ فرقی هم ندارد اولین نمایش فیلم در ایران باشد یا خارج از مرزها، حتی فرقی ندارد این فیلم اساسا برای نمایش در چه جغرافیایی تولید شده باشد. الزام به قوانین شرعی و عرفی اصل است و هیچ راهکاری برای ایجاد انعطاف در آن به تناسب جامعه امروز یافت نمی‌شود.

### رسانه‌ها جلوتر از صحنه‌ها دیده شدند

«کیک محبوب من» اولین‌بار در هفتاد و چهارمین جشنواره برلین به نمایش درآمد. همین اولین گام کافی بود که همه‌چیز بیشتر از تصور به ضرر فیلم اتفاق بیفتد. این جمله شاید روزگاری دور به نظر می‌رسید اما امروز نیاز به توضیح یا بسط ندارد، همه ما می‌دانیم چطور می‌شود یک فیلم با موفقیتش برای خودش دردسر بسازد. همین نخستین گام بود که کیک را بیشتر زیر ذره‌بین قرار داد. از همان‌جا بود که کیک برای همه محبوب و برای مسئولان نامحبوب شد. البته تأثیر توجه رسانه‌ها به یک فیلم و تغییر سرنوشت آن نیز پیشینه تاریخی دارد، نه تنها موضوع حجاب و کلاه‌گیس که خشونت در سینمای ایران هم باری دیگر گریبان عیاری را گرفته بود. عیاری ۶ سال پیش‌تر از داستان کلاه‌گیس‌اش، «خانه پدری»اش توقیف شد.

فیلم در جشنواره فجر اکران شد و سر و صدایش در رسانه‌ها پیچید. میزان خشونت نشان داده شده در این فیلم زیاد و عریان بود. تجربه عیاری به نوبه خود بسیار عجیب بود. بار اول تنها با پایان روز اول اکران توقیف شد، بار دوم بعد از چهار روز حضور در سینما مجدد توقیف شد تا سرانجام برای سومین بار، با اصلاحیه و شرط سنی اکران رفع توقیف شود و روی پرده رود. خانه پدری اولین نمونه تأثیر رسانه‌ها بر سرنوشت یک فیلم نبود، کیک محبوب من هم آخرین نمونه نخواهد بود.

### سینما به دور از هر قانونی

جدای از احکام صادره و توقیف فیلم، سینما در سه سال اخیر صاحب جریان تازه‌ای شده است. جریان تازه را سینمای زیرزمینی صدا می‌کنند، هم مسئولان سینمایی و هم هنرمندانی که دوست ندارند به قوانین و محدودیت‌ها تن دهند.

همه محدودیت‌ها به یک سرفصل و یک موضوع محدود نمی‌شدند و نمی‌شوند. در این جریان که فارغ از نگاه قالب رسمی است، گروهی از سینماگران عموما جوان به دنبال روایتی بدون محدودیت و آزادانه هستند.

نتیجه این آزادی اگر ممکن باشد داخل مرزها حاصل می‌شود و اگر نه، به آمار مهاجرت می‌افزایند و خارج از مرزها به دنبال سینمای غیرمحدود می‌گردند.

## نگاهی حقوقی و اجتماعی به حکم صادره برای سازندگان «کیک محبوب من»

عماد میروهابی
حقوقدان

با ارزیابی ماجرای محکومیت عوامل فیلم «کیک محبوب من»، بررسی موضوع در دو سطح قابل تأمل است: نخست از منظر حقوقی و سپس با توجه به مقتضیات زمان و مکان.

از نگاه صرف حقوقی، اصل بر برائت است. در حقوق کیفری ایران، علاوه بر این اصل، قاعده «درء» نیز معتبر است؛ قاعده‌ای برگرفته از فقه اسلامی که تأکید دارد در صورت وجود تردید، نباید مجازات اعمال شود. اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نیز تفسیر مضیق قوانین به نفع متهم، از دیگر اصول مسلم هستند. این اصول ایجاب می‌کنند صرفا در صورت احراز کامل وقوع جرم و وجود تمامی عناصر قانونی، مادی و معنوی، بتوان فردی را محکوم دانست.

برای نمونه، در جرم سرقت، ربایش مال غیر باید محقق شود و در عین حال، باید اثبات شود که فرد به قصد ارتکاب جرم دست به این عمل زده است. اگر شخصی مالی را بردارد و بتواند نشان دهد که تصور داشته آن مال متعلق به خود اوست، عنصر روانی (سوء‌نیت) مخدوش می‌شود و در نتیجه، جرم تحقق نمی‌یابد.

در پرونده مورد بحث نیز باید بررسی شود آیا قانون اساسا عمل سازندگان این فیلم را جرم‌انگاری کرده است؟ آیا چنین عملی واقع شده؟ و درنهایت، آیا سوء‌نیتی در انجام آن وجود داشته است؟ پاسخ به این پرسش‌ها، در پرتو اصولی چون برائت، تفسیر مضیق و اصل قانونی بودن جرم، پایه تصمیم‌گیری در این‌گونه پرونده‌ها است.

اما در سطح دوم، نمی‌توان شرایط زمانی و مکانی را نادیده گرفت. قوانین جزایی نباید نسبت به تحولات اجتماعی و فناوری بی‌اعتنا باشند. زمانی دستگاه پخش ویدیو می‌توانست موجب محکومیت فرد شود. اما امروز، با گسترش فناوری و دسترسی همگانی به ابزارهای فیلم‌سازی، چنین موضوعی بیشتر به طنز می‌ماند تا واقعیت.

هر فردی با یک تلفن همراه، قادر به ساخت فیلم با کیفیت حرفه‌ای است. نرم‌افزارهای تدوین و ابزارهای صداگذاری که پیش‌تر تنها در اختیار استودیوها قرار داشت، اکنون در ساده‌ترین لپ‌تاپ‌ها در دسترس است. در چنین شرایطی، جرم‌انگاری اعمالی چون فیلم‌سازی بدون مجوز، بیش از آنکه نشانه نظم حقوقی باشد، نشانی از عدم انطباق قانون با واقعیت اجتماعی است. اگر بنا بر تفسیر موسع قوانین باشد، روزانه صدها هزار نفر در حال انجام عملی هستند که می‌تواند مصداق تولید اثر بدون مجوز قلمداد شود. عقل سلیم و قاعده انصاف، که شالوده نظام‌های حقوقی عادلانه است، چنین نگاهی را نمی‌پذیرد.

مقتضیات امروز ایجاب می‌کند رویکرد قانون‌گذار از نظارت کیفری به حمایت فرهنگی تغییر کند. باید مرز جرم و تخلف را با دقت و احتیاط تعیین کرد، به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی که خود با پیچیدگی‌های اجتماعی و تغییرات سریع تکنولوژیک درآمیخته‌اند.

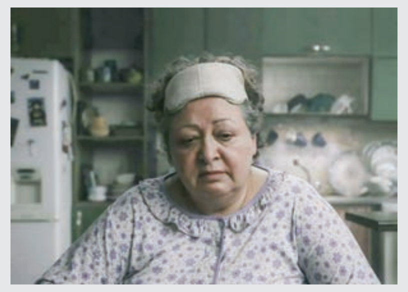

### داستان‌هایی تکان‌دهنده از موبایل‌قاپی در خیابان‌ها در گفت‌وگو با پلیس و قاضی ویژه سرقت

# موبایل‌قاپ‌ها، مشتری‌های دائمی پلیس

- گوشی‌قاپ‌ها روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان درآمد دارند
- گوشی‌های سرقتی یا به کشورهای همسایه می‌رود یا قطعات آن به فروش می‌رسد

سیما فراهانی
خبرنگار

**در روزگاری که گوشی تلفن همراه، همدم و رفیق جدانشدنی مردم است، یک موجود معمایی به نام موبایل‌قاپ تصمیم گرفته وارد بازی شود. تحصیلکرده و بیسواد، پیر و جوان، پولدار و فقیر نمی‌شناسد. کافی است در خیابان چرخی بزنند، تمام زحمتشان همین است. پرسه زنی؛ بعد از آن کار برایشان به قول معروف بشمار سه انجام می‌شود. با دقت و تمرکز بالا، گوشی را از دست مردم می‌قاپند. موبایل قاپ‌ها با نگاهی دقیق و قدم‌هایی حساب‌شده، از میان جمعیت عبور می‌کنند و درست مثل یه جادوگر گوشی‌ها را در چشم برهم زدنی ناپدید می‌کنند.**

موبایل‌قاپی یکی از آسان‌ترین و معروف‌ترین جرم‌ها در جامعه است. هوش بالا نمی‌خواهد، قدرت بدنی آنچنانی هم لازم نیست، زمان و استرس آن هم بسیار کم است. دزدانی که موبایل‌قاپی را انتخاب می‌کنند، سخت می‌توانند از آن دل بکنند. ولی نمی‌دانند که هیچ چیز از تیررس پلیس دور نمی‌ماند. درآمد بالایی دارند ولی اکثرشان نمی‌توانند از این درآمد استفاده چندانی کنند. چون پلیس به آنها این فرصت را نمی‌دهد. پول درمی‌آورند و به زندان می‌روند. به محض آزادی بار دیگر طمع می‌کنند و باز هم این چرخه ادامه دارد.

به گفته کارآگاهان، موبایل‌قاپ‌ها مشتری دائمی پلیس هستند. کاهش ۳۰ درصدی سرقت‌های موبایل در شهرهای بزرگ، به یکی از دغدغه‌های اصلی شهروندان تبدیل شده است. با این حال کارشناسان امنیتی و مقامات انتظامی اعلام می‌کنند که این نوع سرقت‌ها کاهش یافته است. سرهنگ «اصغر خدایی» معاون مبارزه با سرقت پلیس آگاهی پایتخت در گفت‌وگو با خبرنگار هفت صبح می‌گوید: «سرقت موبایل نه تنها از نظر اقتصادی برای قربانیان خسارت دارد، بلکه تاثیرات روانی عمیقی نیز بر روی افراد به جا می‌گذارد. با این حال، موبایل قاپی در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ بیش از ۳۰ درصد کاهش داشته است. این موبایل قاپی‌ها معمولا با استفاده از موتورسیکلت و غفلت شهروندان صورت می‌گیرد. مردم در طول روز مشغله زیادی دارند و حواسشان نیست. مثلا از عرض خیابان رد می‌شوند و همزمان با گوشی موبایل نیز صحبت می‌کنند. همین غفلت باعث می‌شود که سرقت صورت بگیرد. چون متمرکز بر گوشی هستند، سارق در کنارشان قرار می‌گیرد و به راحتی دست به دزدی می‌زند.»

### جرم پرطرفدار

این کارشناس انتظامی درخصوص سابقه‌دار بودن موبایل قاپ‌ها هم می‌گوید: «بیش از ۷۰ درصد این سارقان سابقه‌دار و مشتری دائم پلیس هستند و تکرار جرم دارند. تکرار این جرم نیز به نظر من به این دلیل است که نسبت به جرایم دیگر، برخورد جدی با مجرمان صورت نمی‌گیرد. فرد موبایل قاپ بعد از یک ماه دستگیری، با وثیقه آزاد می‌شود. باید در این خصوص برخورد قوی‌تر صورت بگیرد. شاید به همین دلیل است که این نوع جرم طرفدار بیشتری دارد. از طرف دیگر این سارقان درآمد خوبی هم دارند. در حال حاضر اکثر گوشی‌ها بین ۳۰ تا بیش از ۱۰۰ میلیون تومان ارزش دارد. آنها گوشی‌های سرقتی را بین ۵ تا ۱۰ میلیون تومان و حتی بیشتر می‌فروشند و یا به کشور همسایه می‌برند و یا از قطعات آن استفاده می‌کنند. به همین علت این نوع دزدی برایشان کار پرسودی است و چون بعد از دستگیری هم برخورد قاطع نمی‌شود، مجددا به چرخه جرم باز می‌گردند.»

### درآمد بالا، جرم آسان، مالخر فراوان

سرهنگ خدایی در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «این جرم، نسبت به سرقت‌های دیگر آسان‌تر است. در سرقت‌های دیگر هر کس یک تخصصی دارد، ولی در این نوع دزدی، شگردها آسان‌تر است. فرد لازم نیست وارد جایی شود و یا حریم کسی را بشکند. فقط در حال پرسه زنی در خیابان گوشی را سرقت می‌کند. همچنین می‌تواند در طول روز چند مورد انجام دهد و روزی حداقل ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان درآمد داشته باشد. از طرف دیگر مالخر هم در این زمینه بسیار زیاد است و آنها می‌توانند گوشی مسروقه را به راحتی بفروشند. در واقع خریدار این نوع از وسیله سرقتی بیشتر از بقیه وسایل سرقتی است. وقتی هم که این گوشی‌ها گران می‌شود مالخر با قیمت بهتری آنها را می‌خرد. یک جایی باید این چرخه قطع شود، آن هم مجازات سنگین است. البته ما جزو کشورهایی هستیم که میزان جرائمی که در این حوزه اتفاق می‌افتد به تناسب جمعیت نسبتا پایین است. تعدادش قابل توجه نیست. فقط چون در فضای مجازی بلافاصله منتشر می‌شود، احساس ناامنی ایجاد می‌کند. البته این را هم باید گفت که در این نوع جرم، میزان خشونت کمتری صورت می‌گیرد. در بیشتر مواقع درگیری اتفاق نمی‌افتد و کسی صدمه‌ای نمی‌بیند.»

### آیفون پرومکس؛ محبوب آقای سارق

«میثم حسین پور» قاضی سابق دادسرای ویژه سرقت بود و پرونده‌های این چنینی زیادی را بررسی کرده است. او که حالا قاضی دادگاه کیفری دو است و برای موبایل‌قاپان حکم صادر می‌کند، در این باره می‌گوید: «این نوع سرقت بیشتر به خاطر ضعف بزه دیده و عوامل محیطی رخ می‌دهد. رعایت برخی موارد می‌تواند آمار سرقت‌های این چنینی را حتی بعضا به صفر برساند. برای مثال فرد داخل خودرو از گوشی استفاده می‌کند و همزمان پنجره نیز باز است و یا در را قفل نکرده است. همین مسئله عامل محرکی می‌شود برای گوشی قاپی. یا استفاده افراد از گوشی در خیابان و جای خلوت، دزدان را ترغیب می‌کند به انجام دادن این جرم. درواقع بزه دیده خودش آلارم می‌دهد. بارها گفته‌ایم که ۹۰درصد گوشی قاپی‌ها به خاطر رعایت نکردن و عدم پیشگیری است. البته من پرونده‌ای داشتم که تحت عنوان تصادفات دست به گوشی قاپی می‌زد. مثلا سارق به آینه خودروی طرفی که از قبل شناسایی کرده بود، می‌زد و وقتی فرد خودرو را متوقف می‌کرد، می‌آمد و گوشی را می‌برد. در پرونده دیگری نیز، سارقی داشتیم که فقط گوشی آیفون ۱۲ پرومکس سرقت می‌کرد. آن هم هفته‌ای یک عدد آیفون؛ وقتی او را دستگیر کردیم، می‌گفت حدودا دو یا سه روز مالباخته را زیر نظر می‌گرفته تا بتواند در فرصتی مناسب گوشی‌اش را سرقت کند. یعنی برای دزدیدن یک گوشی آیفون، سه روز وقت می‌گذاشت.»

### دزدان کم هوش

قاضی حسین‌پور در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «سارقان موبایل‌قاپ تخصصشان معمولا فقط در همین زمینه است. معمولا هم افراد کم هوشی هستند که از ضعف بزه دیده استفاده می‌کنند. مثلا من بارها گفته‌ام که مثلا قاتلان سریالی ضریب هوشی بالایی دارند. نکته بعدی اینکه سارقان اکثرا اعتیاد دارند و سابقه دارند. مثلا وقتی سرقتی در این زمینه صورت می‌گیرد و فیلم آن در فضای مجازی منتشر می‌شود، پلیس بلافاصله به سراغ بانک اطلاعاتی مجرمان می‌رود چراکه ۸۰ درصد این افراد سابقه‌دار هستند. در این نوع سرقت معمولا در پنج درصد آن، سارق مال مسروقه را برای نیاز شخصی استفاده می‌کند. بقیه به مالخر می‌فروشند. برای همین است که در طرح‌های مختلف پلیس وقتی مالخران زیادی دستگیر می‌شوند، آمار سرقت کاهش می‌یابد. اگر سارق، یکی دو بار، مال مسروقه روی دستش بماند دیگر سرقت نخواهد کرد.»

### مجازات بدون هیچ تخفیفی

این قاضی دادگاه، البته به دزدان موبایل هشدار نیز می‌دهد و می‌گوید: «در این دو سه سال اخیر هیچ نهاد تخفیفی اعم از مرخصی و آزادی مشروط و عفو برای این نوع از مجرمان در نظر گرفته نشده است. در شش ماه گذشته میزان سرقت نسبت به قبل خیلی کمتر شده است. درواقع آمار موبایل قاپی‌های ما کم شده است. یکی از دلایل کاهش این سرقت‌ها، این است که غالب موبایل‌قاپان ما در رصد پلیس هستند. وضعیت پیشگیری ما خیلی بهتر از قبل شده است. بانک اطلاعاتی بسیار قوی داریم. سارقان حتی با ماسک نیز به صورت تن‌پیمایی و ظاهر و اندامشان هم به راحتی شناسایی می‌شوند. همچنین باید گفت که در حال حاضر اپلیکیشنی برای گوشی‌ها آمده که فقط صاحب گوشی می‌تواند آن را خاموش کند. هوشمند شدن این گوشی‌ها درست است که باعث گرانی آنها شده ولی ردیابی‌ها را هم آسان‌تر کرده است. وقتی سارق نتواند گوشی را خاموش کند، دیگر سمتش نمی‌رود. من خودم حالا که قاضی دادگاه هستم، برای سرقت‌ها، بسته به نوع سرقت مجازات‌های مختلفی صادر می‌کنم. ولی از هیچ نهاد تخفیفی استفاده نمی‌کنم. معمولا هم به اجرای احکام می‌سپارم که برای این افراد مرخصی در نظر نگیرند. از طرفی من حکم جایگزین بسیار زیادی صادر کرده‌ام، ولی برای سارقان و اراذل و اوباش از حکم جایگزین حبس به هیچ عنوان استفاده نمی‌کنم.»

### عذاب وجدان بعد از هر سرقت

یحیی یکی از همین موبایل‌قاپان حرفه‌ای است. مجرمی که در این زمینه تخصص بسیار بالایی دارد. با این سن‌وسالش کم است. همدستانش هم همینطور، اما دستبند پلیس بر دستانش است و از آینده تباه شده‌اش می‌گوید. یحیی در شبی به یک دزد تبدیل شد که با دوستش در خیابان‌ها ویراژ داد و با حرکات نمایشی، موتورسواری حرفه‌ای‌اش را به رخ کشید.

همانجا بود که دوستش پیشنهاد سرقت را به او داد. از استعدادش در موتورسواری گفت. یحیی آن زمان نوجوان بود و از تعریف و تمجیدهای دوستش مغرور شد. همین مسئله باعث شد او قدم در دنیای خلافکاران بگذارد و به جرم دزدی، یک بار به کانون اصلاح و تربیت برود و بعد از آن نیز زندگی جدیدش در زندان‌ها شروع شد.

او بدشانسی و دستگیری‌هایش را مجازات الهی می‌داند و در گفت‌وگو با خبرنگار هفت صبح می‌گوید: «اولین بار ۱۶ سالم بود که با دوستم به خیابان‌ها رفتیم و گوشی مردم را قاپیدیم. البته همان زمان خیلی زود دستگیر شدم. یعنی در اولین شب دزدی دستگیر شدم و مرا به کانون اصلاح و تربیت بردند. بعد از آن تبدیل به یک سارق شدم. البته من اصلا شانس ندارم.

هر بار سرقت رفتم همان اول دستگیر شدم. خودم فکر می‌کنم به‌خاطر این است که دلم برای مالباخته‌ها می‌سوخت. عذاب وجدان می‌گرفتم. فکر می‌کنم این دستگیری‌ها مجازات الهی باشد. همیشه بعد از هر سرقت عذاب وجدان گرفتم. البته همیشه هشتم گرو نهم بود. از طرفی دیدم دوستانم و اکیپش با پول‌های سرقتی توانستند ماشین‌های گران‌قیمت بخرند. بینی‌هایشان را جراحی کردند. دندان‌هایشان را لمینیت کردند. کلی پولدار شدند و زندگی‌شان از این رو به آن رو شد. برای همین من هم وسوسه شدم و تصمیم به سرقت گرفتم.»

**نکته**

### توصیه‌های یک سارق

**یحیی به تخصصش در این زمینه اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «ما به‌راحتی گوشی‌های گران‌قیمت را می‌شناختیم. از دور آنها را تشخیص می‌دادیم. سراغ گوشی ارزان‌قیمت نمی‌رفتیم. گوشی‌ها باید قیمت‌شان بالا باشد. گوشی باید آخرین مدل باشد. از طرف دیگر نیز مالخرها را می‌شناختیم. گوشی‌ها را یک چهارم قیمت اصلی به مالخر می‌فروختیم.»**

**این سارق حتی به مردم در این زمینه توصیه می‌کند: «مردم باید در خیابان از هندزفری استفاده کنند. در خودروهایشان شیشه‌های ماشین را پایین نیاورند. با گوشی در خیابان و خودروهایشان با شیشه‌های پایین حرف نزنند. در مکان‌های شلوغ گوشی‌های خود را از داخل کیف‌شان بیرون نیاورند. اگر این کارها را انجام دهند، هیچ‌کس نمی‌تواند گوشی‌های آنها را سرقت کند.»**

**نکته**

### چطور از کیف‌قاپ‌ها در امان بمانیم؟

**پلیس توصیه می‌کند که افراد نسبت به محل‌های پارکینگ و ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی هشدار بیشتری داشته باشند و از گذاشتن موبایل در معرض دید عمومی خودداری کنند.**

**همچنین، استفاده از قفل‌های دیجیتال و نرم‌افزارهای ردیاب می‌تواند به عنوان راهکارهایی برای کاهش این پدیده مفید باشد.**

---

**بازتاب**

# عزل هلی‌کوپتری!

### بازتاب گزارش هفت صبح؛ ۵ مدیر هلال احمر در پی استفاده ناصحیح از بالگرد عزل شدند

ماجرای خشک کردن زمین چمن ورزشگاه تختی خرم‌آباد با هلی کوپترهلال‌احمر بالاخره قربانی گرفت! پس از گزارش دیروز «هفت صبح» از این اتفاق و بحث‌برانگیز شدن آن در فضای مجازی، رئیس جمعیت هلال احمر در سیبل انتقادهاقرار گرفت. منتقدان به پیرحسین کولیوند از یمین و یسار تاختند و حرفشان این بود که با چه مجوزی و استدلالی هلی کوپتر چند میلیاردی را که قرار است عصای دست امدادگران در عملیات‌ها باشد و به کمک مردم بیاید، برای خشک کردن زمین چمن کرایه داده؟ پیرحسین کولیوند هم برای خاموش کردن آتش این انتقادها که هر لحظه بیشتر و بیشترهم می‌شد دست به کار شد و ۵ مدیر جمعیت را برکنار کرد!

البته این موضوع را مجتبی خالدی، سخنگوی هلال احمر رسانه‌ای کرد و در توضیح این تصمیم گفت:استفاده از بالگردهای جمعیت هلال احمر، تنها باید در راستای خدمات بشردوستانه و اقدامات امدادی باشد. در راستای استفاده ناصحیح از این بالگردها در خرم‌آباد، به دستور رئیس جمعیت، جلسه‌ای فوری برگزار شد .در این جلسه، ۶ نفر از مدیران به عنوان خاطی شناخته شدند که ۵ نفر از آنها فورا از حوزه مدیریتی عزل شدند و نفر دیگر نیز توبیخ شد. سخنگوی جمعیت هلال احمر ادامه داد: در این راستا مجددا دستورالعمل‌های امداد هوایی برای همه استان‌ها ابلاغ شد.

هفت صبح — HAFT-E-SOBH DAILY
روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
سه‌شنبه | ۱۹ فروردین ۱۴۰۴
۱۲ صفحه
شماره ۴۰۲۰
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

کلاهبرداری‌های دیجیتال از فعالان اقتصادی وارد مرحله تازه‌ای شد
**شکار بازرگانان با پیام‌های تلگرامی**
مجرمان سایبری از حساب‌های هک‌شده برای کلاهبرداری و تقاضای ارز دیجیتال بهره می‌برند
صفحه ۳

بالگرد امدادی هلال احمر به‌عنوان دستگاه خشک‌کن چمن ورزشگاه تختی خرم‌آباد عمل کرد
**هلی کوپتر یا چمن خشک‌کن؟**
حداقل ۶ فروند از ۲۴ بالگرد ناوگان امدادی کشور، از رده خارج هستند و مابقی به دلیل استهلاک بالا، در آستانه فرسودگی قرار دارند
صفحه ۹

جای خالی هوش مصنوعی در بازار کشور
بحرانی فراتر از کمبود کالا
**ایران بی‌هوش‌ترین بازار منطقه**
تنظیم بازار بدون هوش مصنوعی مثل خلبانی در مه بدون رادار است
صفحه ۳

**گل‌فروش قاتل پای میز محاکمه**
متهمی که سه جوان را در خیابان گل سرخ سبلان به قتل رسانده به زودی محاکمه می‌شود
صفحه ۵

**حقیقتی تلخ درباره لایک وعشق**
لایک‌ها مغز را فریب می‌دهند و توهم ارزشمندی در ذهن کاربران ایجاد می‌کنند
صفحه ۸

درباره چالش‌های مرگبار اینفلوئنسرهایی که برای جلب نگاه، دست به اقدامات خطرناک می‌زنند
**درد ام دیده شدن**
شبکه‌های اجتماعی به دنیای جدیدی از چالش‌های مرگبار تبدیل شده‌اند که کاربران را به خطر می‌اندازند
صفحه ۸

**هیجان و دلهره در یک برداشت بی‌وقفه**
«نوجوانی» یک شاهکار سینمایی
بانگاهی به حقیقت‌های تلخ جامعه امروز منزوی در دنیا
صفحه ۶

روایت‌هایی کمتر شنیده‌شده از مذاکره پشت میز غذا در دنیای سیاست
**دیپلماسی در بشقاب قدرت در هر لقمه**
از هم رگر تاسوپ ماهی، مذاکره‌کنندگان جهان در دل رستوران‌ها توافقاتی تاریخی را رقم می‌زنند
صفحه ۲

از «حلال مشکلات» تا «بدشانسی»
چرا مسعود پزشکیان ناگهان به هدف نمی‌رسد؟
**بدشانسی؛ قانون نانوشته سیاست ایران**
تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از روسای جمهور ایران در شرایط دشوار با مشکلات بزرگی مواجه شده‌اند
صفحه ۲

حمایت فیفا از مادران داور، تحولی در مسیر زنان ورزشکار
**زمینِ مادری**
فیفا با ایجاد فضای حمایتی بازگشت مادران داور به‌سطح حرفه‌ای را امکان‌پذیر کرده است
صفحه ۱۱

وقتی کات‌های تلویزیونی ابزاری برای کنترل محتوا به کار می‌روند
**پخش زنده یا پخش نیمه‌جان**
پخش زنده با ترس از واقعیت‌ها و سانسورهایی که روی آن اعمال می‌شود، به ابزاری بی‌معنی تبدیل شده است
صفحه ۱۲

---

**خبر خوش**

## ۵۰۰ اتوبوس برقی چینی به خیابان‌های تهران می‌آید

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران گفت: امیدوارم تا پایان فروردین ماه اتوبوس‌های برقی چینی وارد شده به بندرعباس را به ۵۰۰ دستگاه برسانیم. محسن هرمزی، معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران درباره برنامه‌های حمل و نقلی سال جدید اظهار کرد: امسال اقدامات این چند سال به جمع بندی می‌رسد. در حال حاضر ۴۵ دستگاه اتوبوس در بندرعباس در حال تخلیه است و ۵۶ دستگاه دیگر نیز تا دو روز آینده به بندر می‌رسد. وی با بیان اینکه امیدوارم تا پایان فروردین ماه اتوبوس‌های برقی چینی وارد شده به بندرعباس را به ۵۰۰ دستگاه برسانیم، اظهار کرد: تا پایان نیمه اول سال نیز ۲۵۰۰ دستگاه مورد توافق با طرف چینی را به کشور وارد می‌کنیم. همچنین از محل قرارداد اتوبوس‌های دیزل با شرکت‌های داخلی عقاب و اسنا نیز نیمه اول سال جاری ۷۰۰ دستگاه اتوبوس به ناوگان اتوبوسرانی شهر وارد خواهد شد.

**روی خط خبر**

## خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده به تهران رسید

برق در برخی از مناطق تهران از ۴۸ ساعت گذشته دچار قطعی شد و طبق پیگیری‌ها مشخص شد که برنامه خاموشی برنامه‌ریزی شده مشترکان در سایت شرکت توزیع برق تهران بزرگ منتشر شده، اما تا این لحظه اطلاع‌رسانی رسمی در این باره انجام نشده است. این در حالیست که مدیرعامل شرکت توانیر از عدم اطلاع‌رسانی به‌موقع نسبت به بروز خاموشی‌ها، عذرخواهی و علت بروز این موضوع را تشریح کرد اما باز هم در برخی استان‌ها از جمله تهران اطلاع‌رسانی دقیق درباره زمان خاموشی‌ها صورت نگرفته است.

مشترکان تهرانی می‌توانند با استفاده از شناسه قبض ۱۳ رقمی از طریق «سامانه هوشمند فوریت‌های شرکت توزیع برق تهران بزرگ»، «اپلیکیشن برق من» «وب سایت برق من» و از طریق دستیار صوتی هوش مصنوعی سامانه ۱۲۱ و همچنین از طریق کد دستوری(USSD) از وضعیت خاموشی مطلع شوند.

## دستور پزشکیان برای اصلاح سهمیه‌ها

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دیدار با وزیر علوم، اصلاح سهمیه‌های ورودی دانشگاه‌ها را یکی از طرح‌های مشترک این دو وزارتخانه عنوان کرد و گفت: دکتر پزشکیان رئیس جمهور، در خصوص اصلاح سهمیه‌های کنکور و دانشگاه‌ها به وزارت‌خانه‌های بهداشت و علوم دستور داده است.

محمدرضا ظفرقندی به تفاوت عدالت آموزشی و بومی گزینی اشاره کرد و افزود: با اصلاح سهمیه‌های کنکور، باید زمینه‌ای فراهم شود تا استعدادهای درخشان به دانشگاه‌ها ورود پیدا کنند و بتوانند شکوفا شوند. او با اشاره به زمینه‌های متعدد همکاری بین وزارت بهداشت و وزارت علوم گفت: مسائل مربوط به دانشجویان، تغذیه، خوابگاه‌ها و وضعیت اساتید می‌تواند محور همکاری‌های این دو وزارتخانه باشد و امیدواریم این همکاری‌ها در زمانی کوتاه که همچون ابر می‌گذرد، تقویت شود.

## تهدیدی به نام «آروجیا»

رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان‌های رودسر و املش گفت: مردم در صورت مشاهده آروجی با حساسیت و هوشیاری برخورد کنند و اجازه رشد و گسترش را به آن ندهند، نگذاریم یک گونه گیاهی مهاجم دیگر تبدیل به سرطان در پوشش گیاهی گیلان و میراث هیرکانی شود و حیات گیاهان و درختان بومی را با خطر نابودی مواجه کند. رحمان پورحسین با هشدار نسبت به رشد گونه مهاجم آروجیا، اظهار کرد: «آروجیا» گونه مهاجم گیاهی است که در چند سال اخیر در شمال کشور به سرعت رشد کرده و متاسفانه با بی‌توجهی حیات گونه‌های گیاهی، درختان و درختچه‌ها را با تهدید مواجه می‌کند. وی افزود: آروجیا باعث خفگی گیاهان می‌شود و جلوی رشد گیاهان را می‌گیرد، حتی شیره آن باعث مسمومیت سیستم عصبی و گوارشی حیواناتی مثل گاو می‌شود؛ برای انسان هم در صورت تماس با چشم یا پوست باعث بروز آلرژی و حساسیت می‌شود.

**جنجالی روز**

## پرستاران خارجی غیرمجاز به بیمارستان‌های تهران رسیدند!

رئیس سازمان نظام پرستاری درباره به کارگیری پرستاران خارجی غیرمجاز توضیحاتی ارائه کرد. «احمد نجاتیان» رئیس سازمان نظام پرستاری کشور در خصوص اظهارات اخیر سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس مبنی بر به کارگیری ۳۰ پرستار خارجی غیرمجاز در یکی از بیمارستان‌های تهران به ایلنا توضیح داد: این عدد مثالی از یک بیمارستان بود که طبق آمار غیررسمی گرفته شده بود و این عدد وجود داشت، در حالی که آمار بیشتر از این عدد است. ما با پدیده مهاجرت پرستاران به خارج مواجه هستیم که ما را با کمبود پرستار در کشور مواجه کرده است. از طرف دیگر پرستاران خارجی در کشورعمدتا پرستاران افغانستانی هستند. این همکاران ما عمدتا در ایران متولد شده‌اند و در دانشگاه‌های ایران تحصیل کرده‌اند.

وی افزود: طبق قانون این پرستاران حق کار در ایران را ندارند و بر اساس قوانین کار اتباع خارجی، حتما باید مجوزی را از وزارت کار بر اساس یک فرایندی بگیرند تا بتوانند در ایران مشغول به کار شوند. در واقع طبق قانون آن‌ها در این فرآیند باید درخواست بدهند، وزارت بهداشت و وزارت کار تأیید کنند و سپس به عنوان پرستار در بیمارستان‌ها با مدت مشخص کار کنند.

نجاتیان تصریح کرد: متاسفانه عدم انجام این فرایند باعث شده که برخی کارفرماها به صورت غیرقانونی از این پرستاران خارجی استفاده کنند. استفاده غیرقانونی و غیرمجوزدار از این پرستاران باعث شده که حق و حقوق آن‌ها به خوبی پرداخت نشود. همچنین از لحاظ بیمه مسئولیت دچار مشکل می‌شوند، یعنی اگر به مشکلی بخورند، بیمه مسئولیت خدماتشان را پوشش نمی‌دهد.

رئیس سازمان نظام پرستاری بیان کرد: موضوع تنها به کارگیری پرستاران خارجی غیرمجاز نیست، بلکه برخی از افراد دیگر هم هستند که تحت عنوان پرستار در بیمارستان‌ها کار می‌کنند. آن‌ها دانشجوهای ترم پایین پرستاری و یا رشته‌های دیگر گروه‌های علوم پزشکی هستند که تحت عنوان پرستار عمدتا در بخش خصوصی کار می‌کنند. ما درخواست‌مان از مجلس این بوده که یک نظارت جدی‌تری بر روی به کارگیری پرستار با هدف دفاع از حقوق مردم باشد. ما ملزم هستیم که اطمینان حاصل کنیم کسی که به عنوان پرستار خدمات می‌دهد، حتما شرایط و صلاحیت لازم را دارد تا خدمات ایمن به مردم ارائه بدهد. او تاکید کرد: بر این اساس، یک کارگروهی در کمیسیون بهداشت مجلس تشکیل شده که جلساتش در حال راه‌اندازی است تا به یک دستورالعملی برسیم و مجلس کاملا مصمم است که این موضوع را ساماندهی کند، سازمان نظام پرستاری نیز با استفاده از توان خودش و هیأت‌مدیره‌هایش در سراسر کشور اعلام آمادگی کرد تا در این حوزه به دولت کمک کند که بتوانیم خدمات خوب و با کیفیتی را به مردم ارائه دهیم.

دستگیری مردی که به ۳۰ زن در تهران تجاوز کرد

# چهره این متجاوز را می‌شناسید؟

## متهم طعمه‌های خود را در سایت دیوار شکار می کرد

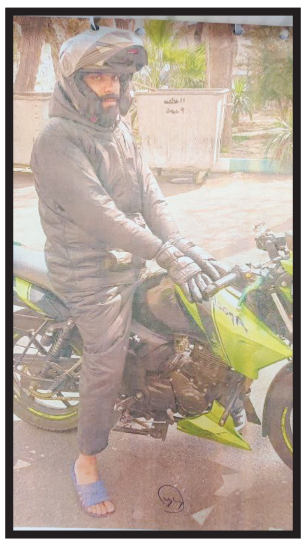

**فاطمه شـیخ‌علیزاده |** رسیدگی به شکایت‌های سریالی چندین زن در نقاط مختلف پایتخت از نیمه دوم سال ۱۴۰۳ در دستور کار پلیس قرار گرفت.نقطه اشتراک اظهارات خانم‌هایی که شاکی بودند، این بود که همگی آنها در سایت دیوار طعمه مرد جوانی شده و پس از اینکه آنها را با فریب به محل قرار کشانده بود، با موتورسیکلت این افراد را ربوده و در محل خلوتی از حاشیه شهر آنها را تحت آزار و اذیت جنسی و تجاوز قرار داده بود.

متهم پس از این اقدام شیطانی، اموال طعمه‌های خود را ربوده و آنها را در حاشیه شهر رها می کرد. تشابه این نقاط اشتراکی در اظهارات شاکیان شکی باقی نگذاشته بود که عامل این اقدامات مجرمانه سریالی، یک نفر است.

به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. در اولین گام از تحقیقات شماره‌هایی که متهم با آنها با شاکیان تماس گرفته بود، ردیابی شدند. سپس با توجه به چهره‌نگاری شاکیان، تصویر متهم در میان مجرمان سابقه‌دار بررسی شد.

در حالی که پیش از دستگیری متهم دو مظنون دیگر نیز دستگیر شده و بی‌گناهی آنها اثبات شده بود، بالاخره با اقدامات فنی پلیسی، متهم به نام مهدی آکی‌زایی دستگیر شد.

پرونده برای رسیدگی به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران منتقل شده و در مرحله تحقیقات قرار دارد.

همچنین جهت شناسایی دیگر شاکیان احتمالی، تصویر بدون پوشش متهم با دستور قضایی منتشر می‌شود.

این در حالی است که تاکنون حدود ۳۰ زن جوان از این مرد شکایت کرده‌اند.

### شاکیان چه گفتند؟

۲۷ بهمن ماه سال ۱۴۰۳ زن ۴۷ ساله‌ای به کلانتری وردآورد مراجعه کرد و در حالی که ظاهری پریشان و سر و وضع نامرتب و خاکی داشت، در ثبت شکایت خود گفت:«من نظافتچی ساختمان هستم و در سایت دیوار آگهی کاریابی منتشر کرده بودم. تا اینکه روز قبل مرد جوانی با من تماس گرفت و خودش را ملکی معرفی کرد.او از من خواست برای نظافت راه‌پله‌های یک ساختمان مسکونی به آنجا مراجعه کنم.من هم قبول کردم اما وقتی به نزدیکی محل رسیدم، پلاک خانه را پیدا نمی کردم. برای همین با آن مرد تماس گرفتم و گفتم خانه را پیدا نمی کنم.او هم گفت خودش دنبالم می‌آید و با یک موتورسیکلت خودش را به من رساند. بعد از من خواست با موتور او به ساختمان مورد نظرش بروم اما وقتی شروع به راندن کرد از مسیر خارج شد و سمت جاده کرج رفت.»

این زن در ادامه گفت:«مرد جوان در جایی خلوت واقع در حاشیه جاده کرج من را با شال خودم به فرمان موتورسیکلت بست و بعد به من تجاوز کرد.او کلاه کاسکت به سر داشت و وقتی کلاهش را برداشت، پشت سر من ایستاده بود.می‌خواستم برگردم چهره‌اش را ببینم که من را تهدید به مرگ کرد و گفت اگر رویت را برگردانی تو را می کشم.بعد هم سوار موتورش شد و گاز موتور را گرفت و فرار کرد اما قبل از آن گوشی من را هم سرقت کرد.من از حاشیه خاکی و خلوت جاده به سختی توانستم خودم را به شهر برسانم.»

رسیدگی به شکایت این زن در حالی ادامه پیدا کرد که پزشکی قانونی آثار ضرب و جرح و کبودی روی صورت او را تایید کرد.

### سرهنگ قلابی

۱۵ اسفند ماه سال ۱۴۰۳ زن ۲۷ ساله‌ای با مراجعه به پلیس شکایتی با موضوع تجاوز و سرقت مطرح کرد. او گفت:«مدتی قبل در سایت دیوار آگهی جست‌وجوی کار منتشر کردم. چند روز بعد مرد جوانی با من تماس گرفت و خودش را یک سرهنگ معرفی کرد.می گفت پیام‌های مشکوک زیاد داشته‌ام و یک بار با یک شماره چندین بار تماس گرفته‌ام.بعد گفت در سایت دیوار بابت مزاحمت از من شکایت شده. من که می‌دانستم آگهی فعال در سایت دارم گمان کردم شخصی از من شکایت کرده.آن مرد گفت باید برای تحقیقات به نزدیکی خانه من بیاید و با من قرار گذاشت.بعد با موتور خود به بهانه تکمیل تحقیقات پلیسی من را به محل خلوتی منتقل کرده و مورد تجاوز قرار داد سپس طلاهایم را سرقت کرد.»

### آگهی اجاره مسکن پوشالی

۲۶ آبان ماه سال ۱۴۰۳ زن جوانی با مراجعه به پلیس در شرح شکایت خود گفت:«من در سایت دیوار دنبال خانه می گشتم که به مورد مناسبی حوالی یوسف‌آباد برخوردم و قرار شد با آگهی‌دهنده قرار بگذارم.همان شب او که خودش را ملکی معرفی کرده بود، با من تماس گرفت و گفت می‌خواهد به مسافرت برود و اگر خواهان ملک هستم باید همان شب برای بازدید خانه بروم. من که برای پیدا کردن خانه مستاصل بودم و فکر می کردم شرایط آگهی برایم مناسب است، با این مرد قرار گذاشتم و وقتی سر قرار رسیدم او با موتورسیکلت آمد.او گفت وقتی لوکیشن را برای من ارسال کرده متوجه شده که لوکیشن ارسالی اشتباهی چند کوچه آن طرف‌تر را نشان می‌دهد و از من خواست خودش با موتور من را به خانه برساند.من گفتم خب شما با موتور هستید و نمی‌توانم سوار شوم.شما بروید و آدرس را بدهید تا خودم بیایم اما او گفت این وقت شب ترافیک است و من مسافرم و عجله دارم.» این زن ادامه داد:«من ناچار شدم که سوار موتور او شوم اما او ناگهان از مسیر منحرف شده و سمت ایران‌خودرو رفت. او زیر پل ایران‌خودرو با روسری خودم من را به درخت بست و با کمربند خودش پاهایم را بست. سپس به من تجاوز کرد و طلاها و گوشی من را سرقت و فرار کرد.»

### آگهی پرستار سالمند

۱۱ اسفند ماه سال ۱۴۰۳ زن جوانی با مراجعه به پلیس گفت:«من پرستار سالمند هستم و روز قبل مرد جوانی به من پیام داد و گفت برای مادرش پرستار می‌خواهد.او خودش را خیلی حساس و نگران نشان می‌داد و می گفت باید در ساعت داروهای مادرش دقت کنم. در عین حال خودش را برای همکاری چندان راغب نشان نمی‌داد و همین رفتارش باعث می‌شد که من ذره‌ای به او شک نکنم.بعد به من گفت برای بازدید از خانه مادرش باید حتما خودش حضور داشته باشد و گفت چون آخر سال است، سرشان شلوغ است و شب با من قرار گذاشت.او در اتوبان لشگری با من قرار گذاشت و با موتور سر قرار آمد.زمانی که سوار موتور شدم، از مسیر منحرف شد و در جای خلوتی به من تجاوز و از من سرقت کرد.» دقیقا یک روز بعد از ثبت این شکایت، زن جوان دیگری به پلیس مراجعه کرد که به همین شیوه طعمه متهم شده بود. او که پرستار سالمند بود، گفت: «وقتی سرقرار رسیدم، متهم به من گفته جلوی خانه مادرش را کنده‌اند و چاره‌ای ندارد جز اینکه با موتور به آنجا برویم.» با این ترفند زن جوان را فریب داده و همان سناریوی شیطانی خود را اجرا کرده بود.

### در پوشش پیک موتوری

یکی دیگر از شاکیان از ترفند عجیب متهم پرده برداشت و گفت:«مدتی قبل من پیک موتوری گرفتم و با عجله به مقصدم رسیدم.این مرد خیلی محترمانه و مودب رفتار کرد و به من گفت اگر بار دیگر پیک موتوری خواستم با او تماس بگیرم.من هم به او اعتماد کردم و دفعه بعد به او زنگ زدم اما این بار مرا ربود و به من تجاوز کرد.»

## خرده حادثه

### داغدار شدن ۷ خانواده در حادثه معدن دامغان

## باز هم داغ معدن

ساعت حدود ۳بعدازظهر روز دوشنبه ۱۸ فروردین ماه امسال سخنگوی هلال‌احمر خبر از محبوس شدن ۷ نفر در معدن مهماندویه دامغان داد.خالدی سخنگوی هلال‌احمر در نخستین خبر گفت: افراد محبوس در معدن دامغان ۷ نفر بودند که همگی جان‌شان را از دست دادند. انتشار این خبر عواطف و احساسات عمومی را جریحه‌دار کرده بود و در حالی که علت این حادثه در هاله‌ای از ابهام بود، ساعتی بعد معاون استاندار سمنان گفت: معدن دامغان یک ماه تعطیل بود، روز حادثه ۷ نفر برای بازدید از وضعیت معدن، بدونِ امکانات کافی وارد آن شدند که به‌علت انباشت گاز دچار خفگی شدند. همچنین در ادامه رئیس کل دادگستری استان سمنان از تشکیل پرونده قضایی برای این حادثه در معدن مهماندویه دامغان خبر داد و گفت:«معدن مهماندویه دامغان مجوز فعالیت داشته است. از آذر سال گذشته به‌علت سرمای شدید آن منطقه، ادامه فعالیت در معدن متوقف شد.روز حادثه در اولین روز کاری این حادثه رخ داد. این معدن تا اطلاع ثانوی تعطیل می‌شود.یکی از جانباختگان این حادثه پیمانکار معدن بود.» رئیس مجلس شورای اسلامی به کمیسیون صنایع و معادن ماموریت پیگیری ابعاد حادثه معدن زغال‌سنگ مهماندویه دامغان را داد. محمدباقر قالیباف با صدور پیامی ضمن تسلیت جان‌باختن تعدادی از کارگران در جریان وقوع حادثه معدن زغال‌سنگ مهماندویه دامغان، کمیسیون صنایع و معادن مجلس را مأمور رسیدگی فوری به ابعاد وقوع این حادثه و ارائه گزارش آن به صحن مجلس کرد. به دنبال این حادثه جان‌سوز، سید سلمان ذاکر عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، از حضور مسئولان مربوطه در نشست این کمیسیون خبر داد. سید سلمان ذاکر تاکید کرد: کمیسیون صنایع و معادن مجلس به منظور بررسی ابعاد این حادثه ناگوار، جلسه‌ای با مسئولان مرتبط برگزار خواهد کرد. ما بیم آن داریم به خاطر ضعف‌های زیرساختی و رعایت نشدن استانداردها حوادث مشابه در معادن افزایش یابد. نماینده مردم ارومیه در مجلس دوازدهم علت اکثر حوادث در معادن به ویژه معادن زغال سنگ را به فقدان سنسورهای هشدار دهنده، عدم مانیتورینگ و به روز نبودن تجهیزات در فرآیندهای استخراج، مرتبط دانست و افزود: متاسفانه در برخی معادن، نواقص و ضعف‌های مدیریتی و ایمنی وجود دارد که منجر به بروز حوادث مکرر و ناگوار می‌شود. با توجه به اهمیت این مسئله، کمیته معدن مجلس تصمیم به ورود جدی به موضوع بازنگری در قوانین و مقررات مربوطه گرفته است. به گفته ذاکر هدف از این اقدام، رفع نواقص قانونی موجود و جلوگیری از وقوع دوباره چنین حوادثی در آینده است. در این راستا، انتظار می‌رود با همکاری مسئولان و نهادهای مربوطه، اقدامات اساسی و موثر برای تضمین ایمنی کارگران و بهبود شرایط کار در معادن کشور صورت گیرد. این حادثه تلخ نه‌تنها نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در قوانین و رویه‌هاست، بلکه لزوم توجه بیشتر به ایمنی و سلامت کارگران را نیز ضرورتی انکارناپذیر می‌سازد. در نهایت، چالش‌های موجود در صنعت معدن می‌طلبد که با رویکردی جامع، تغییرات ساختاری لازم برای جلوگیری از تکرار اینگونه حوادث ناگوار انجام شود.

## جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

### جدول کلمات متقاطع

**افقی**

۱- نامادری- شاخه‌ای از دریا- دفینه
۲- گشایش- از کاخ‌های دوره صفویه در اصفهان
۳- بدهی‌ها- دوباره کاری- از بیماری‌ها که از طریق تنفس منتقل می‌شود
۴- پایتخت سوئیس- فیض رساندن- پرچم و بیرق
۵- هم پیشه- از مرکبات ترش و شیرین- دانه خوشبو
۶- خودم- دیدگان- خمیده
۷- واحد شمارش درخت- از سبزیجات- امر از تازیدن
۸- بی‌دین- مطلبی را قبول کردن- انتظار و نگرانی
۹- به جا آوردن عهد- نابود شده- بینوا
۱۰- نیرنگ- از نبردهای کوروش کبیر- نماد شیمیایی گوگرد
۱۱- چه وقتی؟- وسیله برقی اتومبیل- جمع جریمه
۱۲- پوشاک سر- نیزه دو شاخ کوچک قدیمی- ای دل
۱۳- میانی- دعا به درگاه خدا- وسیله‌ای برای پرواز
۱۴- غیر مستعمل- بی حیا
۱۵- سپر- کشور سابق آفریقایی- شهری در ایالت نیوجرسی

**عمودی**

۱- میهن و وطن- مورچه- گنجشک
۲- بوق و شیپور- جذب کننده آب- مساوی و برابر
۳- خمیر شیشه‌بری- زر شناس- صدمه و آسیب
۴- پایتخت یونان- صاحب- تباه شدن
۵- حرف همراهی- جوش صورت- بخشی از پرچم گل- ارجمندی
۶- نگاه داشتن- از سازهای ضربی- لوله تنفسی
۷- پلیس مخفی- نوعی قطع کتاب
۸- دست‌درازی کردن- از شاگردان میرعماد- فراوان
۹- ناشایست- کنایه از کوتاه‌قد
۱۰- دروازه‌بان- ترکیب ید و عنصر دیگر در آن- آسیمه خاطر
۱۱- خطاب بی‌ادبانه- اسرار- شرح دادن- عدد هندسی
۱۲- سنگدلی- نوعی رنگ بنفش- آینه مقعر
۱۳- ارابه و چهارچرخه- خاکستر- مماشات و سازش
۱۴- خام- شب شدن- واحد حجم مایعات
۱۵- لطیفه- مبانی نظری آن را آلبرت اینشتین در سال ۱۹۱۶ طی مقاله‌ای مطرح کرد- بزرگ‌ترین عصب بدن

### لغت‌یابی

**توضیح**

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

**۴ حرفی:** آب زن، برگن، تریش، گزنه، لبیس، نشار، وانک، یوزه

**۵ حرفی:** آدنوم، رودسر، روناک، ژولیت، شوگرن، گورکی، مسینا، نکروز، نلسون، نوجین، وینگو، هانوی، یانزی، یانکی

**۶ حرفی:** آدونیس، سس سویا، کیشینف، نیساری

**۷ حرفی:** آفرودیت، تایپیست

**۸ حرفی:** بیولوژیک، جزادهنده، هاراگیری، یراق آلات

### جدول شرح درمتن

### سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

### پاسخ‌های شماره قبل

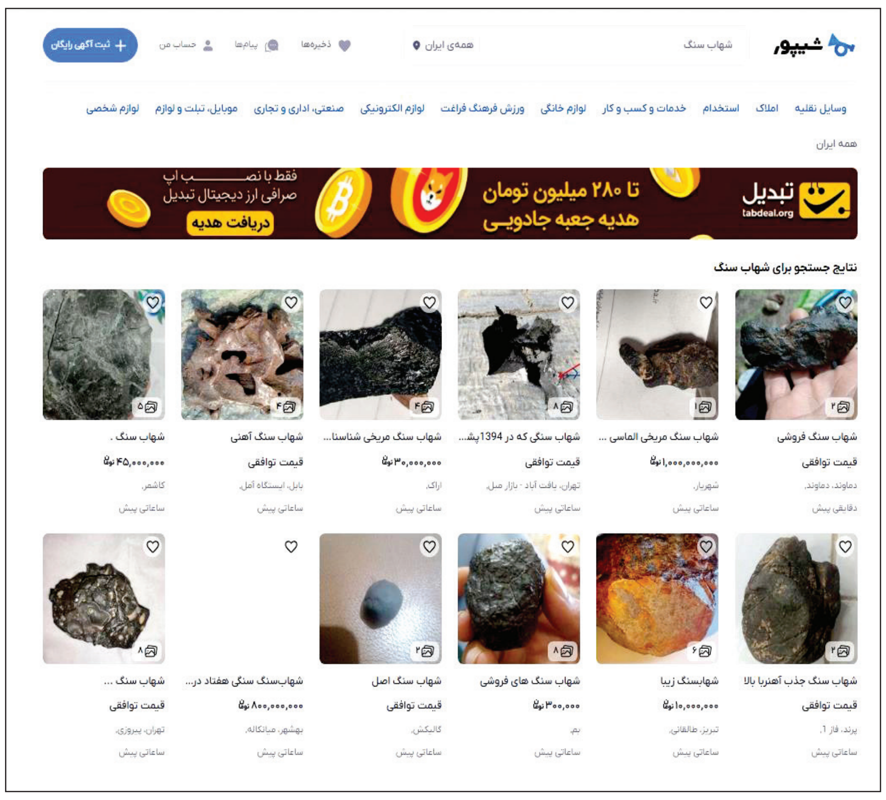


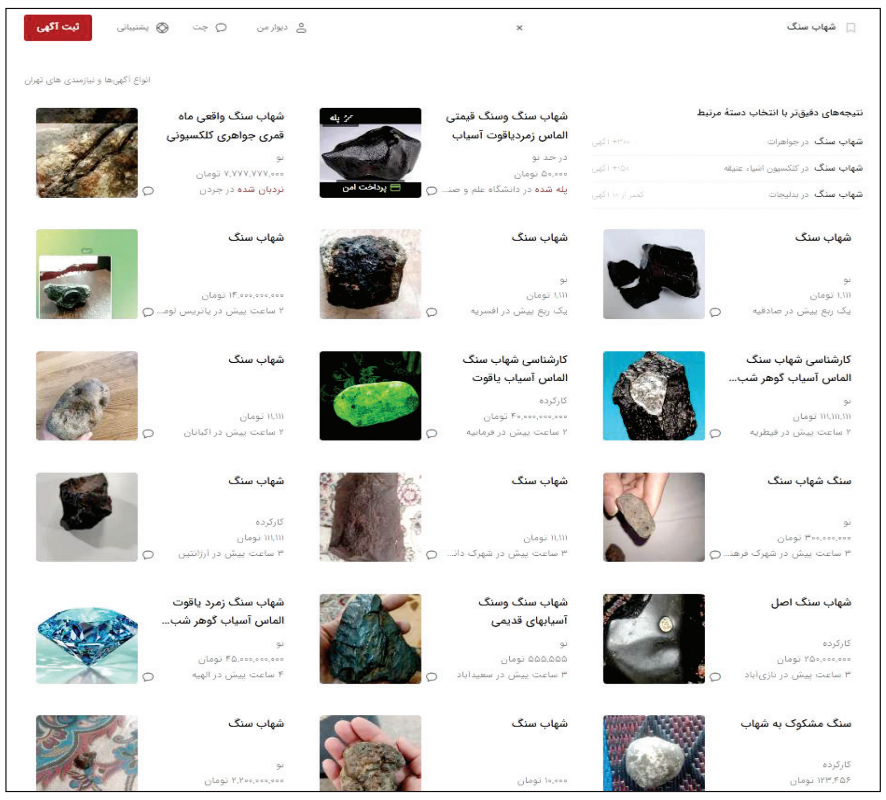


## شهاب‌سنگ پایتخت در دیوار و شیپور؛ چگونه یک شوخی تلویزیونی به واقعیت بازار تبدیل شد

# نقی معمولی بازار سنگ را به آتش کشید!

## کارشناسان هشدار می‌دهند: بیشتر این سنگ‌ها نه نادرند، نه ارزشمند

**ملک میرمهدی | وقتی یک سنگ خیالی در سریال «پایتخت» بر زمین افتاد، خیلی‌ها فکر نمی‌کردند تکه‌ای از آن شوخی تلویزیونی، در دنیای واقعی، بازار را به آتش بکشد. اما همان سنگ، جرقه‌ای شد برای اقتصاد خیال‌زده‌ای که همیشه دنبال یک راه میان‌بُر است. شهاب‌سنگی که در قاب تلویزیون ترک برداشت، چند روز بعد روی پلتفرم‌های خرید و فروش، میلیاردی قیمت خورد. چرا؟ چون وقتی اقتصاد زمین‌گیر باشد، حتی یک سنگ هم می‌تواند امیدی آسمانی به نظر برسد.**

### شهاب‌سنگی که بازار را به آتش کشید

شبی از شب‌های «پایتخت» بود. همان سریال پرطرفداری که هر بار پخش می‌شود، چیزی در دل مردم ایران جرقه می‌زند. این‌بار اما جرقه‌ای واقعی بود که انگار از دل آسمان بر زمین افتاده باشد. شهاب‌سنگی خیالی، از قاب تلویزیون رد شد و افتاد وسط خانه خواهر نقی معمولی، روی سر آکواریوم. و جالب اینکه، آن سنگ تلویزیونی، جرقه‌ای شد برای آتشی واقعی در دنیای بیرون.

داستانی ساده و طنز که در قاب تلویزیون شکل گرفت، ناگهان به ذهن و زندگی میلیون‌ها نفر نفوذ کرد. کافی بود همسر ارسطو با اعتمادبه‌نفس اعلام کند: «این سنگ معمولی نیست!

اگه اصل باشه، صدها هزار دلار ارزش داره!» همین یک جمله، کافی بود تا خیلی‌ها به حیاط و انباری و کوه و بیابان نگاه دیگری بیندازند. سنگ‌های کنار باغچه و بالای طاقچه، ناگهان مظنون شدند به اینکه گنج‌های آسمانی هستند.

### شهاب‌سنگ‌ها وارد بازار می‌شوند

در کمتر از چند روز، موجی از آگهی‌های عجیب در سایت‌های خرید و فروش دیده شد. از شیپور و دیوار گرفته تا دیگر پلتفرم‌ها، پر شد از سنگ‌هایی که حالا با افتخار «شهاب‌سنگ» نامیده می‌شدند. قیمت‌ها؟ از چند میلیون شروع می‌شد و تا میلیاردها تومان هم بالا می‌رفت! یکی نوشته بود: «با ملک معاوضه می‌کنم» و دیگری تاکید کرده بود: «ارزش داره، خودم کارشناسم!» یکی هم نوشته بود: «بیعانه بده، لوکیشن بفرستم.» حتی آگهی‌هایی دیدیم که نویسنده‌هاش گفته بودند: «نمی‌دونم چیه، مشکوکیم به شهاب سنگ.» یعنی شما بخرید، ما دعا می‌کنیم واقعاً از آسمون افتاده باشه! با یک جست‌وجوی ساده در سایت شیپور مشاهده می‌کنیم که بیش از ۱۰۰۰ آگهی در ظرف یک هفته گذشته با موضوع فروش شهاب سنگ در این سایت بارگذاری شده و از دور افتاده‌ترین شهرهای مرزی تا تهران را شامل می‌شود.

### شهاب‌سنگ: گنج یا خیال؟

اما آیا واقعاً این سنگ‌ها، گنجی آسمانی‌اند؟ کارشناسان علوم زمین و فضا پاسخ می‌دهند: بیشتر این سنگ‌ها نه نادرند، نه گران. اکثرشان ارزش اقتصادی خاصی ندارند، مگر آنکه مشخص شود متعلق به مریخ یا ماه هستند، یا ترکیبات خاص فلزی مثل نیکل و آهن در آن‌ها پیدا شود. تازه آن هم فقط با تایید آزمایشگاه‌های معتبر جهانی نه با ترازوی آشپزخانه!

تشخیص اصالت شهاب‌سنگ‌ها ساده نیست. خیلی از آنها به آهنربا می‌چسبند یا پوسته‌ای سوخته دارند، اما این ویژگی‌ها در برخی سنگ‌های زمینی هم پیدا می‌شود. برای همین، بازار شهاب‌سنگ، جایی برای آزمون و خطای شخصی نیست.

### وقتی همه دنبال مشتری عرب می‌گردند

در دل این تب داغ، بازار دلال‌ها هم جان گرفت. برخی آگهی دادند که می‌توانند سنگ شما را برای فروش به شیخ‌های عرب معرفی کنند. بعضی‌ها مدعی شدند شهاب‌سنگ مریخی یا ماه دارند. یکی نوشت مشتری تضمینی خارجی دارد، دیگری گفت سنگش «الماسی» است و سند دارد!

از آن‌سو، کلاهبرداران هم دست به کار شدند. فریب‌کارانی که با وعده سودهای نجومی و فروش‌های میلیاردی، از طمع مردم استفاده کردند. پلیس فتا اعلام کرد تعدادی از این افراد را که حتی سنگی در دست نداشتند و تنها با تکیه بر رویاهای دیگران پول به جیب می‌زدند، دستگیر کرده است. جالب اینکه خود پلیس هم گفته، پای طمع در میان است؛ طمعی که قربانی و کلاهبردار را در یک بازی مشترک وارد کرده: بازی پولدار شدن بی‌زحمت.

### از آسمان تا سراب

ماجرای شهاب‌سنگ‌ها، تازه‌ترین اپیزود از سریال بلند «تب‌های ناگهانی» در جامعه ماست. قبلاً هم داشتیم: از ۲۵ تومانی ارزشمند تا جیوه قرمز چرخ خیاطی‌ها، از فلزات عجیب تا اپلیکیشن‌های رمزارزی. حالا نوبت سنگی از آسمان است که آمده، تا شاید زندگی را زیر و رو کند. اما واقعیت این است که هیچ‌کدام از این موج‌ها، تا امروز راهی برای نجات نبوده‌اند. آنچه مردم را دنبال این خیال‌ها می‌فرستد، نه سنگ از آسمان، بلکه آرزویی زمینی است: تلاش و خلاقیت، راهی ساده برای ثروت، معجزه‌ای بی‌هزینه. شاید، درست همین‌جاست که باید آرزو کنیم. نه برای شهاب‌سنگ، که برای روزی که اقتصاد آن‌قدر جان بگیرد، که هیچ‌کس دیگر سنگ به دست، دنبال مشتری در سایت‌های آگهی نگردد.

## بازی

## درباره زندگی روزمره مژده در دنیای دیجیتال

# شکارچی سایه‌ها در اتاق خاموش شهرک نفت

## در دنیای دیجیتال، می‌توانید به جایی برسید که در دنیای واقعی غیرممکن است

در شمال‌غربی شهر تهران محله‌ای هست به‌نام شهرک نفت؛ محله‌ای پر سروصدا، پر از هیاهوی ماشین‌هایی که عصرها برای افزایش تعاملات اجتماعی، در محله و خیابان‌های نزدیک تپه عشاق، دور می‌زنند.

در همین شلوغی، درست وسط این سر و صداهای عصرگاهی و شبانه، دختری زندگی می‌کند که بیشتر آدم‌های محله حتی چهره‌اش را ندیده‌اند. مژده ۳۲ ساله، ساکن یکی از آپارتمان‌های بلندمرتبه این شهرک است. خانه‌ای که پشت پنجره‌هایش، داستانی دیگر در جریان است.

مژده پرده‌های اتاقش را ضخیم و سنگین انتخاب کرده. نه از سر سلیقه، که برای بستن راه نور و صدا به درون پناهگاهش. آن‌سوتر از این پرده‌ها، جایی‌ست که زندگی واقعی‌اش شروع می‌شود؛ زندگی‌ای که در دل یک بازی کامپیوتری رقم می‌خورد. بازی‌ای به نام Solo Leveling: Arise، محصول کمپانی Netmarble.

مژده هر روز بی‌صدا، بی‌هیاهو، از دنیای واقعی بیرون می‌رود و وارد جهان دیجیتالی می‌شود که در آن قوی‌ست، تصمیم‌گیرنده است و می‌تواند با هیولاهای ذهن و زندگی‌اش رو در رو شود.

در این بازی نقش‌آفرینی و اکشن، بازیکن در نقش یک شکارچی قدرتمند باید به سیاه‌چال‌های مرموز و خطرناک پا بگذارد، باس‌های عظیم‌الجثه را شکست دهد و با مهارت‌هایی که به‌مرور ارتقا می‌یابد، مسیر خود را از میان تاریکی باز کند. برای بسیاری، این فقط یک سرگرمی‌ست. برای مژده اما، یک جور بقاست.

او ساعت‌ها دراین فضا می‌ماند. هدفونی بزرگ روی گوشش گذاشته، صدای بیرون را خفه کرده، نور را خاموش کرده و با چشمانی تیز، هر حرکت دشمن را دنبال می‌کند. اینجا نه مادرش صدایش می‌زند، نه سر و صدای کوچه مزاحمش می‌شود. اینجا او و خودش است و شمشیر نورانی‌اش، دنیایی که دشمن‌هایش قابل دیدن و شکست دادن‌اند.

مژده در کودکی دختر پر حرفی بود. پدرش که رفت، انگار بخشی از صدای او هم همراهش خاموش شد. مادرش کم‌حرف‌تر از همیشه شد و خانه پر شد از سکوت‌های سنگین و ناگفته‌های تلخ. مژده بزرگ شد؛ با همین سکوت، با همین زخم‌هایی که عمیق‌تر شدند.

می‌گوید: «اولین بار که بازی رو نصب کردم، فقط دنبال یه سرگرمی بودم. ولی کم‌کم دیدم که دارم خشم‌هامو، حرف‌هایی که نمی‌زنم، ناراحتی‌هایی که جایی واسه گفتنشون نیست، همه رو می‌ریزم توی نبرد با هیولاها.»

هر سیاه‌چالی که در بازی باز می‌شود، برای مژده یک استعاره‌ست. استعاره‌ای از رنج‌ها و ترس‌هایی که در درونش تلنبار شده‌اند. او باس‌فایت‌ها را با دقت انتخاب می‌کند. ترکیب مهارت‌ها و تجهیزاتش را با دقت طراحی می‌کند. نه برای امتیاز، نه برای نمایش، بلکه چون هر نبرد، بخشی از خودش را التیام می‌بخشد.

او در بازی تنهاست، درست مثل زندگی واقعی. اما تنهایی‌اش در بازی، قدرت‌مندانه است؛ نه از روی اجبار، بلکه از روی انتخاب. در بازی کسی در کنارش نیست، اما خودش را کافی می‌داند. خودش تصمیم می‌گیرد که کی حمله کند، کی عقب‌نشینی و کی از قدرت نهایی‌اش استفاده کند.

آرزو دوست نزدیکش که گاهی به او سر می‌زند تا احوالش را بپرسد، می‌گوید: «مژده وقتی تو بازیه، یه آدم دیگه‌ست. صورتش جدی می‌شه، تمرکزش عجیب می‌ره بالا. یه‌بار دیدم که بعد از بردن یه مرحله سخت، لبخند زد. همون لحظه فهمیدم اونجا دنیای خودش رو پیدا کرده.»

مژده کسی را ندارد که شب‌ها با او درد و دل کند، اما وقتی شخصیت بازی‌اش ارتقا پیدا می‌کند، احساس می‌کند خودش هم بزرگ‌تر و قوی‌تر شده. دنیای واقعی به او فرصت این رشد را نداده، اما این بازی، جایی‌ست که مژده بالاخره برنده می‌شود.

در اتاقی تاریک، در خانه‌ای ساکت، در دل شهرکی پر سر و صدا، دختری هست که با هر کلیک موس، بخشی از درون زخمی‌اش را التیام می‌دهد.

دختری که شاید فردا صبح، وقتی برای چند دقیقه پرده‌ها را کنار بزند تا کمی هوا عوض کند، خورشید را از میان گرد و غبار شیشه‌ها ببیند و با خودش بگوید: «من هنوز اینجام. هنوز بازی تموم نشده. و هنوز شانس بردن هست.»

Solo Leveling: Arise یک بازی اکشن نقش‌آفرینی (Action RPG) که با گرافیکی خیره‌کننده، طراحی دشمنانی با جزئیات حیرت‌انگیز و داستانی برگرفته از یک وبتون کره‌ای پرطرفدار، تبدیل شده به یکی از پناهگاه‌های ذهنی برخی گیمرها.

در این بازی، بازیکن نقش سونگ جین‌وو شکارچی درجه پایین را بازی می‌کند که پس از واقعه‌ای مرموز، تبدیل به قوی‌ترین موجود در دنیایی می‌شود که پر از تله، دشمن و خیانت است.

این بازی یک جور تمرین بقا است. تمرینِ اینکه چطور با درد کنار بیاید، چطور هیولاهای درون را بشناسد و چطور با هر مرحله سخت‌تر، خودش را بهتر بشناسد.

## یادداشت

# افزایش وام مسکن راهگشای بحران نیست

آزاده ابوطالبی
هفت‌صبح

در شرایط کنونی، بازار مسکن به یکی از بزرگترین مشکلات اقتصادی و اجتماعی در کشور تبدیل شده است. سیاست‌های مختلفی برای حل این بحران ارائه شده‌اند که یکی از آنها افزایش وام‌های مسکن است. طرح‌هایی مانند وام محرومان که اخیرا به منظور تسهیل دسترسی به مسکن برای اقشار کم‌درآمد و افراد فاقد خانه مطرح شده‌اند. اما در واقع، این سیاست‌ها نمی‌توانند به طور مؤثر و پایدار به حل مشکل خانه‌دار شدن کمک کنند. افزایش وام عرضه مسکن را افزایش نمی‌دهد و حتی فشار تقاضا را بر بازار مسکن بیشتر می‌کند و در نتیجه به تشدید نابرابری‌ها منجر می‌شود.

وقتی که وام‌های مسکن افزایش می‌یابند، به ظاهر افراد قادر به خرید خانه می‌شوند، اما اگر در همان زمان تولید مسکن نیز افزایش نیابد، این افزایش تقاضا فشار مضاعفی به بازار وارد می‌کند. در نتیجه با وام‌های جدید قیمت‌ها کاهش نمی‌یابد و بلکه ممکن است به دلیل کمبود عرضه، قیمت‌ها افزایش یابند. در این شرایط، تنها کسانی که توان مالی بیشتری دارند، از این وام‌ها بهره‌مند می‌شوند و این، به تعمیق شکاف‌های اقتصادی میان اقشار مختلف جامعه منجر می‌شود. به عبارت دیگر، افزایش وام‌ها ممکن است به نابرابری‌های موجود در بازار مسکن دامن بزند و به کار بردن عنوان وام محرومان، عنوان نامناسبی است.

در همین راستا، تجربه کشورهای مختلف، راهگشای این مسئله است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، یکی از راه‌حل‌های موفق برای مقابله با بحران مسکن، تمرکز بر پروژه‌های انبوه‌سازی و تولید مسکن ارزان‌قیمت بوده است. در این کشورها، دولت‌ها با طراحی برنامه‌های بلندمدت برای ساخت مسکن در مقیاس بزرگ، قادر به پاسخگویی به نیازهای شهرهای بزرگ و متراکم بوده‌اند. در این رویکرد، افزایش عرضه مسکن از طریق تسهیل در فرآیندهای ساخت و ساز، تخصیص زمین‌های مناسب برای ساخت و ساز و ارائه مشوق‌های مالی برای سازندگان مسکن در دستور کار قرار گرفته است. در کشورهای اروپایی مانند آلمان و هلند، دولت‌ها توانسته‌اند با استفاده از پروژه‌های انبوه‌سازی مسکن، تقاضا را با عرضه هماهنگ کنند. این کشورها با استفاده از سیاست‌های کارآمد مالی و زیرساختی، علاوه بر تامین مسکن با قیمت مناسب، به شهرهای خود فضایی پایدار و متعادل برای زندگی اهالی بخشیده‌اند. به علاوه، بسیاری از این پروژه‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که با توجه به نیازهای مختلف اجتماعی و اقتصادی، مسکن را برای طیف گسترده‌ای از افراد با درآمدهای مختلف فراهم کنند.

در کشورهای آسیایی مانند چین نیز برنامه‌های مشابهی برای مقابله با کمبود مسکن در شهرهای بزرگ اجرا شده است. در چین، پروژه‌های مسکن ارزان‌قیمت و انبوه‌سازی‌های عظیم در مناطق مختلف شهری باعث شد تا میلیون‌ها نفر به خانه‌های جدید دسترسی پیدا کنند. این برنامه‌ها با هدف کاهش فشار تقاضا و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها طراحی شدند و نتیجه آنها، افزایش دسترسی به مسکن برای اقشار متوسط و پایین جامعه بود.

در ایران، اگرچه به نظر می‌رسد طرح‌های وام مسکن در کوتاه‌مدت ممکن است به برخی افراد کمک کند، اما بدون وجود برنامه‌های جامع برای افزایش عرضه مسکن، این طرح‌ها به تدریج منجر به افزایش تقاضا و فشار بیشتر به بازار شده‌اند.

حل مشکل مسکن نیازمند توجه به دو بعد اساسی است: افزایش عرضه مسکن از طریق برنامه‌های انبوه‌سازی و در کنار آن، اصلاحاتی در ساختار مالی و اقتصادی بازار مسکن که به تسهیل در دسترسی به مسکن برای اقشار مختلف جامعه کمک کند. در غیر این صورت، افزایش وام‌ها، نه بحران مسکن را پیچیده‌تر کرده و گسترش می‌دهند.

در کنار چالش‌های مربوط به سیاست‌های وام مسکن و افزایش تقاضا، یکی دیگر از عوامل مهمی که تأثیرات منفی بر بازار مسکن و حل بحران مسکن دارد، محدودیت‌های موجود در تأمین نهاده‌های ضروری برای ساخت مسکن، مانند سیمان، فولاد و دیگر مصالح ساختمانی است. این محدودیت‌ها روند ساخت‌وساز را کند می‌کنند و بر هزینه‌های تولید مسکن تأثیرات قابل توجهی دارند.

در شرایطی که تقاضا برای مسکن به شدت افزایش یافته و پروژه‌های بزرگ مسکن به‌ویژه در شهرهای بزرگ در حال افزایش هستند، تأمین مواد اولیه لازم برای ساخت و ساز به یکی از چالش‌های اساسی تبدیل شده است. سیمان و فولاد از جمله مهم‌ترین مواد اولیه در ساخت‌وساز مسکن هستند و هرگونه کمبود در تأمین این مواد، به‌طور مستقیم بر قیمت تمام‌شده مسکن تأثیر می‌گذارد. به‌ویژه در بازارهای با تقاضای بالا، کمبود این مصالح موجب افزایش هزینه‌های ساخت‌وساز و در نهایت بالا رفتن قیمت مسکن می‌شود. در ایران، مشکلاتی در تأمین و تولید این مصالح به دلیل نوسانات قیمت جهانی و همچنین محدودیت‌های داخلی وجود دارد. قیمت فولاد و سیمان به عنوان نهاده‌های اصلی در ساخت مسکن تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله سیاست‌های تجاری، واردات و صادرات و ظرفیت‌های تولید داخلی قرار دارد. به عنوان مثال، در سال‌های اخیر با افزایش قیمت جهانی فولاد و سیمان، تأمین این مصالح برای پروژه‌های مسکن با مشکلات زیادی روبه‌رو شده است. از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های تولید این مصالح به دلیل مشکلات در دسترسی به انرژی، باعث شده که قیمت تمام‌شده مسکن افزایش یابد.

این محدودیت‌ها همچنین بر توانایی بخش خصوصی و دولتی برای توسعه پروژه‌های مسکن تأثیرگذار است. سازندگان مسکن که از ظرفیت‌های محدود برای تأمین مصالح برخوردار هستند، معمولاً مجبور به پرداخت هزینه‌های بالاتر برای مصالح می‌شوند که این امر منجر به کاهش انگیزه آنها برای ساخت پروژه‌های جدید می‌شود. در چنین شرایطی، بازار مسکن با کمبود عرضه و افزایش قیمت‌ها مواجه می‌شود.

در سطح جهانی، بسیاری از کشورها برای مقابله با این مشکلات به بهبود زیرساخت‌ها و تولید مصالح ساختمانی با استفاده از فناوری‌های نوین پرداخته‌اند. به عنوان مثال، در چین و برخی کشورهای اروپایی، بهینه‌سازی فرآیند تولید مصالح ساختمانی و استفاده از مصالح جایگزین برای فولاد و سیمان در پروژه‌های انبوه‌سازی کمک کرده است تا هزینه‌های تولید را کاهش دهند.

### بررسی آخرین ابهامات تاثیر قطعی معدل پایه یازدهم و دوازدهم در آزمون سراسری ۱۴۰۴

# دنیای پرچالش پشت کنکوری‌ها

## کنکور ۱۴۰۴ با تغییرات جدید، فشار مضاعفی را به دانش‌آموزان وارد می‌کند

راضیه زرگری
هفت صبح

**از حذف به ساماندهی رسید؛ درباره آزمون بزرگ ورود به دانشگاه یا همان غول بزرگ «کنکور» در ایران صحبت می‌کنیم. داستان حذف کنکور در ایران مسیر پر پیچ‌وخمی داشته و از دهه ۸۰ تا الان همیشه مطرح بود، اما هیچ‌وقت عملی نشد. دلایلش هم واضح است؛ اول اینکه جایگزین عادلانه‌ای برای حذف آن وجود نداشت. به علاوه زیرساخت‌های بنیادی آموزشی کشور هم بستر مناسبی برای گزینش فارغ‌التحصیلان دبیرستان براساس مهارت و توانایی آنها نمی‌داد و همچنان هم نمی‌دهد؛ پس بی‌عدالتی بیشتر می‌شد. اما مهمترین دلیل ناکامی همه تلاش‌ها برای حذف کنکور این است که کسی نمی‌تواند مافیای پر قدرت صنعت پولساز کنکور را در ایران زمین بزند. همین شد که مسئولان آموزشی تصمیم گرفتند به‌جای حذف ناگهانی، کنکور را اصلاح کنند و پای تاثیر شرط معدل به این قصه باز شد.**

### روند تاثیر شرط معدل در کنکور؛ از حذف دروس عمومی از کنکور تا تاثیر ۶۰ درصدی قطعی معدل

تاثیر شرط معدل در کنکور ایران که برای کاهش وابستگی به تنها معیار سنجش و عادلانه‌تر کردن رقابت بین داوطلبان مطرح شد، یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز در سال‌های اخیر بوده که با چالش‌ها و نقدهای بسیاری نیز همراه بوده است؛ از نابرابری در سطح کیفیت امتحانات نهایی مدارس در سال‌های مختلف تا دو برابر شدن استرس دانش‌آموزان، هم برای آزمون نهایی سال آخر دبیرستان و هم برای کنکور. موضوع به سال ۹۸ باز می‌گردد؛ زمانی که ساماندهی کنکور در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام در مرداد ۱۴۰۰ توسط رئیس‌جمهور وقت ابلاغ شد. با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی سهم آزمون سراسری برای ورود به دانشگاه کم شد، در عوض این سهم کم شده به مدارس و نتایج امتحانات نهایی رسید. طبق این مصوبه آزمون سراسری ۴۰درصد در نتایج ورود به دانشگاه تاثیر گذاری دارد و ۶۰درصد باقی مانده سهم معدل داوطلبان و دانش‌آموزان در سه پایه دهم، یازدهم و دوازدهم است. ضمن این که دیگر از آزمون دروس عمومی در کنکور خبری نیست و کنکور سالی دوبار برگزار می‌شود. بر اساس آخرین مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره کنکور پیش رو، تأثیر معدل در کنکور سال ۱۴۰۴ به صورت قطعی و به میزان ۶۰ درصد تعیین شده که نکته مهم حذف تاثیر امتحان نهایی پایه دهم است.به طوری که این تأثیر شامل نمرات امتحانات نهایی پایه یازدهم در ۶ درس و پایه دوازدهم در تمامی دروس می‌شود.

### پشت کنکوری‌ها و چالش ارائه سوابق تحصیلی

ارائه سوابق تحصیلی برای داوطلبان پشت کنکوری، مهمترین چالش فعلی کنکور امسال است؛ به بیان دیگر داوطلبانی که قبل از سال ۱۴۰۳ فارغ‌التحصیل شده‌اند، اصلا در پایه یازدهم امتحان نهایی نداده‌اند. یعنی سوابق تحصیلی قابل ارائه‌ای برای تاثیر در کنکور امسال ندارند.

بر همین اساس رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۲۹ اسفند سال گذشته در صفحه اجتماعی خود اعلام کرد که جزئیات سیاست‌های سنجش و پذیرش دانشگاه، از جمله تأثیر معدل، عطف به‌ماسبق بودن و مفاد سوابق تحصیلی بر عهده شورای عالی آموزش‌وپرورش است و تصمیم نهایی را شورای سنجش و پذیرش دانشجو می‌گیرد.

### لغو الزام پشت کنکوری‌ها به ارائه سوابق تحصیلی پایه یازدهم

با این اوضاع مبهم و سردرگم ماجرای کنکور، بررسی گزارش‌های پراکنده نشان می‌دهد که احتمالا تصمیمات جدید درباره تأثیر سوابق تحصیلی در کنکور ۱۴۰۴ اعمال نشود؛ به طوری که به دنبال بیشتر شدن حواشی و اعتراضات، مصوبه شورای سنجش و پذیرش دانشجو درباره الزام پشت کنکوری‌ها به ارائه سوابق تحصیلی پایه یازدهم، در جلسه اضطراری اخیر این شورا که در ایام نوروز برگزار شد، لغو شد. احمد فاطمی، عضو کمیسیون آموزش مجلس این خبر را به ایرنا داد و گفت:«در پی تصمیم شورای سنجش در ۲۷ اسفند ماه، با موجی از اعتراضات گسترده دانش‌آموزانی روبه‌رو شدیم که در سال ۱۴۰۳ و قبل از آن فارغ‌التحصیل شدند و در پایه یازدهم امتحان نهایی ندادند.»

### فریب جنجال‌ها را نخورید، مصوبات شورا غیرقابل تغییر است

همچنین ابراهیم سوزنچی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در یک شبکه اجتماعی گفته بود لغو تاثیر قطعی معدل پایه یازدهم مصوب نمی‌شود. وی با تاکید بر عدم تصویب لغو تاثیر قطعی معدل پایه یازدهم، از داوطلبان و خانواده‌ها خواست فریب جنجال‌ها را نخورند و مصوبات شورا در این زمینه تا اطلاع ثانوی (حداقل ۶ ماه) غیرقابل تغییر است! همه این کش و قوس‌ها در حالی است که کمتر از یک ماه تا برگزاری نوبت اول آزمون سراسری دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی در تاریخ ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت باقی مانده و قطعا داوطلبان و خانواده‌هایی که فرزند کنکوری دارند، استرس و فشار عصبی بسیار زیادی تحمل می‌کنند.

> نکته
>
> **معدل داوطلبان کنکور ۱۴۰۴ در دوره یازدهم به صورت مثبت محاسبه می‌شود**
>
> **اولین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال جدید سه‌شنبه، ۱۹ فروردین با حضور رئیس جمهور، روسای قوا، وزیر علوم، وزیر آموزش و پرورش، وزیر بهداشت، رئیس جهاد دانشگاهی و سایر اعضای اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد. مصوبه جنجالی کنکور در دستور کار اولین جلسه شورای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال جاری قرار گرفت. اعضای این شورا مجدد درباره این مصوبه به ویژه اعمال تاثیر مثبت یا منفی معدل دوره یازدهم داوطلبان در کنکور تصمیم‌گیری کردند. در جلسه دیروز شورای عالی انقلاب فرهنگی تکلیف تاثیر معدل دوره یازدهم داوطلبان در کنکور مشخص شد و بر این اساس در کنکور ۱۴۰۴ تاثیر معدل دوره یازدهم به صورت مثبت محاسبه خواهد شد.**

### نظام آموزشی جهان به سمت حذف آزمون‌های رسمی پیش می‌رود

«تغییرات کنکور با شعار عدالت آموزشی شروع شد و قرار بر این شد که معدل ملاک کنکور قرار بگیرد که همین هم اگر درست اجرا شود و زیرساخت‌های آموزشی و سنجشی دوره دبیرستان اصلاح شود، می‌تواند کمک کند.»این توضیحات را محمدرضا نیک‌نژاد به هفت صبح می‌دهد.با این حال او معتقد است از نظر آموزشی تجربه‌های آموزش در سطح جهان به سطحی پیش می‌رود که کلا آزمون‌ها برداشته و آزمون رسمی و هماهنگ دیگر وجود نداشته باشد، مخصوصا در کشورهای اسکاندیناوی. در بسیاری از کشورها هم صرفا یک آزمون پایان دوره دبیرستان وجود دارد که همان کنکور حساب می‌شود و بر اساس نتایج آن دانش‌آموزان به دانشگاه می‌روند. نیک‌نژاد با اشاره به اینکه بسیاری از دانش‌آموزان دیگر انگیزه چندانی برای درس خواندن ندارند، ادامه می‌دهد:«ولی به هر حال آنها احساس نیاز می‌کنند برای گرفتن مدرک؛ حتی با وجود اینکه محتوای آموزشی آنطور که باید کیفیت ندارد. می‌توان گفت آموزش المان‌ها و فاکتورهایی دارد که به لحاظ پرورش فردی برای دانش‌آموز مهم است. ولی در این شرایطی که بچه‌ها دیگر به درس خواندن علاقه چندانی ندارند درگیر کردنشان به امتحان نهایی و استرس تاثیر آن بر نتیجه کنکور واقعا آزار دهنده است و مهمتر از همه بحث عدالت‌آموزشی هم در این به اصطلاح «ساماندهی» جایگاهی ندارد.

### فکر اساسی به جای تغییرات صوری

به گفته این کارشناس آموزشی، مسئله عدالت آموزشی در ایران خیلی ریشه‌ای و بنیادی است. صرف شرط معدل نمی‌تواند نتایج کنکور را عادلانه کند. چراکه خانواده‌های متمول که قبلا یک سال هزینه سنگین می‌کردند برای موفقیت فرزندش در کنکور، حالا به راحتی می‌توانند این کار را در ۳-۴ سال دبیرستان انجام دهند. نیک نژاد ادامه می‌دهد:«اما پیامدهای آموزشی برگزاری امتحان نهایی در سال‌های دبیرستان بیشتر است؛ هم از نظر روانی دانش‌آموزان را آزار می‌دهد و هم زیرساخت‌هایش وجود ندارد. سال گذشته ما برای برگزاری آزمون نهایی در سه پایه، حوزه امتحانی استاندارد نداشتیم و به مشکل برخوردیم. الان هم اینکه پایه دهم به‌واسطه فشارهای اجتماعی حذف شد؛ نشان دهنده وجود عقلانیت در فضای تصمیم گیری فعلی است و امیدوارم یازدهم را هم حذف کنند و در نهایت به جای این تغییرات صوری، یک فکر درست و حسابی برای کنکور کنند.»

---

### میراث‌نامه

## دوربین خانم کارگردان علیه میراث فرهنگی!

### سریال جدید «نرگس آبیار» به یک مسجد تاریخی آسیب زد

نوروز ۱۴۰۴ دوربین فعالان میراث فرهنگی در یکی از شبستان‌های مسجد جامع قزوین عکس شوک‌آوری را ثبت کرده است که گفته می‌شود به فیلمبرداری سریال «بامداد خمار» در این بنای ثبت ملی مربوط است.

این تصاویر نشان می‌دهد که بر بخشی از دیوار آجری یکی از شبستان‌های شمال‌شرقی مسجد عتیق، رنگ تیره پاشیده شده و رد وسایل صحنه‌سازی به‌صورت مشخص باقی مانده است. این بخش که ظاهراً در سریال نرگس آبیار برای بازسازی لوکیشن «بازار» مورد استفاده قرار گرفته، اکنون بدون پاک‌سازی حرفه‌ای رها شده است! به گفته برخی فعالان میراث فرهنگی، فیلمبرداری سریال «بامداد خمار» اوایل تابستان ۱۴۰۳ در مسجد جامع قزوین تا حدود آبان ماه ادامه داشته است. در زمان تصویربرداری، مسجد به‌طور کامل در اختیار گروه تولید این سریال قرار داشته و برای مدتی درهای آن فقط در زمان اقامه نماز، با اعمال محدودیت‌هایی، به روی نمازگزاران گشوده شده است. با وجود این، پس از خروج عوامل سریال، علاوه بر خسارت‌های به بار آمده، ظاهراً هیچ اقدام فوری برای پاک‌سازی یا مرمت آسیب‌ها صورت نگرفته است. موضوعی که واکنش و نگرانی جمعی از فعالان و دوستداران میراث فرهنگی را برانگیخته است!

### فیلمبرداری با مجوز یا بدون مجوز؟

در پی پیگیری در این باره، معاونت فرهنگی وزارت میراث فرهنگی اعلام کرد: گروه تولید این سریال بدون دریافت مجوز رسمی از معاونت فرهنگی اداره کل روابط عمومی وزارت میراث فرهنگی که متولی صدور مجوز فیلمبرداری برای تولید آثار هنری محسوب می‌شود، اقدام به فیلمبرداری در این مکان تاریخی کرده‌اند! ستاره بنیادی در این باره به جماران گفت: هیچ مجوزی برای حضور عوامل سریال در این مسجد تاریخی در وزارتخانه صادر نشده است. او افزود: در فهرستی که عوامل «سریال بامداد خمار» برای درخواست تصویربرداری از بناها ارائه کرده بودند، فقط نام بناهایی وجود داشت که از طریق صندوق احیا واگذار شده و در اختیار بخش خصوصی قرار داشتند. ما ضوابط حفاظتی را ابلاغ کردیم و بهره‌بردار مجوز تصویربرداری را تحت شرایطی به گروه اعطا می‌کند که ملزم به رعایت این پروتکل‌ها باشند.

او گفت: برای بناهایی که تحت پوشش وزارتخانه باشند، مجوز تصویربرداری از سوی وزارت داده نشده است. از طرفی پروتکل‌های لازم برای حفاظت از بناهای تاریخی به استان‌ها ابلاغ شده و اعلام گردیده که شما موظف به ابلاغ آن هستید. بهره‌بردار باید تحت شرایط مشخص، نظارت مستقیم بر عملیات تصویربرداری داشته باشد. این اظهارات در حالی مطرح شده که مسئولان استانی روایتی متفاوت‌تر از این موضوع دارند. همچنین فرزانه فتحی، مدیر روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی قزوین هم درباره فیلمبرداری این گروه هنری بدون مجوز رسمی گفت: این موضوع درست نیست، سریال از وزارتخانه و همچنین استان مجوزهای لازم را برای تصویربرداری در مسجد جامع اخذ کرده است. در واقع وزارت اجازه تصویربرداری را به استان واگذار کرده و با توجه به اینکه نهادهای مختلفی متولی مسجد جامع قزوین هستند، این موضوع از سوی هیأت امنای مسجد، اداره میراث فرهنگی و اداره اوقاف استان بررسی و مجوزهای لازم به سریال اعطا شده است.

به گفته بعضی از فعالان میراث فرهنگی، عوامل سریال «بامداد خمار» حدود چند ماه در این اثر باشکوه فیلمبرداری کرده‌اند و این در حالی است که بر اساس شواهد باقی مانده، در نبود ناظر میراث فرهنگی، این سازه کاندیدای ثبت جهانی کشور متحمل خسارت‌هایی شده است. این سهل‌انگاری در حالی صورت گرفته که نوروز امسال به دلیل اعمال سیاست‌های سختگیرانه هیأت امنا، ورود گردشگران به این بنای ارزشمند محدود شده بود!

شناسه آگهی : ۱۹۰۷۱۳۲

## آگهی مزایده عمومی

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (سهامی عام)

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در نظر دارد ۱- **دو سوله حاوی ماشین‌آلات چاپ و صحافی** و ۲- **یک عدد سوله خام** واقع در بزرگراه یاسینی تهران را به همراه تجهیزات و ماشین‌آلات چاپ به شرح ذیل را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقوقی یا حقیقی واجد شرایط اجاره دهد.
مشخصات موارد اجاره:
۱- دو سوله به مساحت مجموع ۲۶۰۰ متر مربع به همراه بخش اداری داخل سوله و تجهیزات کامل پیش از چاپ، چاپ دورنگ و چهاررنگ، صحافی ته‌چسب و مفتول
۲- یک عدد سوله خام به همراه فضای اداری داخل سوله به مساحت ۱۰۰۰ متر مربع
**مدت اجاره:** ۱ سال و قابل تمدید تا ۳ سال
**نام و نشانی مزایده‌گذار:** شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به نشانی تهران، خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، چهارراه حقانی (جهان‌کودک)، کوچه انتشارات علمی و فرهنگی (کمان)، پلاک ۲۵، طبقه سوم، واحد اداری
**نحوه و زمان دریافت اسناد:** متقاضیان می‌توانند از روز شنبه ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ تا روز شنبه ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ در ساعات اداری با مراجعه به نشانی فوق، اسناد مزایده را خریداری کنند. (خرید اسناد مزایده مورد بند ۱ با واریز مبلغ هشت میلیون‌و دویست‌و پنجاه هزار ریال با احتساب ارزش افزوده قرارداد و بند ۲ مزایده با واریز یک میلیون‌و هفتصد هزار ریال با احتساب ارزش افزوده به شماره حساب ۶۶۵۶۵۶۱۴ بانک رفاه یا شماره شبا ۹۰۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶۶۵۶۶۵۱۴ امکانپذیر خواهد بود.)
**نحوه بازدید:** متقاضیان می‌توانند پس از دریافت اسناد مزایده با در دست داشتن برگ مجوز بازدید به محل مراجعه و نسبت به رویت موضوع مزایده و تمامی لوازم و ملحقات آن اقدام نمایند. (زمان بازدید ۲۴فروردین‌ماه الی ۱ اردیبهشت‌ماه ساعت ۹ صبح الی ۱۶ خواهد بود.)
**تضمین شرکت در مزایده:** وجه تضمین شرکت در مورد بند ۱ مزایده (دو سوله حاوی ماشین‌آلات چاپ و صحافی) مبلغ ۲۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل ۲ میلیاردو دویست میلیون تومان) و وجه تضمین شرکت در بند دوم مزایده (سوله خام) ۴/۴۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (چهار صدو چهل‌و یک میلیون تومان) است که شرکت‌کنندگان هر بخش باید مبالغ مذکور را به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر با اعتبار اولیه سه‌ماه از تاریخ صدور و قابل تمدید برای یک دوره سه‌ماهه دیگر و غیرقابل انتقال، غیرقابل برگشت و غیر مشروط و با قید موضوع مزایده به نام شرکت انتشارات علمی و فرهنگی همراه با پیشنهاد بهای اجاره در پاکت دربسته و مهر و موم شده تحویل دهد.
**مهلت تحویل پیشنهادات:** پیشنهادات متقاضیان باید به صورت مهر و موم شده حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۱۰اردیبهشت‌ماه به واحد اداری واقع در طبقه سوم شرکت تسلیم گردد.
**شرایط شرکت‌کنندگان:** متقاضیان بند ۱ باید دارای تجربه و سابقه کافی در حوزه چاپ و دارای مجوز از وزارت ارشاد واتحادیه چاپ‌خانه‌داران باشند.
**تاریخ بازگشایی پاکات مزایده:** پاکات پیشنهادات در تاریخ ۱۳اردیبهشت‌ماه ساعت ۱۰ صبح با حضور نمایندگان قانونی شرکت‌کنندگان در محل دفتر مزایده‌گر (با ارائه معرفی‌نامه رسمی) بازگشایی خواهد شد.
**نحوه ارزیابی و اعلام برنده:** برابر اسناد مزایده و بر اساس بالاترین رقم اعلامی متقاضی و ارزیابی مالی شرکت‌کنندگان بررسی و اعلام می‌شود و برنده مزایده موظف است حداکثر تا پایان ساعت کاری روز ۲۰اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ نسبت به امضای قرارداد اقدام کند. حق قبول یا رد یک یا همه پیشنهادات برای شرکت انتشارات علمی و فرهنگی محفوظ است.
م الف ۱۰۸

شناسه آگهی : ۱۹۰۱۵۰۱ نوبت اول

## فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای با ارزیابی کیفی شرکت گاز استان گیلان – شماره ۰۱ /م/۱۴۰۴

شرکت گاز استان گیلان

| | |
|---|---|
| ۱-دستگاه مناقصه‌گزار: | شرکت گاز استان گیلان |
| ۲-نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: | رشت - پارک شهر - خیابان ملّت - خیابان شهید سیادتی - شرکت گاز استان گیلان |
| ۳- موضوع مناقصه: | تهیه، نصب و راه اندازی سیستم اعلام حریق ۱۳ ساختمان اداری |
| ۴-مبلغ برآورد و مدّت پیمان: | ۳۸/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال - مدت پیمان : ۱۲۰ روز |
| ۵-نوع و مبلغ تضمین: | ضمانتنامه بانکی یا واریز نقدی به شماره شبا حساب IR۶۱۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۹۲۰۶۳۷۸۷۴۶ به شناسه واریز ۹۲۲۱۱۹۲۵۲۲۹۲۶۸۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱ بانک مرکزی یا یکی از تضامین معتبر در آیین نامه شماره ت ۱۲۳۴۰۲/ ۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۹/۲۲ به مبلغ ۱/۹۰۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال |
| ۶-آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی: | ساعت ۱۹ روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۴ |
| ۷- آخرین مهلت بارگذاری پاکات پیشنهادی توسط مناقصه‌گران: | ساعت ۱۹ روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۷ |
| ۸ - آخرین زمان پس گرفتن پیشنهاد در سامانه ستاد (انصراف از مناقصه) و زمان بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی: | تا ساعت ۸ روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۸ |
| ۹- زمان بازگشایی پاکات مناقصه (الف و ب و ج): | ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ |
| ۱۰- مکان دریافت و تحویل اسناد پیمانکاران: | مناقصه در بستر سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) انجام می‌پذیرد. |
| ۱۱- شماره تماس (تلفکس): | ۰۱۳-۳۳۳۶۹۰۸۶ دفتر امور پیمان‌ها |

در این مناقصه : * دستورالعمل ارزیابی مالی و فرآیند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت اجرا می‌شود *
*دارا بودن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری در رشته "تاسیسات و تجهیزات "الزامی است *
تذکر مهم: قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.
این آگهی در سایت شرکت گاز استان گیلان به آدرس http://iets.mporg.ir قابل رویت می‌باشد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۱/۲۳
۱۴
روابط عمومی شرکت گاز استان گیلان

## آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض فاطمه احمدی بشماره شناسنامه ۶۶۳ بشماره ملی ۲۱۲۲۸۷۷۶۷۷ صادره از گرگان فرزند ولی اله ا متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۲۶۷ در ششدانگ یک قطعه زمین که دران احداث بنا شده است به مساحت ۲۰۲.۵۸ متر مربع از پلاک شماره ۷۷ -اصلی واقع در اراضی محمد آباد بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.
شناسه آگهی:۱۹۰۶۲۸۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۰۱.۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴.۰۲.۰۶
حجت الله تجری
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان
از طرف محمد فندرسکی

همراه با تحریریه هفت‌صبح اخبار و گزارش‌ها را آنلاین پیگیری کنید

7SOBH.COM

# تنیده در سایه‌های هوش مصنوعی

## نتایج یک نظرسنجی نشان می‌دهد نسل زد در جست‌وجوی تعادل میان ترس و امید است

**رامتین لطیفی** | نسل زد، جوانانی میان ۱۳ تا ۲۸ سالگی هستند که دنیای دیجیتال را نفس می‌کشند و زیست‌شان با فناوری‌های نوین عجین شده است؛ جوانانی که با هوش مصنوعی مثل دوستی پیچیده روبه‌رو شده‌اند؛ دوستی که هم هیجان‌انگیز است و هم پر از اضطراب و تردید. گزارشی که در ۸ آوریل ۲۰۱۵ توسط بنیاد خانواده والتون و مؤسسه گالوپ منتشر شد، نشان می‌دهد این نسل با وجود نگرانی‌های‌شان از هوش مصنوعی، دست از کاوش در این دنیای نو برنمی‌دارند. آنها نه‌تنها خواستار راهنمایی‌های روشن‌تر برای استفاده از این فناوری در کلاس درس و محیط کار هستند، بلکه در جست‌وجوی راهی‌اند تا با اطمینان بیشتری در این مسیر گام بردارند.

### هوش مصنوعی و برنامه درسی

براساس این نظرسنجی که با حضور حدود ۳۵۰۰ نفر از نسل زد در آمریکا انجام شد، بیش از نیمی از آن‌ها (۵۲ درصد) معتقدند که مدارس باید آموزش استفاده مؤثر از هوش مصنوعی را در برنامه‌های درسی بگنجانند، چون این ابزار می‌تواند مثل چراغی راهشان را روشن کند. با این حال، ۴۹ درصد نگرانند که وابستگی به هوش مصنوعی ممکن است تیغ تیز تفکر انتقادی‌شان را کُند کند.

### بیم و امید در دوران هوش مصنوعی

احساسات این نسل درباره هوش مصنوعی و مواجهه با این پدیده دنیای امروز مانند موج‌های دریا بالا و پایین می‌رود. مصداق این گزاره را می‌توان در نتایج این نظرسنجی به وضوح مشاهده کرد. ۸۲ درصد از شرکت‌کنندگان می‌گویند هوش مصنوعی مثل کلیدی جادویی اطلاعات را به سرعت در دسترس‌شان قرار می‌دهد، ۶۶ درصد معتقدند کارشان را تندتر می‌کند و ۵۳ درصد باور دارند یادگیری را آسان‌تر و شیرین‌تر می‌سازد. با این حال جالب است بدانید که این نظرسنجی حاکی از آن است که ۵۳ درصد از شرکت‌کنندگان با فکر کردن به هوش مصنوعی اضطراب می‌گیرند، در حالی که تنها ۳۵ درصد با شوق و هیجان به استقبال این پدیده می‌روند.

### خواسته نسل زد چیست؟

این نسل پرشور که آینده را با خوش‌بینی نقاشی می‌کند، می‌خواهد قواعد بازی با هوش مصنوعی روشن باشد. گزارش گالوپ تأکید دارد که سیاست‌های شفاف در مدارس و محیط‌های کاری می‌تواند اضطراب آنها را کم کند و پذیرش این فناوری را به جریانی هموار تبدیل کند. بدون این چارچوب‌ها، برخی دانش‌آموزان محتاط ممکن است از خیر هوش مصنوعی بگذرند، در حالی که دیگران با خیال راحت از آن سود می‌برند. این شکاف به‌ویژه در جوامع کمتر برخوردار پررنگ‌تر است، جایی که دسترسی به مدارسی با سیاست‌های مشخص درباره هوش مصنوعی کمتر است. با این حال، در شرایط کنونی و با قوانین و چارچوب‌های موجود در مورد هوش مصنوعی، تنها ۲۶ درصد از نسل زد به آینده این پدیده امیدوار و دلگرم هستند. جالب است بدانید تعداد افرادی از این نسل که از وجود این پدیده خشمگین و عصبانی هستند بیشتر است و ۲۸ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی به این بخش تعلق دارند.

### نسل زد در لانگ‌شات

داستان نسل زد و دغدغه‌هایش فقط به هوش مصنوعی ختم نمی‌شود. گزارش‌های پیشین بنیاد والتون و گالوپ که در تابستان ۲۰۲۴ منتشر شدند، پرده از چالش‌های عمیق‌تر این نسل برمی‌دارند. آنها زیر بار استرس و اضطراب کمر خم کرده‌اند، به‌ویژه دختران نوجوان که گاهی در دام کمال‌گرایی گرفتار می‌شوند. در گزارشی دیگر، با عنوان «نسل زد آینده‌ای روشن را تصور می‌کند اما احساس عدم آمادگی برای آن دارد»، آمده که ۸۰ درصد این جوانان به آینده‌شان امیدوارند، اما فقط ۵۱ درصد خود را آماده رویارویی با آن می‌بینند. به عبارت دیگر مثل پرنده‌ای هستند که بال‌هایش را برای پرواز گشوده اما هنوز مطمئن نیست باد زیر بال‌هایش خواهد وزید یا نه. نسل زد در این دنیای پرشتاب، با همه تردیدها و آرزوهایش، هوش مصنوعی را نه دشمن می‌بیند و نه ناجی؛ بلکه به آن مثل ابزاری نگاه می‌کند که اگر درست هدایت شود، می‌تواند راه‌شان را هموار کند. آن‌ها از بزرگ‌ترها و سیاست‌گذاران انتظار دارند که با چارچوب‌های روشن و حمایت‌های واقعی، به آن‌ها کمک کنند تا این ابزار قدرتمند را نه‌تنها به دست بگیرند، بلکه با اعتمادبه‌نفس به کار ببندند. گسترش این پدیده بدون چارچوب‌های روشن و قانونی، اتفاقی است که بر اضطراب نسل زد می‌افزاید.

چهره روز

**جشنواره کن اعلام کرده به رابرت دنیرو یک جایزه «نخل طلایی» افتخاری اهدا می‌کند. این جایزه در مراسم افتتاحیه که ۱۳ مه برگزار می‌شود، به بازیگر «مخمصه» (Heat) اهدا خواهد شد. دنیرو در سال ۲۰۱۱ رئیس هیأت داوران جشنواره کن بود و پیس از آن نیز با فیلم‌های «راننده تاکسی» (Taxi Driver) و «سلطان کمدی» (King of Comedy) در این رویداد حضور پیدا کرده بود. او قرار است پس از دریافت «نخل طلا» در یک مسترکلاس با جشنواره‌روها ملاقات کند. سال گذشته مریل استریپ و جرج لوکاس این جایزه افتخاری را دریافت کردند.**

ینگه دنیا

# دیوار بلند تعرفه‌ها و آرایش جنگی چین مقابل آمریکا

## تهدیدهای تجاری متقابل دو قدرت اول اقتصادی جهان به اوج خود رسیده است

**رامتین لطیفی** | جنگ تجاری میان چین و ایالات متحده با تهدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای وضع تعرفه‌های ۵۰ درصدی بر کالاهای چینی به اوج خود رسیده است. وزارت بازرگانی چین روز سه‌شنبه این تهدید را «اشتباهی بزرگ» و نشانه‌ای از «باج‌خواهی» آمریکا توصیف و با قاطعیت اعلام کرد برای دفاع از منافع ملی خود «تا پایان» مبارزه خواهد کرد. این واکنش پس از هشدار ترامپ در روز چهارشنبه بود که گفت اگر پکن تعرفه ۳۴ درصدی خود بر کالاهای آمریکایی را لغو نکند، تعرفه‌های جدید از ۱۹ فروردین اجرایی خواهد شد. این تنش از هفته گذشته آغاز شد، زمانی که چین در پاسخ به تعرفه‌های ۳۴ درصدی آمریکا بر کالاهای چینی که به ۲۰ درصد تعرفه‌های پیشین از بهمن‌ماه اضافه شده بود، دست به اقدام تلافی‌جویانه زد و تعرفه‌ای مشابه برهمه کالاهای وارداتی از آمریکا اعمال کرد. مؤسسه مورگان استنلی هشدار داده که این تعرفه‌ها، با رساندن نرخ میانگین تعرفه آمریکا بر چین به ۶۵ درصد، می‌تواند رشد اقتصادی چین را تا ۲ درصد در سال جاری کاهش دهد. گابریل ویلداو، مدیر شرکت مشاوره تنئو، معتقد است گسترش دامنه تعرفه‌ها نشان‌دهنده ناامیدی فزاینده پکن از رسیدن به توافق تجاری با واشنگتن است. ترامپ که کسری تجاری ۱.۷ تریلیون دلاری آمریکا با چین را «غیرقابل تحمل» می‌داند، در شبکه اجتماعی خود نوشت: «تا زمانی که چین این کسری عظیم را حل نکند، هیچ گفت‌وگویی در کار نخواهد بود.» او حتی همه مذاکرات با مقامات چینی درباره دیدارهای درخواستی آنها را لغو کرد. در مقابل، چین با کاهش ارزش یوان به ۷.۲ در برابر دلار، پایین‌ترین سطح از شهریور ۱۴۰۲، هشداری زیرکانه به واشنگتن فرستاد. لینگ جی، معاون وزیر بازرگانی چین، در دیدار با نمایندگان شرکت‌های آمریکایی مانند تسلا اطمینان داد که پکن همچنان محیطی امن برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم خواهد کرد اما لین جیان، سخنگوی وزارت امور خارجه، تأکید کرد: «ما در برابر باج‌خواهی کوتاه نمی‌آییم.» این جنگ تعرفه‌ای بازارهای جهانی را به شدت آشوب‌زده کرده است. شاخص‌های بورس آلمان و لندن روز دوشنبه ۵ تا ۷ درصد سقوط کردند، در حالی که شاخص نیکی ژاپن ۶.۵ درصد و شاخص هنگ‌سنگ هنگ‌کنگ ۱۲ درصد کاهش یافتند. این تلاطم‌ها نگرانی از رکود جهانی را شدت بخشیده است. ژاپن و کره جنوبی اعلام کرده‌اند که برای گفت‌وگو درباره تعرفه‌ها با آمریکا وارد مذاکره خواهند شد و اتحادیه اروپا نیز در حال بررسی اقدامات متقابل است. حتی گزارش‌هایی از اختلاف میان ترامپ و ایلان ماسک که خواستار لغو تعرفه‌ها بوده اما به نتیجه نرسیده، منتشر شده است. در واکنشی تند و بی‌سابقه به سیاست‌های تعرفه‌ای دولت دونالد ترامپ، چین نیز اعلام کرد که از ۱۰ آوریل، بر تمام کالاهای وارداتی از آمریکا، تعرفه‌ای ۳۴ درصدی اعمال خواهد کرد؛ رقمی که دقیقا با نرخ تعرفه‌های تازه واشینگتن بر صادرات چین مطابقت دارد. وزارت بازرگانی چین با انتشار بیانیه‌ای این اقدام را «پاسخی قاطع به اقدامات مخرب آمریکا» خوانده و تأکید کرده که تعرفه‌های متقابل واشینگتن، «نقض صریح قوانین سازمان تجارت جهانی» است. پکن همچنین اعلام کرده این پرونده را به‌طور رسمی به سازمان تجارت جهانی ارجاع داده است. در کنار تعرفه‌ها، پکن محدودیت‌های جدیدی را بر صادرات عناصر کمیاب زمین اعمال کرده است؛ موادی حیاتی برای تولید تراشه‌های الکترونیکی، خودروهای برقی و تجهیزات دفاعی. ساماریوم، گادولینیوم، اسکاندیوم و دیسپروزیم از جمله عناصری هستند که اکنون صادرات آن‌ها به ایالات متحده با محدودیت‌های شدید مواجه شده‌اند. دولت چین همچنین واردات گوشت مرغ از چند شرکت آمریکایی را به دلیل کشف ماده ممنوعه «فورازولیدون» تعلیق کرده و ۲۷ شرکت آمریکایی دیگر را به فهرست نهادهای مشمول تحریم و کنترل صادرات افزوده است. در میان این شرکت‌ها، نام‌هایی چون «های پوینت» و «یونیورسال لجستیک هلدینگ» به چشم می‌خورد. حزب کمونیست چین نیز در بیانیه‌ای رسمی، سیاست‌های اقتصادی دولت آمریکا را «زورگویانه» توصیف کرده و نسبت به تضعیف نظم تجاری جهانی هشدار داده است. به گفته پکن، ایالات متحده با ابزار تعرفه، نه‌تنها رقابت منصفانه را تهدید می‌کند، بلکه اعتبار خود را در نظام چندجانبه اقتصاد جهانی نیز به خطر انداخته است. البته تیانچن شو، اقتصاددان واحد اطلاعات اکونومیست، می‌گوید: «تشدید تنش‌ها در کوتاه‌مدت اجتناب‌ناپذیر است اما فشارهای اقتصادی ممکن است دو طرف را به میز مذاکره بازگرداند.» با این حال، دیوار تعرفه‌ها میان واشنگتن و پکن هر روز بلندتر می‌شود و اقتصاد جهانی زیر سایه یک جنگ تجاری تمام‌عیار به لرزه درآمده است.

عکس روز

# روز جهانی بهداشت؛ مرگ یک زن باردار در هر دو دقیقه

در هر دو دقیقه یک زن بر اثر مشکلات مرتبط با بارداری جانش را از دست می‌دهد. این آماری است که سازمان جهانی بهداشت به مناسبت ۷ آوریل روز جهانی سلامت و بهداشت، منتشر کرده است. این در حالی است که کشورهای ثروتمندی مثل آمریکا که کمک‌های مالی‌شان برای نهادهای سازمان ملل بسیار تعیین کننده است از زمان آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ این کمک‌ها را به حالت تعلیق درآورده‌اند. تدروس آدهانوم قبریسوس، دبیرکل سازمان جهانی بهداشت می‌گوید، قطع کمک‌های مالی آمریکا و کم شدن کمک‌های سایر کشورها به این سازمان تمامی پیشرفت‌هایی که در زمینه مبارزه با مرگ و میر زنان هنگام بارداری و زایمان به دست آمده بود را از بین برده است. او تاکید کرده که کشورها باید همچنان برای زنده ماندن زنان هنگام زایمان سرمایه‌گذاری کنند. به گفته دبیرکل سازمان جهانی بهداشت، کاهش بودجه دولت‌ها در این زمینه کشورها را به این سمت سوق می‌دهد که خدمات حیاتی برای سلامت مادران، نوزادان و کودکان را کاهش دهند. همچنین باعث تعطیلی نهادها و کاهش پرسنل بهداشت و درمان می‌شود و همزمان چرخه تامین اقلام ضروری برای پیشگیری و نیز کمک‌های حیاتی و دارو را مختل می‌کند. مرگ و میر زنان هنگام بارداری و زایمان اغلب به دلایلی چون خونریزی شدید، تغییرات در فشار خون و عفونت رخ می‌دهد. سازمان جهانی بهداشت در بیانیه‌ای که به مناسبت روز جهانی سلامت و بهداشت منتشر کرده، آمار مرگ و میر زنان در این مسئله را «غیرقابل قبول» دانسته و تاکید کرده که «اغلب موارد مرگ و میر قابل پیشگیری هستند.»

### خطر بالا در کشورهای فقیر و جنگ‌زده

بنا بر آمار سازمان جهانی بهداشت، خطر مرگ و میر مادران در دوران بارداری و هنگام زایمان به طور خاص در آفریقا و کشورهای فقیر بسیار بالاست. برای مثال نیجریه در این مورد بدترین وضعیت را دارد و می‌توان گفت، در هیچ کشوری به اندازه نیجریه آمار مرگ و میر مادران بالا نیست. در این کشور آفریقایی بنا بر آمار سازمان جهانی بهداشت، تنها در سال ۲۰۲۳، ۷۵ هزار زن هنگام زایمان یا در زمان بارداری و به علت مشکلات ناشی از بارداری جان‌شان را از دست دادند. پس از نیجریه سه کشور هند، جمهوری دموکراتیک کنگو و پاکستان بالاترین آمار مرگ و میر مادران را دارند. نیمی از مرگ و میر مادران هنگام زایمان و بارداری در سراسر جهان در این چهار کشور رخ می‌دهد.

اروپا در سراسر جهان پایین‌ترین میزان مرگ و میر مادران را دارد و در سال ۲۰۲۳، ۴۵۰ زن در این قاره جان‌شان را در ارتباط با حاملگی و زایمان از دست دادند. گزارش سازمان جهانی بهداشت تصریح می‌کند که وضعیت مرگ و میر مادران در مناطق جنگ‌زده و هنگام درگیری بسیار وخیم‌تر از سایر نقاط است. در این مناطق علاوه برخطراتی که زنان باردار را تهدید می‌کند، کمبود و نبود امکانات بهداشتی و درمانی و کمک‌رسانی نیز خطر مضاعفی برای زنان باردار است.

### هدف برای سال ۲۰۳۰

سازمان جهانی بهداشت می‌گوید، با توجه به پیشرفت‌های کنونی در زمینه جلوگیری از مرگ و میر مادران، هدف این نهاد این است که تا سال ۲۰۳۰ میزان مرگ و میر مادران را در سراسر جهان به رقم ۷۰ مورد در هر ۱۰۰ هزار تولد برساند. این نهاد بین‌المللی خواهان آن شده تا مادران هرچه بیشتر درباره خطرات سلامتی در دوران بارداری آموزش داده شوند و دسترسی به مراقبت‌های دارویی و درمانی آسان‌تر شده و پرسنل درمانی نیز در این زمینه کوتاهی نکنند. روز هفتم آوریل سالروز تاسیس سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۴۸ است و به همین دلیل این روز، روز سلامت و بهداشت نامگذاری شده و به‌خصوص درباره سلامت مادران و نوزادان اطلاع‌رسانی می‌شود. (دویچه وله)

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

یلوزون

## خاطره آنا د آرماس در اولین مواجهه‌اش با کیانو ریوز

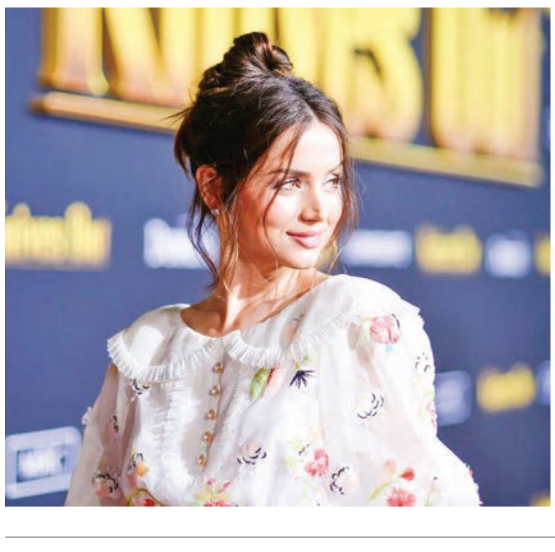

**آنا د آرماس، ستاره هالیوود، هفته گذشته در رویداد «سینماکان» برای معرفی فیلم «بالرین»، یا همان اسپین آف «جان ویک» با بازی کیانو ریوز، حضور یافت و خاطره‌ای خنده‌دار از اولین دیدارش با این بازیگر سرشناس تعریف کرد که توجه همگان را جلب کرد. ۱۰ سال پیش، وقتی آنا تازه به لس آنجلس آمده بود و به سختی انگلیسی صحبت می‌کرد، در سانتیاگو شیلی برای فیلم «تق تق» با ریوز ملاقات کرد. او می‌گوید: «روبه‌روی کیانو نشسته بودم و نه تنها چیزی از حرف‌های ریوز متوجه نمی‌شدم بلکه خودم هم از اضطراب نمی‌توانستم حرف بزنم. وقتی درباره «ماتریکس» حرف زد و پرسید آیا آن را دیده‌ام، با صداقت گفتم: نه! ندیدم. همه شوکه شدند تا اینکه یکی به اسپانیایی گفت: «چی؟ «لا ماتریکس» را ندیدی؟» آنجا بود که فهمیدم گاف داده‌ام و به دروغ گفتم آن را دیده‌ام. هنوز هم از یادآوری آن لحظه خجالت می‌کشم.» در آن دیدار، کیانو با هیجان از صحنه‌های اکشن «ماتریکس» گفت و آنا را مجذوب خود کرد. حالا پس از یک دهه، آنا در «بالرین» دوباره با ریوز همکاری کرده و در «سینماکان» جایزه «ستاره اکشن سال» را دریافت کرد.**

کیوسک

**یواس‌ای تودی، تیتر یک خود را به ایستادگی ترامپ برسر جنگ تعرفه‌ها و عدم توجه او به سقوط بازارها اختصاص داد.**

**ایندیپندنت، تیتر یک خود را به ترس از ورود به رکود اقتصادی در پی اعمال تعرفه‌ها از سوی ترامپ و سقوط بازار سهام اختصاص داد.**

برای رسیدن به رؤیا، باید بی‌رحم بود

# بلولاک؛ انیمه‌ای که اخلاق ورزشی را بازتعریف می‌کند

## روایتی از یک انیمه متفاوت که نگاه‌مان به فوتبال را زیر و رو می‌کند

**گروه ورزش | در دنیایی که فوتبال را بیشتر با واژه‌هایی مثل «کار تیمی»، «همدلی» و «روح ورزش» می‌شناسیم، انیمه‌ای سر و کله‌اش پیدا شده که آمده تا همه این تصورات را به چالش بکشد. «بلو لاک» –یا همان قفل آبی– فقط یک انیمه فوتبالی نیست. این سریال ژاپنی، بیشتر شبیه تلفیقی از «بازی مرکب» و «شائولین ساکر» است تا آنچه از فوتبال کلاسیک انتظار داریم. مانگا و انیمه «بلو لاک» را می‌توان یکی از شاخص‌ترین و تاثیرگذارترین آثار ورزشی حال حاضر جهان دانست؛ اثری از مونیوکی کانشیرو که با روایت منحصربه‌فرد، شخصیت‌های پرکشش و فضایی پُرهیجان، موفق شده میلیون‌ها مخاطب را شیفته خود کند و شور و شوق تازه‌ای به محبوب‌ترین ورزش دنیا، یعنی فوتبال ببخشد. قهرمان داستان، یوئیچی ایساکی، نوجوانی است با چشمانی براق و عطشی بی‌پایان برای گلزنی اما در بلو لاک، او تنها یک شخصیت نیست؛ آینه‌ای است برای نشان دادن جنگی که درون هر مهاجم وجود دارد: جنگ برای دیده شدن، برای گل زدن و برای اثبات اینکه من بهتر از بقیه‌ام!**

فصل اول انیمه Blue Lock در ۲۴ قسمت تولید شده که در بین سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ پخش شد. فصل دوم آن نیز در مهرماه ۱۴۰۳ منتشر شده است و خبرهای داغی از ساخت فصل سوم آن شنیده می‌شود.

### بلو لاک از کجا شروع شد؟

همه‌چیز از یک سؤال ساده آغاز می‌شود: چرا تیم ملی ژاپن هنوز مهاجمی در حد و اندازه «ابرستاره» ندارد؟ بعد از ناکامی دوباره ژاپن در جام‌جهانی، اتحادیه فوتبال این کشور تصمیمی انقلابی می‌گیرد. آنها مربی عجیبی به نام جینپاچی اگو را استخدام می‌کنند که نظریه‌ای متفاوت دارد: برای موفقیت، فوتبال ژاپن باید از تیم‌گرایی افراطی عبور کند و روی فردیت تمرکز کند. اگو پروژه‌ای با نام «بلو لاک» را راه‌اندازی می‌کند؛ جایی که ۳۰۰ مهاجم دبیرستانی از سراسر کشور انتخاب شده‌اند تا در یک اردوگاه ایزوله، برای رسیدن به عنوان بهترین مهاجم ژاپن با یکدیگر بجنگند. نه، خبری از تمرین‌های گروهی یا شعارهای انگیزشی نیست. اینجا قانون ساده است: یا می‌بری و جلو می‌روی، یا برای همیشه از تیم ملی حذف می‌شوی.

### چرا اینقدر متفاوت است؟

در نگاه اول، ایده بلو لاک شاید غیرواقعی و حتی بی‌رحمانه به‌نظر برسد اما وقتی به تاریخ فوتبال نگاه می‌کنیم، می‌بینیم این ایده چندان هم بی‌اساس نیست. چند بازیکن را می‌شناسید که یک‌تنه سرنوشت بازی را عوض کرده‌اند؟ مسی، رونالدو، زلاتان، رونالدینیو؛ همگی مهاجمانی با اعتمادبه‌نفس بالا و عطشی سیری‌ناپذیر برای گل. بلو لاک، با اغراق در همین اصل، نشان می‌دهد که گاهی برای رسیدن به قله، باید خودخواه بود! اما تفاوت بلو لاک با دیگر انیمه‌های فوتبالی در چیست؟ جواب ساده است: روایت، سبک بصری و فضای داستان. در این انیمه، فوتبال غیر از آنکه یک ورزش است، میدان نبردی روانی و احساسی‌ست. چشمان آبی درخشان شخصیت‌ها، ضربات آتشین و حرکاتی برق‌آسا که حریفان را میخکوب می‌کند، همه به فضایی فانتزی و جذاب منجر شده که مخاطب را لحظه‌ای رها نمی‌کند.

### یک ضدقهرمان ورزشی؟

برخلاف انیمه‌های ورزشی کلاسیک که روی رشد گروهی و اخلاق‌مداری تمرکز دارند، بلو لاک بیشتر به مسیر تبدیل شدن یک شخصیت به «ضدقهرمان» می‌پردازد. ایساکی، قهرمان داستان، آرام‌آرام یاد می‌گیرد که گاهی باید بی‌رحم باشد. اینکه برای رسیدن به رؤیای خودش، شاید لازم باشد رؤیای دیگران را نابود کند. IGN در نقدی نوشته: «بلو لاک یکی از متفاوت‌ترین انیمه‌های ورزشی سال‌های اخیر است؛ ترکیبی از اکشن، روانشناسی و هیجان ناب که با هر قسمت، مخاطب را بیشتر درگیر می‌کند.» گاردین نیز آن را «جشن دیوانه‌وار گلزنی» توصیف کرده که موفق شده پیام خود را با صراحت و جسارت منتقل کند: برای ستاره شدن، باید عطش داشت. عطشی که از دل خودخواهی می‌آید.

### تأثیر در دنیای واقعی؛ وقتی مرز میان انیمه و فوتبال محو می‌شود

بلو لاک تنها در قاب تصویر نمی‌ماند؛ تأثیر آن را می‌توان در شور و شوق تازه‌ای دید که میان نسل جوان علاقه‌مند به فوتبال ایجاد کرده. پس از پخش این انیمه، آکادمی‌های فوتبال در ژاپن و حتی کشورهای دیگر با موجی از نوجوانانی روبه‌رو شده‌اند که با انگیزه‌ای متفاوت تمرین می‌کنند؛ انگیزه‌ای که از روحیه رقابتی و نگاه فردگرایانه این سریال الهام گرفته‌اند. در فضای مجازی، چالش‌ها و محتواهای مرتبط با بلو لاک ترند شده و بسیاری از بازیکنان حرفه‌ای نیز مانند زیکو به تحسین آن پرداخته‌اند. برخی معتقدند این انیمه توانسته فوتبال را دوباره برای نسل دیجیتال جذاب کند؛ نسلی که شاید دیگر با مدل‌های کلاسیک ورزش چندان ارتباط برقرار نمی‌کرد. بلو لاک، به‌نوعی پلی است بین دنیای سرگرمی و دنیای ورزش واقعی و این شاید بزرگ‌ترین دستاورد آن باشد: ساختن نسلی که فوتبال را یک بازی صرف نمی‌داند و آن را صحنه‌ای برای اثبات «خود» می‌بینند. این تأثیرگذاری حتی به همکاری‌های بین‌المللی نیز گسترش یافته است. در نوامبر ۲۰۲۴، بلو لاک با باشگاه فوتبال لیورپول همکاری کرد و شخصیت‌های محبوب این انیمه مانند ایساکی یوئیچی، کونگامی رنسوکه، ناگی سی‌شیرو، چیگیری هیئوما و باچیرای مگورو با پوشیدن لباس‌های معروف لیورپول، به تصویر کشیده شدند. این همکاری نشان‌دهنده اشتراک در روحیه جاه‌طلبی و تیم‌ورک بین بلو لاک و لیورپول بود و مرزهای بین دنیای انیمه و فوتبال واقعی را کمرنگ‌تر کرد و گمانه‌زنی‌ها بر این است که باشگاه لیورپول در ساخت فصل سوم این انیمه همکاری دارد.

سوژه روز

## چرا باید بلو لاک را تماشا کنیم؟

اگر از عاشقان فوتبال هستید، بلو لاک برای‌تان فرصتی است تا فوتبال را از زاویه‌ای متفاوت ببینید و اگر از علاقه‌مندان انیمه هستید، با داستانی روبه‌رو خواهید شد که ضرب‌آهنگ بالا، شخصیت‌پردازی قوی و صحنه‌هایی پر از هیجان دارد. بلو لاک بیش از آنکه درباره فوتبال باشد، درباره انسان‌هایی است که در پی رؤیاهای‌شان دست به هر کاری می‌زنند. درباره مرز باریکی است که بین بلندپروازی و خودخواهی وجود دارد. درباره اینکه گاهی برای گل‌زدن، باید از همه عبور کرد، حتی از خودت. در نهایت، همانطور که جینپاچی اگو می‌گوید: «فوتبال یعنی گل‌زدن» و بلو لاک، تفسیر شاعرانه اما بی‌رحم همین جمله است.

گزارش

جدال با فولاد یک «کلاسیک» لیگ‌برتری

# داستان استقلال و فرار از فاجعه

**بازی استقلال و فولاد بعد از ۲۴ دوره از رقابت‌های لیگ‌برتر تبدیل به یک بازی کلاسیک شده است. جدالی که دو تیم در هر شرایطی باشند، حساس و هیجان‌انگیز از آب در می‌آید. برای درک اهمیت حساسیت این بازی بد نیست بدانیم فولاد ششمین حریف استقلال از نظر جدال‌های رودررو است. یعنی بعد از پرسپولیس که رقیب همیشگی و تاریخی است تیم‌های سپاهان، ذوب‌آهن، سایپا و ملوان انزلی جدال‌های مستقیم بیشتری نسبت به فولاد با آبی‌های تهران داشته‌اند. پس می‌توان این جدال همیشه حساس را مسابقه‌ای از عمق تاریخ لیگ‌برتر به حساب آورد؛ جدالی تاریخی که در میان آن‌ها بازی‌های خاطره‌انگیز و جذاب کم نبوده است. استقلال در ۴۵ جدال رودررو با فولاد، ۲۱ بار برنده شده، ۱۲ بار شکست خورده و ۱۲ بار بازی دو تیم با نتیجه مساوی به پایان رسیده است. ۶۶ گل زده و ۳۹ گل خورده نیز حاصل تقابل‌های استقلال با سرخ و زردهای اهواز است. ۱۰۵ گل در ۴۵ مسابقه یعنی میانگین ۲.۳۳ گل در هر مسابقه که نشان از جذابیت این جدال حالا تاریخی! دارد.**

### فرار از روزهای تلخ

اما شاید یکی از معدود دفعاتی باشد که در زمان جدال دو تیم، استقلال در رده‌ای این‌چنین پایین‌تر از فولاد قرار دارد. آبی‌ها در اینجای فصل تلخ و غم‌انگیز با ۲۸ امتیاز در رده دوازدهم قرار دارد. اتفاقی عجیب برای تیمی پرافتخار و پرهوادار که برای موفقیت -دست‌کم از نظر مالی- کم هزینه نکرده است. اما تغییر پیاپی روی نیمکت و ضعف‌های مدیریتی باعث شده که آن‌ها به عنوان یکی از پرافتخارترین تیم‌های لیگ‌برتر روی کاغذ شانس سقوط داشته باشند. استقلال در ۵ بازی آخر خود فقط یک برد کسب کرده و دو باخت و دو مساوی به‌دست آورده است. نتیجه‌ای ضعیف که اگر آنها همین میانگین امتیازی را در ادامه به‌دست بیاورند احتمال فاجعه هم وجود دارد. از این‌رو پیروزی برابر فولاد می‌تواند آنها را از این مهلکه سخت بیرون ببرد.

### زبان سرخ یحیی

فولاد اما همانطور که انتظار می‌رفت با حضور یحیی گل‌محمدی تبدیل به تیمی مدعی شد هرچند یک مصاحبه عجیب از او که در نوروز پخش شد عملا هم فولاد و هم پرسپولیس را دست‌کم برای یک بازی به حاشیه برد. حرف‌های او درباره جادوگری در زمان حضورش در پرسپولیس آنقدر حاشیه‌ساز بود که عملا فولاد در دو هفته پیاپی نتوانست رنگ برد را ببیند. با این‌حال یحیی با ۲۸ جدال مستقیم با استقلال و سال‌ها حضور روی نیمکت پرسپولیس تجربه بالا و آشنایی لازم با جو موجود را دارد و همین بازی استقلال و فولاد را جذاب‌تر هم می‌کند. برد فولاد در این بازی این تیم را به یک‌قدمی پرسپولیس می‌رساند.

اخبار

درخواست تجدید نظر شاکی

# پرونده تجاوز آلوز هنوز روی میز

مدعی‌العموم و شاکی پرونده دانی آلوز تصمیم به تجدید نظرخواهی دارند. دوشنبه گذشته، زن جوانی که فوتبالیست سابق بارسلونا و تیم ملی برزیل، دانی آلوز، به تجاوز به او متهم شده بود، اعلام کرد علیه رأی دادگاه مبنی بر تبرئه این بازیکن، تقاضای تجدیدنظر خواهد کرد. دادگاه تجدید نظر بارسلونا در ۲۸ مارس گذشته، دانی آلوز را که در دادگاه بدوی به چهار سال و نیم حبس به اتهام تجاوز محکوم شده بود، تبرئه و ادعا کرد که شاکی «فاقد اعتبار» است. دادگاه استیناف، حکم محکومیت این مدافع سابق را به دلیل «نقص‌ها، نادرستی‌ها و تناقض‌های موجود در شرح وقایع، ارزیابی حقوقی و پیامدهای آن و همچنین ناکافی بودن مدارک ارائه‌شده» لغو کرد. این تصمیم با انتقادات شدید انجمن‌های زنان و برخی اعضای دولت چپ‌گرای نخست‌وزیر پدرو سانچز مواجه شد. روز دوشنبه گذشته، صدها نفر در بارسلونا علیه رأی دادگاه تظاهرات کردند. ماریا خسوس مونترو، معاون نخست‌وزیر اسپانیا، نیز اخیراً گفت که «شرم‌آور» است که شهادت یک قربانی تجاوز «هنوز مورد تردید قرار می‌گیرد» و اینکه «فرض برائت بر شهادت زنان جوان و شجاع اولویت دارد.» او سه‌شنبه گذشته با عذرخواهی گفت قصد «زیر سؤال بردن فرض برائت» را نداشته اما تأکید کرد به نظر او رأی دادگاه تجدید نظر مبنی بر تبرئه آلوز «یک گام به عقب» است.

### مبارزه با خشونت جنسی

**پدرو سانچز مبارزه با خشونت جنسی را در اولویت قرار داده است. دولت او در سال ۲۰۲۲ قانون جزا را اصلاح کرد تا هر رابطه جنسی بدون رضایت را تجاوز محسوب کند. این اصلاحیه پس از تجاوز گروهی به یک دختر ۱۸ ساله در جشنواره سن فرمین در پامپلونا تصویب شد. آلوز که متهم به تجاوز به این زن در شب ۳۰ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۲ در یک باشگاه شبانه در بارسلونا بود، در آن زمان برای تیم مکزیکی پوماس بازی می‌کرد. این باشگاه پس از رسوایی به وجود آمده، قراردادش را فسخ کرد. او پیش از صدور حکم تبرئه، با وثیقه یک میلیون یورویی و به صورت مشروط آزاد شده و ۱۴ ماه را در زندان گذرانده بود. جمع‌آوری این مبلغ برای این بازیکن سابق بارسلونا، یوونتوس و پاری سن‌ژرمن پنج روز طول کشید.**

### انکار و اعتراف آلوز

**آلوز که از یک خانواده فقیر در باهیای برزیل می‌آید، ابتدا در یک مصاحبه تلویزیونی هرگونه آشنایی با این زن را انکار کرد اما بعداً اعتراف کرد که با او رابطه جنسی داشته که به گفته او با رضایت طرفین بوده است. او در ژوئن ۲۰۲۳ به روزنامه «لاوانگاردیا» گفت به دلیل ترس از ترک همسرش مجبور به گفتن دروغ شده است.**

گوشه و کنار مستطیل سبز

صید بزرگ فوتبال عربستان؛

## رونالدوی جدید، گزینه الهلال

نام ویکتور گیوکرِس، مهاجم تیم اسپورتینگ لیسبون، به‌عنوان گزینه‌ای فوق‌العاده برای تقویت خط حمله الهلال در تابستان آینده مطرح شده است. این مهاجم سوئدی که برخی او را «رونالدوی جدید» می‌نامند، همچنان توجه‌ها را در داخل و خارج از پرتغال به خود جلب می‌کند و به نظر می‌رسد گزینه‌ای ایده‌آل برای این باشگاه متمول سعودی باشد. در آخرین بازی در لیگ پرتغال، گیوکرِس یک بار دیگر ثابت کرد که یکی از مرگبارترین مهاجمان اروپا در این فصل است؛ وقتی با یک ضربه آزاد تماشایی در دقیقه ۱۵ گل اول تیمش را به ثمر رساند. با این گل، او آمار خود را به ۴۴ گل در ۴۴ بازی در تمام رقابت‌ها رساند. علاوه بر این او ۱۱ پاس گل هم داده است. عملکرد درخشان فردی گیوکرِس باعث شده تا باشگاه‌های بزرگی مانند منچستریونایتد، بایرن‌مونیخ و آرسنال به او علاقه‌مند شوند اما الهلال نیز با قدرت وارد رقابت شده است. به نظر می‌رسد انتقال ویکتور گیوکرِس یکی از آماده‌ترین گزینه‌های پیش‌روی مدیریت الهلال باشد. او متولد ۱۹۹۸ است و ۲۶ سال دارد؛ یعنی در اوج توان بدنی و فنی خود قرار دارد.

پیام زیباترین بازیکن فوتبال جهان از ساحل دوبی

## من را نادیده نگیرید

زیباترین بازیکن زن دنیا مهارت‌های خود را در ساحل دوبی به نمایش گذاشت. آلیشیا له‌من که به‌عنوان جذاب‌ترین بازیکن زن فوتبال جهان شناخته می‌شود، در یک ویدئوی جدید در حال انجام تمرینات صبحگاهی و نمایش مهارت‌های فوتبالی زیر نور آفتاب در یکی از سواحل دوبی ظاهر شد و بار دیگر در شبکه‌های اجتماعی مورد تحسین مخاطبان قرار گرفت.
این بازیکن ۲۶ ساله سوئیسی در حالی که روی شن‌های ساحل با توپ کار می‌کرد و تمرینات آمادگی جسمانی انجام می‌داد، دیده شد که نشان‌دهنده آماده‌سازی تدریجی او پس از دوری از میادین بود. له‌من در حساب اینستاگرام خود که بیش از ۱۶.۵ میلیون دنبال‌کننده دارد، این ویدئو را با عنوان ساده «تمرین صبحگاهی در دوبی» منتشر کرد که با موجی از تحسین و ابراز علاقه هواداران مواجه شد.
اگرچه این ویدئو حالت سرگرم‌کننده داشت اما ظاهر شدن آلیشیا له‌من در شرایطی با آمادگی جسمانی مطلوب، به نظر می‌رسد پیامی غیرمستقیم به سرمربی تیم ملی سوئیس باشد که او را به دلیل مصدومیت از اردوی اخیر تیم ملی کنار گذاشته بود.
بر اساس گزارش دیلی‌میل، نمایش له‌من در ساحل دوبی شبیه یادآوری به کادر فنی تیم ملی بود با این مضمون: «مرا برای یورو ۲۰۲۵ زنان نادیده نگیرید!» این بازیکن که سابقه بازی در آستون ویلا، وستهام و اورتون در لیگ‌برتر انگلستان را دارد، به دنبال بازگشت به ترکیب تیم ملی سوئیس برای مسابقات یورو ۲۰۲۵ زنان است که تابستان آینده در خود سوئیس برگزار خواهد شد. در کنار غیبت از میادین فوتبال، له‌من فعالیت‌های رسانه‌ای و تجاری خود را ادامه داده است. له‌من تابستان گذشته به یوونتوس پیوست اما در این فصل تنها ۷۰۲ دقیقه بازی کرده و ۲ گل به ثمر رسانده است. از سوی دیگر، داگلاس لوئیز، همسر او نیز در تیم مردان یوونتوس با مصدومیت دست‌وپنجه نرم می‌کند که چالش‌های این زوج ورزشی را دوچندان کرده است.

## حمله تند سرمربی استقلال به فوتبال اروپا

سرمربی استقلال در کنفرانس خبری پیش از مسابقه این تیم برابر فولاد خوزستان حرف‌های تندی را علیه یوفا ابراز کرد. میودراگ بوژوویچ سرمربی ۵۶ ساله استقلال در گفت‌وگویی که با یکی از سایت‌های کشورش انجام داده، با انتقاد از عملکرد کنفدراسیون فوتبال اروپا، یوفا گفت: «یوفا قطعا یک سازمان سیاسی است. آنها قبلا از حضور یوگسلاوی در مسابقات قهرمانی اروپا جلوگیری کردند.
باید ثابت شود که یوفا مافیایی است و سیاست را دنبال می‌کند. یوفا فقط با کلمات می‌گوید که در ورزش جایی برای سیاست نیست.» این حرف‌های سرمربی مونته‌نگرویی استقلال به کنار گذاشتن فوتبال روسیه از تمامی مسابقات رسمی یوفا اشاره دارد. سرمربی استقلال البته این‌روزها شرایط دشواری را سپری می‌کند و از زمان حضورش در این تیم نتوانسته موفق به کسب برد شود. او باید تیمش را پنجشنبه در یک دیدار سخت به مصاف فولاد خوزستان بفرستد و در صورت عدم نتیجه‌گیری شرایطش به مراتب دشوارتر خواهد شد.

## بیانیه فدراسیون بسکتبال درباره ویدئوی جنجالی

بعد از انتشار یک ویدئو در فضای مجازی بعد از قهرمانی تیم بسکتبال زنان سحر، حواشی زیادی پیرامون آن شکل گرفت و حتی اخباری در ارتباط با مسدود شدن صفحه اینستاگرام تعدادی از بازیکنان تیم بسکتبال زنان سحر منتشر شد. در همین ارتباط روز سه‌شنبه جواد داوری رئیس فدراسیون بسکتبال بیانیه‌ای منتشر کرد که خلاصه‌ای از آن را در زیر می‌خوانید:
«در پی جنجال‌های رسانه‌ای خلق شده توسط رسانه‌های معاند که هدفی جز از بین بردن آرامش ایران عزیز را ندارند، فضایی به وجود آمد که با نگاه پدرانه مدیران دولت و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و همینطور برخورد مسئولانه نیروی محترم انتظامی ختم به خیر شد تا دختران نجیب این سرزمین همچنان در خدمت ورزش و الگویی برای ایجاد انگیزه در میان بانوان این جامعه باشند.
فرصت را غنیمت می‌شمارم و از همه مدیران دلسوز کشور از جمله جناب آقای دکتر محمدرضا عارف معاون محترم رئیس‌جمهور، سردار رادان فرمانده محترم نیروی انتظامی کشور و مدیران این مجموعه و همه عزیزانی که در مرتفع نمودن این موضوع کمک نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم.»

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا
دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن: ۸۸۴۳۱۹۸۸ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
اذان صبح: ۰۴:۱۲ | طلوع آفتاب: ۰۵:۳۹ | اذان ظهر: ۱۲:۰۵ | غروب آفتاب: ۱۸:۳۲ | اذان مغرب: ۱۸:۵۰

# برادران هیولا

## منندزها، قاتلان مشهور بورلی هیلز که ۳۰ سال پیش پدر و مادرشان را به رگبار بستند در جست‌وجوی آزادی مشروط

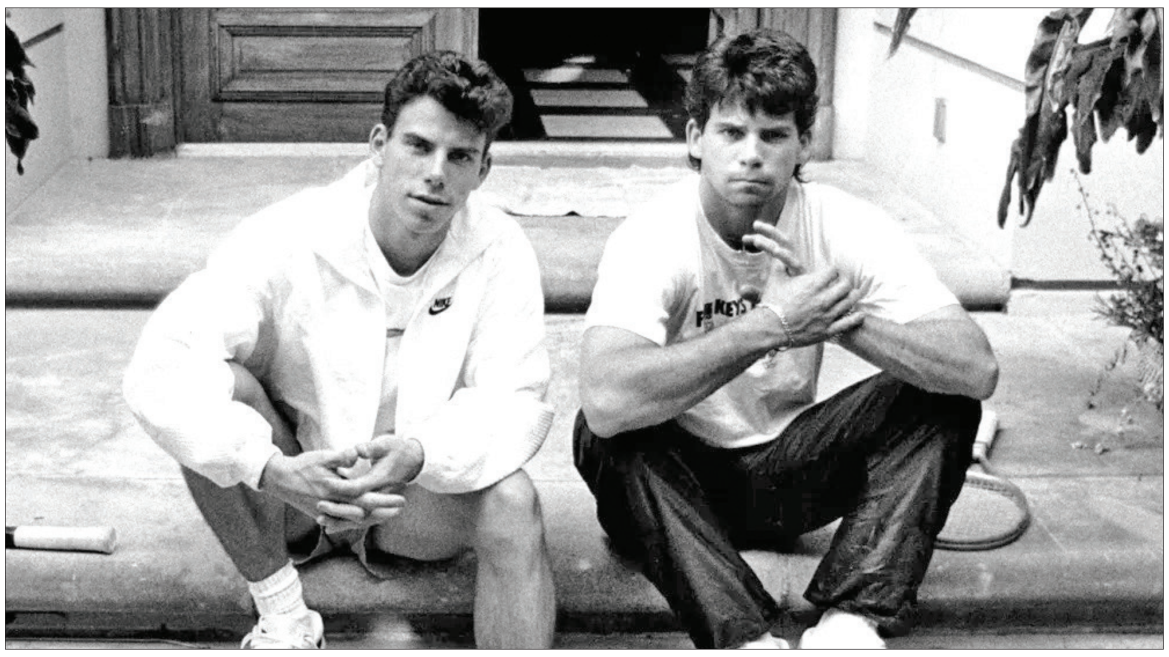

زینب کاظم‌خواه
دبیرصفحه آخر

اریک منندز در سال ۱۹۹۰ نوزده ساله بود که وقتی در فرودگاه بین‌المللی لس‌آنجلس سوار هواپیما شد، پلیس‌ها منتظرش بودند تا برای قتل پدر و مادرش او را دستگیر کنند. لایل برادر ۲۲ ساله‌اش چند روز قبل‌تر وقتی داشت از عمارت خانوادگی‌شان در بورلی هیلز بیرون می‌آمد، دستگیر شده بود ـ همان عمارتی که دو برادر پدر و مادرشان را با رگبار گلوله‌ها به قتل رساندند و بعد با پول‌های‌شان تا می‌توانستند ریخت و پاش کردند تا بالاخره راز این جنایت کشف شد و دستگیر شدند و پرونده آن‌ها از حساس‌ترین پرونده‌های دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شد.

برادران اکنون میانسال هستند اما هنوز به‌عنوان مردان کت‌وشلوارپوشی که در دهه ۹۰ در جایگاه شاهد حضور داشتند، در حافظه عمومی حک شده‌اند، برادرانی که در آن دوران، دادستان‌ها و رسانه‌ها از آن‌ها به‌عنوان وارثان متکبر و مطمئن از دارایی ۱۴ میلیون دلاری والدین‌شان یاد می‌کردند.

داستان برادران منندز از آن داستان‌های عجیب‌وغریب است که هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود یا نمی‌گذارند که کهنه شود؛ تا می‌آید غبار فراموشی بر آن بنشیند کتابی درباره‌شان نوشته می‌شود، موضوع فیلمی می‌شوند که آخرینش سریال «هیولاها» است یا اخباری درباره آزادی‌شان در رسانه‌ها منتشر و در فضای مجازی می‌چرخد.

آن‌ها حالا ۳۰ سال است که در زندان به‌سر می‌برند اما گویا روزنه‌های امیدی برای آزادی به روی‌شان گشوده شده است. اریک و لایل منندز بعد از ۳۰ سال اولین‌بار است که احساس می‌کنند می‌توانند آزادی مشروط بگیرند. آن‌ها همراه با اعضای خانواده‌شان، یک دادستان سابق و ارتشی از حامیان آنلاین مصمم هستند هر طور شده در حکم حبس ابدشان تجدید نظر شده و آزادی‌شان را به دست آورند. اگرچه درخواست آن‌ها برای آزادی تحت نظارت جرج گاسکون دادستان سابق منطقه لس آنجلس شتاب فوق‌العاده‌ای گرفته بود اما ناتان هوچمن دادستان منطقه که به تازگی به این سمت منصوب شده، به شدت با تلاش‌های برادران منندز برای آزادی مشروط مخالفت کرده است. گاسکون که موافق با تجدید نظر در حکم حبس ابد دو برادر بود گفته بود: «معتقدم که این دو برادر در خانه خود در معرض اختلال شدید و آزار و اذیت قرار داشتند. هرچند هیچ توجیهی برای قتل وجود ندارد اما به اعتقاد من آنها دِین خود را به جامعه ادا کرده‌اند.»

یکی از مدارک آزار جنسی نامه‌ای است که اریک منندز به یکی دیگر از اعضای خانواده نوشته که گویا مربوط به سال ۱۹۸۸ است که در آن جزئیات سوءاستفاده ادعایی توسط پدرش خوزه را شرح می‌دهد.

شواهد دیگر از یکی از اعضای گروه موسیقیِ پسرانه پورتوریکوییِ «منودو» که در دهه ۱۹۸۰ فعال بود، به دست آمده است. این عضو گروه مدعی شد خوزه منندز که در آن زمان به‌عنوان مدیر اجرایی در شرکت ضبط «آر سی اِی» کار می‌کرد، در جریان بازدید از خانه منندز به او مواد مخدر داد و تجاوز کرد.

لایل امروز ۵۷ ساله است و در مصاحبه‌ای که در زندان با تی‌ام زد وابسته به شبکه فاکس داشته، گفته: «من و برادرم به شدت امیدواریم؛ امیدواری برای آینده چیز تازه‌ای برای ماست. فکر می‌کنم اریک هم با من هم‌نظر باشد. ما زمان زیادی صرف امید داشتن نکرده‌ایم.»

جنایتی که برادران منندز سه دهه پیش مرتکب شده‌اند، بسیار تکان‌دهنده بود. بی‌بی‌سی در این باره نوشته است که پرونده آن‌ها نه‌فقط کشور را به خاطر ماهیت خشونت‌آمیز و ظالمانه‌اش شوکه کرد، بلکه جلسات دادگاهش هم رویدادهای هیجان‌انگیزی داشت. در اولین محاکمه، دو

برادر جزئیاتی از سال‌های سوءاستفاده جنسی پدرشان از آن‌ها را افشا کردند که باعث شد هیات منصفه به اتفاق آرا نرسند. اما در جلسه دوم دادستان‌ها تردیدهایی درباره این ادعاها ابراز و استدلال کردند که این دو برادر از سر طمع دست به این جنایت زده و می‌خواستند ثروت والدین‌شان را به ارث ببرند. هیات منصفه با این نظر موافق بود و این دو برادر گناهکار شناخته شده و به حبس ابد بدون امکان آزادی مشروط محکوم شدند.

یکی از کابوس‌های دو برادر این بود که به زندان‌های جدایی فرستاده شوند؛ این کابوس در سال ۱۹۹۶ تحقق یافت و آن‌ها را از هم جدا کردند که فاصله‌شان خیلی از هم دور بود و دو برادر سال‌ها همدیگر را ندیدند تا دوباره بعد از بیش از ۲۰ سال دوری در سال ۲۰۱۸ به زندانی در کالیفرنیا منتقل شدند. طی دهه‌ها برادران منندز بارها درخواست آزادی مشروط کرده‌اند که هر بار رد شده اما اخیراً فهمیده‌اند که ممکن است در نهایت به آن‌ها آزادی مشروط داده شود. جلسه استماع برای آزادی مشروط در اواسط آوریل برگزار خواهد شد و ممکن است این دو برادر بالاخره بعد از ۳۰ سال آزاد شوند.

سلامت روان

## وقتی مغزت فریاد می‌زند بس است، گوش کن

# با مغزت مهربان باش

تکنولوژی ما را مجبور می کند که سخت تر و سریع تر کار کنیم اما برای اینکه مغزمان را در نقطه شیرین خلاقانه‌اش نگه داریم، باید سرعتش را کم کنیم. براساس تحقیقات، تکنولوژی ها روی مغز ما تأثیر منفی می گذارند و اما حالا که هوش مصنوعی دارد جهان را تسخیر می کند، هیچ چیز نمی‌تواند با آن رقابت کند. اگر شما در یک ساعت بتوانید ۱۰۰ ایمیل بنویسید هوش مصنوعی می تواند هزار ایمیل بنویسد. با این حال قوانینی وجود دارد که با به کار بستن آنها مغزمان به بهترین حالت ممکن می تواند کار کند. اولین و مهم‌ترین کاری که می‌توانیم برای مغزمان انجام دهیم تشخیص نیاز آن برای استراحت و شارژ دوباره است تا اینکه انتظار داشته باشیم مدام روشن باشد و برای مدتی طولانی کار کند. مطالعات زیادی نشان می‌دهد وقتی مردم کارهای خیلی سنگین انجام می‌دهند استراحت کردن باعث می‌شود کارآیی موثر مغز طولانی‌تر شود. استراحت کردن به مغز شما اجازه می‌دهد مجددا تنظیم شود و همچنین مواد شیمیایی سمی را که هنگام انجام کار توجه مداوم ایجاد می‌شوند از بین می‌برد. صبح زود بیدار شویم؛ تکامل نشان داد که انسان‌ها به آرامی با طلوع خورشید در آسمان از خواب بیدار می‌شوند و با زیاد شدن نور به تدریج تمرکز می کنند و این ریتم طبیعی برای شروع روز بهترین عملکرد مغز را نشان می‌دهد. نور غالب قرمز صبح زود برای تشویق حل مسئله و تفکر خلاق واقعاً خوب است. اما در عوض، عادت کرده ایم با صدای بلند زنگ ساعت بلند شویم، پنج فنجان قهوه بنوشیم و سپس کارهای‌مان را تند تند انجام دهیم یا با عجله به محل کار برویم. از صداهای متناقض دوری کنید. مانند نور، صدا نیز می تواند مغز را به حالت های مختلف سوق دهد. هرچه فرکانس، سرعت و حجم صداها بیشتر باشد، قدرت مغز را بیشتر می‌کنند. این پویایی توسط برنامه‌های صبحگاهی در تلویزیون و رادیو استفاده می‌شود که مجری‌های آن‌ها سریع، بلند و اغلب با صدای بلندتر صحبت می‌کنند تا بینندگان خواب‌آلود را بیدار و به‌هوش کنند. در محیط‌های اداری پر سر و صدا، با حواس پرتی‌های زیاد و در جایی که صدای پس‌زمینه می‌تواند حواس‌تان را پرت کند، استفاده از هدفون و گوش دادن به صداهای آرام بخش می‌تواند ابزار بسیار مفیدی برای استراحت و آرام ماندن مغز باشد. پیاده روی هم می تواند به استراحت مغز کمک کند. در فرهنگ سنتی اداری، ما پشت میزها در اتاقک‌های کوچک یا در فضاهای باز با فضای محدود در اطراف خود می نشینیم، در همان حالت قرار می گیریم و به مدت هشت ساعت یا بیشتر در روز به یک صفحه نمایش درست در مقابل خود خیره می‌شویم. همه داده‌ها به این واقعیت اشاره می کنند که اگر این کار را انجام دهید، ممکن است در تمرکز که در مقابل شما قرار دارد بسیار خوب باشید اما در حل مشکلات و فکر کردن به ایده‌های جدید عملکرد خوبی نخواهید داشت. پیاده‌روی یک روش واقعاً قدرتمند برای تغییر نحوه عملکرد مغز و کمک به آن است که کتابخانه دانش خود را غربال کنید و به تفکری تازه دست یابید. جایی که پیاده‌روی می کنید واقعاً مهم نیست، پارک، باغ یا فقط در کنار یک خیابان (تا زمانی که دائماً مجبور نباشید از جاده‌های شلوغ عبور کنید و روی ترافیک تمرکز کنید) تأثیر ساده حرکت تمام چیزی است که برای از بین بردن ذهن و تشویق تفکر آزاد و خلاق لازم است.

زنان شگفت انگیز

# دیدبان ادبیات و مبارززنان

در برگ‌برگ تاریخ معاصر ایران، گاه‌گاه نام‌هایی چون فانوسی در تاریکی می‌درخشند؛ زنانی که جز آنکه در مسیر زندگی خود گام برداشتند، راهی روشن نیز برای آیندگان گشودند. یکی از این چهره‌های درخشان، بانویی است با چمدانی پُر از کتاب، دلی سرشار از شوق دانایی و نگاهی که همیشه افق را می‌کاوید: دکتر فاطمه سیاح.

قصه او از دل مسکو آغاز می‌شود؛ جایی که در سال ۱۲۸۱، دختری در خانه‌ای آشنا با بوی کتاب و واژه، چشم به جهان گشود. پدرش، میرزا جعفرخان رضازاده محلاتی، مردی اهل ادب و استاد زبان فارسی و مادرش زنی با ریشه‌های آلمانی و پرورده در فرهنگ روس، هر دو دست‌به‌دست هم دادند تا ذهنی چندفرهنگی و جست‌وجوگر را پرورش دهند. فاطمه در همان سال‌های نخست، عاشق کلمات شد، دل به ادبیات سپرد و راه دانشگاه را در پیش گرفت.

در دانشگاه مسکو، او آموخت و درخشید. با رساله‌ای درباره آناتول فرانس، نویسنده بلندآوازه فرانسوی، دکتری ادبیات اروپایی را از آنِ خود کرد؛ آن هم در زمانی که حتی اندیشه زن بودن و دانشگاه رفتن، برای بسیاری خیال خام بود.

بازگشتش به ایران در سال ۱۳۱۲، آغاز سفری دشوار اما درخشان بود. ایران آن روزها هنوز گوشه‌چشمی به حضور زنان در دانشگاه نداشت. اما فاطمه سیاح با صبوریِ کوه و تیزیِ نگاه یک منتقد، ایستاد، آموخت، آموزاند و ساخت. نخست زبان‌های خارجی را تدریس کرد و خیلی زود، در سال ۱۳۱۷، به مقام دانشیاری دانشگاه تهران رسید. پنج سال بعد، نام او به عنوان نخستین زن استاد دانشگاه تهران ثبت شد؛ زنی که کرسی «سنجش ادبیات و ادبیات روسی» را بنیاد نهاد و ادبیات تطبیقی را به دانشگاه آورد، همان‌طور که کسی بذر را در خاک می‌نشاند به امید رویش.

فاطمه سیاح فقط معلم نبود؛ او دیدبان ادبیات بود. نوشته‌ها و مقاله‌هایش درباره غول‌های ادبی چون بالزاک، داستایوفسکی، پوشکین و چخوف، چنان با ظرافت و دقت بود که هنوز هم هواداران نقد ادبی با احترام از آن‌ها یاد می‌کنند. شاگردانش، از جمله سیمین دانشور، نه‌تنها از دانش، که از شوق و شور او الهام گرفتند.

اما دنیای فاطمه به کلاس درس محدود نمی‌شد. او در بیرون از دیوارهای دانشگاه نیز می‌جنگید؛ برای حقوق زنان، برای حضور آنها در فرهنگ و سیاست. از بنیان گذاران «حزب زنان ایران» بود و در مجامعی بین‌المللی چون «جامعه ملل» در ژنو، صدایی شد برای زنان ایران؛ صدایی روشن، پُرطنین و بی‌لکنت.

با این همه، زندگی همیشه سخاوتمند نیست. در ۱۳ اسفند ۱۳۲۶، در چهل‌وپنج سالگی، بیماری رشته زندگی فاطمه سیاح را گسست. پیکرش را در گورستان ابن‌بابویه به خاک سپردند، اما اندیشه‌اش، راهش و نامش تا همیشه در حافظه فرهنگ ایران جاودانه ماند.

و این‌گونه، فاطمه سیاح نه‌تنها زنی از دوران خود، که زنی فراتر از زمان بود؛ پیشگامی که به‌جای تسلیم، آموختن را برگزید و به‌جای خاموشی، صدای نسل‌های آینده شد.

داستان زمانه ما

شاهین مدنی

# سشوار دولتی مدل میل ۱۷۱

در شهری نه‌چندان دور، جایی میان کوه و گل، ورزشگاهی بود به اسم «تختی» که تختی‌تر از همیشه در انتظار یک مسابقه فوتبال محلی بود اما باران، مثل همیشه بی‌هماهنگ با تقویم فدراسیون، باریده بود و چمن ورزشگاه خیس خیس بود.

در همین گیر و دار، جناب مدیرکل ورزش استان، جناب خشک‌پناه، به همراه مشاور همه‌فن‌حریفش آقای پروازیار نجات‌زاده، تصمیم کبری‌شان را گرفتند: «بیارینش پایین!». و پایین آمد. میل ۱۷۱، غول روسی که زمانی در سیبری برای عملیات نجات ساخته شده بود، حالا در خرم‌آباد به خدمت چمن سبز درآمده بود. چرخید و چرخید، مثل آرایشگر باتجربه‌ای که می‌داند کدام زاویه از باد گرم، موها را بهتر خشک می‌کند. بچه‌ها سوت و کف زدند، یکی فریاد زد: «سشوار ملی!» و دیگری جواب داد: «نه‌بابا، این پنکه صنعتیِ ارگانیکه!»

همان‌جا، در گوشه‌ای از آسمان، فرشته‌ای از واحد امداد گم‌شده‌ها آهی کشید و گفت: «ای بالگرد رنج‌دیده... تو را برای نجات جان ساختند، نه برای نجات گل بازی.»

ویدئو دست‌به‌دست شد. رسانه‌ها جوش آوردند. رئیس محترم جمعیت، فرمود: «سه نفر پرا و گزارش کامل!» اما هیچ‌کس نفهمید این سه نفر کی بودند و گزارش هم هرگز از آشیانه درنیامد.

و میل ۱۷۱؟ حالا در پارکینگ آرام گرفته، با ملخ‌هایی که دیگر به چرخیدن بی‌میل‌اند. فقط گاهی باد که می‌وزد، صدایی از او می‌آید: «من امدادم، نه ابزار آرایش زمین...»

چمن ورزشگاه تختی هنوز هر وقت باران می‌بارد، خیس می‌ماند؛ اما دیگر کسی جرئت نمی کند سشوار ملی را به آسمان بفرستد. چون خوب می‌دانند برای روشن شدن پره‌هایش، باید اول حسابی جیب‌ها را تکاند و پولی ریخت که با آن می‌شد یک زمین چمن تازه خرید!

عکس نوشت

### کوچ بهاره عشایر فارس

کوچ بهاره عشایر فارس شامل سه ایل بزرگ قشقایی، ایل عرب خمسه و لُر به همراه هشت طایفه مستقل، از مناطق قشلاقی به مناطق ییلاقی آغاز شده است.

یادداشت

# دفاع از کیان ملی با کراوات

## وقتی یک درازآویز زینتی تبدیل به بیانیه‌ای سیاسی می‌شود

فرزاد نعمتی
هفت صبح

دیروز گفت‌وگوی کوتاه بیژن عبدالکریمی با بی‌بی‌سی را دیدم؛ گفت‌وگویی که بهانه آن، نامه بیش از ۴۰۰ نفر از چهره‌های فرهنگی و سیاسی در واکنش به تهدیدهای نظامی آمریکا و ترامپ بود و در آن امضاکنندگان نامه «تجاوز به ایران و هر اقدامی علیه توان دفاعی کشور» را نه «اقدامی علیه حکومت» بلکه «اقدامی علیه ملت ایران» دانسته بودند که «منطقه را به آشوبی بزرگ کشیده و جهان را متضرر خواهد کرد» و اشاره کرده بودند که «برای دفاع از ایران، دفاع از انسانیت، دفاع از صلح جهانی، در صورت هرگونه تعرض به ایران، فارغ از اختلاف دیدگاه‌های خود با حکومت، با تمام قدرت از کشورمان دفاع می کنیم».

وقتی اما این مصاحبه را می‌دیدم و اصلاً از همان آغاز، فارغ از صحبت‌ها، آنچه توجهم را جلب کرد، کراوات یا به قول فرهنگستان زبان و ادب فارسی، «درازآویز زینتی» عبدالکریمی بود که با پیراهن و کت طوسی رنگی هم‌خوان شده بود. دیدن چنین صحنه‌ای واقع امر حالات متناقضی را در من برانگیخت؛ هم خنده‌ام گرفت و هم تأسف خوردم از داستان کراوات بستن در ایران در چند دهه اخیر و منع‌های متعددی که برای استفاده از آن صورت گرفته و حتی کار گاه به صدور بیانیه پلیس و دستور اداره اماکن هم منجر شده. در عین حال به ذهنم رسید که چه چیزی در ذهن استاد فلسفه گذشته که هنگام گفت‌وگو با بی‌بی‌سی کراوات بسته است؟

مخالفان کراوات آن را نمودی از غرب‌زدگی یا نمادی از فراماسونری و شیطان‌پرستی دانسته و کاربرد آن را مخالف روح ایرانی‌اسلامی می‌دانند. این دعوا از همان آغاز انقلاب شروع شد و در آغاز هم البته اینقدر به آن تفسیر سنجاق نمی‌شد. حتی نخستین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی، مهندس بازرگان و بسیاری از وزیرانش، با همان کراوات‌های پهن رایج در عصر پهلوی پشت میز وزارت و صدارت نشستند و انگار خدشه‌ای هم به اسلام و مسلمین وارد نشد. صادق طباطبایی چند سال پیش از فوت، نقل کرد که امام خمینی هم نه مشکلی با کراوات او داشته، نه ریش شش‌تیغش. اسلام‌گرایان و چپ‌ها اما چنین پوششی را نمی‌پسندیدند و ساده‌پوشی و پیراهن روی شلوار را نشان ساده‌زیستی می‌دانستند. بعدتر کار به تفسیرهایی غریب هم رسید. بنی‌صدر کراوات را نماد صلیب مسیحی معرفی و توصیه کرد ایرانیان مسلمان از نماد مسیحیان پرهیز کنند. بدین سان رایج شد که مسئولان در جمهوری اسلامی و حتی دیپلمات‌های ایرانی در مجامع جهانی از کراوات استفاده نکنند و حتی قیچی کردن کراوات در خیابان‌ها باب شد؛ گویی کراوات بستن چیزی بود در مایه‌های بی‌دینی و بی‌وطنی.

شاید بگویید اینها که می گویی دیگر به تاریخ پیوسته اما خب همین تاریخ هم ما را ساخته و گاهی سوزانده. هر از چندی کراوات کسی مایه جنجال شده. زمانی جرم اعظم ناصر حجازی و مانع بزرگ سرمربیگری او در تیم ملی، کراوات بستن و ریش نگذاشتن بود. یک دهه پیش کراوات زدن دکتر سریع‌القلم در اجلاس داووس را پیراهن عثمان کردند و کیهان نوشت: «باید از آقای روحانی پرسید که چگونه از مشورت‌های چنین مشاوری، استقلال ملی، عزت ملی و روح ایرانی‌اسلامی قابل استخراج است؟» همین دو سال پیش نیز مراسم کانون‌های وکلای دادگستری ایران در اهواز لغو شد زیرا عوامل حراست وزارت نیرو استفاده حضار از کراوات را ممنوع دانسته بودند. به یاد دارم که زمانی حراست اداره ارشاد اسلامی هم صدای جمال وفایی خواننده را حین خواندن روی سن به این دلیل که کراوات بسته بود، قطع کرد و او مجبور شد که صحنه را ترک کند.

مخلص کلام کراوات زدن هر کسی علی‌القاعده به خودش مربوط و تفتیش عقاید هم حتماً ممنوع است اما خب خیالات هم گاهی دست از سر آدمی برنمی‌دارد. دکتر عبدالکریمی که در دو سه سال گذشته از لزوم بازگشت به گفتمان انقلاب دفاع می کند، اگر با همین پوشش صبح راهی دانشگاه شود، اذن دخول به کلاس درس را پیدا خواهد کرد یا نه؟ آیین‌نامه‌های دولتی یک «نه» بزرگ را نشان‌مان می‌دهند و می گویند همان‌طور که «آستین لباس باید لزوماً تا مچ دست فرد را پوشش دهد و یقه پیراهن نباید به صورت غیرمتعارف باز باشد»، استفاده از «کراوات، پاپیون و سایر مظاهر فرهنگ غرب» هم مجاز نیست؛ لابد به این دلیل که این‌ها دیگر به‌صورت غیرمتعارف یقه را «بسته» نگه می‌دارند! بماند که مگر همین کت و شلواری که می‌پوشیم، از غرب نیامده؟ باز بماند که برخی نشانه‌هایی مهم از ریشه‌های ایرانی کراوات یافته‌اند. به هر روی بد نیست به این مسائل نیز فکر کنیم. همین مسائل به ظاهر بی‌اهمیت، همین دخالت‌های بی‌وجه و همین رفتارهای سلیقه‌ای در گذر همه این سال‌ها داد بسیاری را درآورده و دل‌های بسیاری را شکسته. زمانی مد شده بود می گفتند ریش مهم نیست، ریشه مهم است. حالا هم شاید بگویند کراوات مهم نیست، کیان ملی مهم است. من اما می گویم کیان یک کشور را بیش از هر چیز احترام‌نهادن به شأن و رأی مردمان آزاد در یک جغرافیای رنگین‌کمانی قوام می‌بخشد. نگران این رنگین‌کمان باشیم.